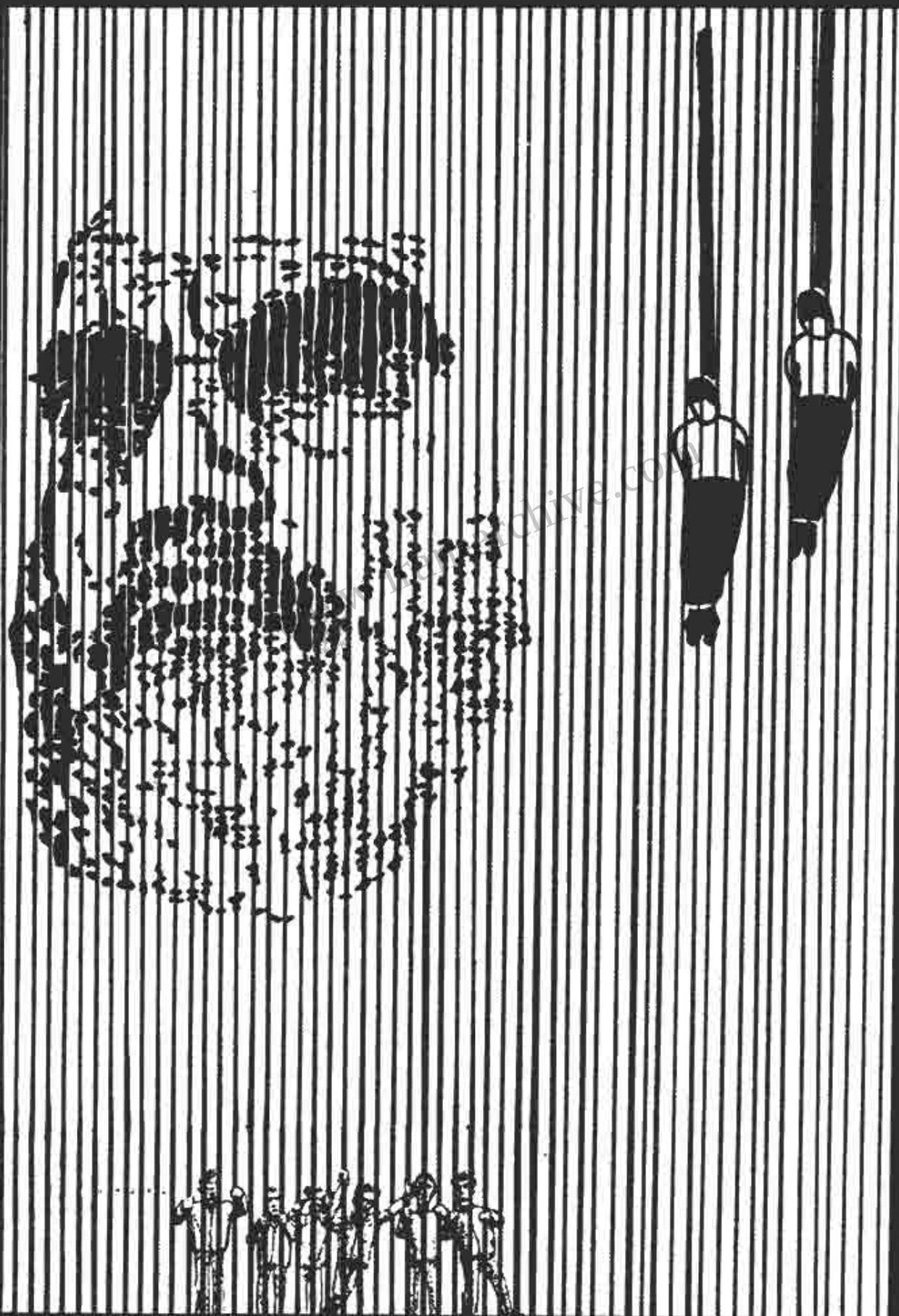


شماره ۲
فروردین ۱۳۳۳
آوانیسه ۱۳۳۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



تقویم تاریخ

فروردین
MARCH - APRIL

هشدار به دانشجویان

اطلاع یافتیم که در تاریخ ۶ آوریل ۱۹۸۳ بحث حفاظت از منابع رژیم جمهوری اسلامی در سفارت الحاریر واقع در شهر واشنگتن نامهای به مشاوران دانشجویان بین المللی دانشگاه آمریکا فرستاده و تقاضای دریافت اسامی دانشجویان ایرانی را نموده است. واضح است که این بار رژیم تحت لوای "کمیته دانشجویان و رسیدگی به مشکلات مالی آنها" در صدد برآمده که با این دست آورده سیاسی عناصر سازد دانشجویان را از رژیم در خارج از کشور سبزه دارد بدون شک سیاست واقعی رژیم در برپاشی "تغامای استخدام" در وزارت فرهنگ و آموزش عالی که ضمیمه نامه به مشاوران دانشگاهها میباشد هر چه بیشتر عربیان شده است. در این برپاشی ما رژیم از متقاضیان خواسته است که مشخصات دو نفر معروف موشق در ایران و دو نفر در کشور محل تحصیل را که با ویژگیهای اخلاقی متقاضی آشنائی کامل داشته باشند ذکر کنند.

بدون تردید در تمام دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور روشن است که منظور رژیم از "ویژگیهای اخلاقی" در واقع نمیتواند چیزی جز اعتقادات سیاسی دانشجویان باشد و ارسال چنین پرسشنامه ای در ارتباط مستقیم با سیاست رنجایی و فرون و طاقی تفتیش عقاید از جانب رژیم حاکم است که جمهوری اسلامی است.

رژیم جمهوری اسلامی مدعی است که تنبیه اسامی دانشجویان در خدمت اهداف زیر خواهد بود:

تامین کمکهای مالی مورد نیاز برای هزینه تحصیل، تنبیه "طبقه دوسری برای ملاقات با نواده" (۵) و نامین "آبشده تعلیمی" دانشجویان! همچنین در اطلاعیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی که ضمیمه پرسشنامه "استخدامی" میباشد آمده است:

"وزارت فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران به منظور فراهم نمودن تسهیلات لازم برای داوطلبان خارج از کشور عیشتهاشی را جهت استخدام بیمانی این دسته از خواهران و برادران به کشورهای خارج گسیل خواهد نمود. تا با عیایت خداوندی بخشی از وظایف انسانی - اسلامی خویش را ادا نموده باشد. صنادید آورده میگردد که طبق برنامه های پهنه بندی شده، هیئت های مذکور موجود در اوایل فروردین سال ۶۲ (معاد با مارس ۸۲ میلادی) شروع خواهند نمود."

بقیه در صفحه ۲

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
		۱۰ ۲۱	۲ ۲۲	۳ ۲۳	۴ ۲۴	۵ ۲۵
۶ ۲۶	۷ ۲۷	۸ ۲۸	۹ ۲۹	۱۰ ۳۰	۱۱ ۳۱	۱۲ Apr
۱۳ ۲	۱۴ ۳	۱۵ ۴	۱۶ ۵	۱۷ ۶	۱۸ ۷	۱۹ ۸
۲۰ ۹	۲۱ ۱۰	۲۲ ۱۱	۲۳ ۱۲	۲۴ ۱۳	۲۵ ۱۴	۲۶ ۱۵
۲۷ ۱۶	۲۸ ۱۷	۲۹ ۱۸	۳۰ ۱۹	۳۱ ۲۰		

- ۲ فروردین ۱۳۲۲ حمله به مدرسه فیضیه قم
- ۳ فروردین ۱۳۲۷ خروج عراق از بیمان بغداد - از آن پس این بیمان، بیمان سننو نام گرفت
- ۶ فروردین ۱۳۵۱ جلسه رژیم جمهوری اسلامی به گمبد
- ۷ فروردین ۱۳۲۷ سوری گاکارسن نخستین نمایان نورده جهان. در سگ مانجی هوایی درگذشت
- ۷ فروردین ۱۳۵۹ مثل عام دهکده قلعه نان توسط رژیم معایق جمهوری اسلامی
- ۹ فروردین ۱۳۶۰ اعدام ۹۷ تن از چریکهای "حزب انقلابی کردستان" توسط رژیم فاشیستی ترکیه در استان دیار بکر (کردستان) ترکیه
- ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ شهادت قاضی محمد و بازاست (پایه گذاران جمهوری ملی دمکراتیک کردستان)
- ۱۰ فروردین ۱۳۵۶ شهادت مرال آتشی (بریدجمن)
- ۱۲ فروردین ۱۳۰۰ قیام کلکمل محمد تقی خان بسیار در خراسان
- ۱۶ فروردین ۱۲۹۹ قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان
- ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ مرگ صادق هدایت، نویسنده و محقق ایرانی
- ۲۱ فروردین ۱۳۲۲ رها شمس آبادی از گارد خلقی در کاج برمره سوی تاه تیراندازی نمود
- ۲۲ فروردین ۱۳۲۷ اعتصاب ۱۲۰۰۰ تاجیکان ایرانی
- ۲۳ فروردین ۱۳۲۰ نخستین معایورده جهان "سوری گاکارسن" برای نخستین بار زمین را دور زد
- ۲۴ فروردین ۱۳۳۰ اعتصاب ۳۰۰۰۰ کارگر نفت آبادان. این اعتصاب ۱۴ روز طول کشید
- ۲۶ فروردین ۱۳۵۰ شهادت حواد اسلامی
- ۲۸ فروردین (۱۷ آوریل ۱۹۷۵) سالروز انقلاب کاموج
- ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ شهادت ۴ تن از پایه گذاران سازمان مجاهدین خلق، علی - مسعودوست، ناصر صادق، علی ساکری، محمد سازگانی
- ۳۰ فروردین ۱۳۵۲ شهادت ۷ تن از رفقای فدائی سیزن جری، عزیز سرمندی، سعید کلانتری، حسن فیاضی، محمد جویانزاده، احمد - طلیل افشار، عباس سورکی و ۲ تن معاهد مصطفی جوان غوثدل و کاظم ذوالانوار



دفتر مجله جوانان - سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران - در محل پلاک ۴۰
سال دوم - شماره ۱۰ - فروردین ۱۳۶۲ - آوریل ۱۹۸۲

فهرست مطالب

- ۵ بهمناسبت سالگرد شهادت فدائیان خلق بیژن جزینی و همزمان
- ۶ اخباری از کوردستان
- ۷ ایران (آخرین اخبار رسیده)
- ۹ در بزرگداشت آمار مارکس
- ۲۰ سوروز، از انتشار تا به امروز
- ۲۲ ایران - ۱۳۶۱
- ۲۵ مجلس کلیات لایحه خدمت سببه و قضاوتیان را تصویب کرد
- ۲۵ گزارشی از کنفرانس "فنا و تنهای مشترک و مسائل زنان در کشورهای جهان سوم"
- ۲۶ ترکیه: کودتای ۱۹۸۰، قبل و بعد از آن
- ۲۵ اخبار جهان
- ۲۸ نگاهی به پرامون هفتمین کنفرانس کشورهای غیرمتحد - دهلی نو
- ۲۹ "امداد" در ملا عام
- ۳۰ سفر یان پوپ آمریکا مرکزی، تلاشی مدبوحانه در جهت فریب تنیده ها
- ۳۲ سرار از جنگال در میان رژیم
- ۳۲ دیدگاهها: نقدی بر نظری "سوسیال امپریالیسم" - بخش دوم
- ۳۸ آمریکا و سران جمهوری اسلامی (۱)
- ۳۲ کدهای کمک های مالی
- ۳۲ آیزنهاوس (دشمن از جهان شماره ۸)
- ۳۲ کلامی با مجاهدین
- ۳۳ نقد کتاب: "ترکیه در بحران"
- ۳۶ گزارش سازمان حقوق بین المللی از ایران
- ۳۷ سفر
- ۵۰ اخبار جنبش دانشجویی
- ۵۱ اطلاعات - سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران - کمیته خارج از کشور
- ۵۱ گرامی باد خاطره رفیق شهید حمید رضا سعادت

خجسته باد بهاران

اینکه بهار، با خورشید طراوت در چارسوی
چمن خروگاه برافراشته و سبزه رنگی در گسترش خاک
ریشه می دواند! رود می خروشد، و جنگل با بازوان
خس روشنائی با مدار را فریاد می زند!
بالا پیشی زمین بر بالای بلند کوهستان!
هلا ای بهار! ای فصل سبز شکوفایی!
هلا سافر فرخنده عرقچین سبزه را از سر بردار
و بالا پیش گلگون را بر شاخ تنوس ازغوان بپاژ،
بنشین!

اینجا بر خاک خونین چمن بنشین و ریش جوانه های
خس را در چارسوی چشمت از نظاره کن.
اینجا در خاک خونین چمن خفتان و خنایت بیدار
می کند، توحش و حماقت در فراگیرترین معیار قدرت
را افشاده کرده است. از آسمانش جزایر گار گلوه هیچ
نی بارد و از زمینش جز انفجار صحن!
اما..... جوانه های بهار نیز هر روز سرزنده تر
و بارورتر می شود و در سبزه مردی که از نسل کار
و فردا نیست و چمنی به آینده دارند بهاری
سرخ و پایدار را نهد می دهد.
بهار کارگران، بهار زحمتکشان، و بهار کار!
ایران در انتظار بهاری سرخ شادمانه نفس نفس
می زند. بهاری که نقش در کارخانه ها و در حرکت
چرخها می نهد. بهاری که از شکوفه های خونینش
بوی اعصاب می آید.

بهار مبارزه، بهار اعصاب، بهار قیام!
بهار کارگران، بهار زحمتکشان، و بهار کار!
بهاری که از سر زمین سرخ پیشمرگان می آید، از
کوردستان! با چشمتی سرشار از نان و آزادی!
بهاری که از میان ماسه های سوخته خلیج جوانه
می زند و جنگ و درگیری را بران می کند!
بهار دشتیهای سوخته ی بلوچستان!
بهار شالیزارهای شاداب شمال!
بهاری که از حد سو جاری است، و از هر حصار
می گذرد.

بهار کارگران، بهار زحمتکشان،
و بهار کار خجسته باد!



رای تماس با جهان با آدرس
ویرمکاتبه نمائید

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

تلفن های خبری

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا
هوادار: «سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران»

در صفحه ۲۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی. برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

هشدار به دانشجویان

بسمه ارمده ۲

سالروز اولین حمله رژیم به ترکمن صحرا

روز ششم فروردین معاد است با اولین حمله رژیم جمهوری اسلامی به ترکمن صحرا.

در جریان انقلاب محققان و محققین ترکمن صحرا برای دستیابی به حقوق دسترس خود اقدام به ایجاد شوراهای دفاعی در روستاهای ترکمن صحرا نمودند و شاد مقررگی به منظور پیشبرد اهداف خود در شهر گنبد کاووس به وجود آوردند. زمین داران بزرگ با حمایت رژیم جمهوری اسلامی نطفه های پی در پی را علیه محققان دامن میزدند. شهر گنبد صحتاً توسط مردم اداره میشد. از اوایل فروردین رژیم گندهای پاسدار خود را روانه ترکمن صحرا میکند. آنها برای ایجاد درگیری به دنبال مستحکم میگردند. روز پنجم فروردین ۵۸ یک جوان ۲۲ ساله ترکمن به نام آراز در دیپور، سگار فروش به دست پاسداران به قتل رسید.

چند روز قبل از ۶ فروردین در اعتراض به کشتار سنجج، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن اعلام تشکیل یک میتینگ میکند. ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۶ فروردین جمعیتی حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر در باغ ملی گنبد، محل تعیین شده میتینگ جمع میکنند. ساعت ۲/۵ مدای شلیک تیرهای هوایی توسط پاسداران اعراس آغاز میگردد. مردم ابتدا وقتی به این تیر پگات نمی بینند و ولی چیزی نمی گذرد که تیراندازی بسوی جمعیت آغاز میگردد. در اولین پشورش مزدوران ۲۰ نفر زخمی میشوند. شهر بهم - میریزد. پاسداران چون گوریل های وحشی به مردم هجوم میبرند و گنبدخانه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را آتش میزنند. پاسداران تهاجم را از محل میتینگ به تمام شهر گسترش میدهند. مردم به دفاع و مقابله برمی خیزند. نطفه زمین داران موفق میشود. از صبح روز بعد، ۷ فروردین، تعرض ترکمن های خشکین آغاز میگردد و تا شب ۱۳ شهر به تصرف آنها در می آید. رژیم پاسداران بهشتی از شهرهای مختلف به محل گسیل میدارد. تعداد زیادی از مزدوران کشته میشوند و خلق ترکمن نیز شهادتی در دفاع از حقوق خود نثار میکند. بسیاری از مردم

بقیه در صفحه ۱۲

براحتی چه عده است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی این چنین "شاد و شادمانه" به فکر دانشجویان خارج از کشور افتاده است؟ آیا رژیم با کمبود متخص رو برو شده است؟ تنها نیم نگاهی گذرا به کارنامه جنون بار رژیم علیه دانشجویان در طول چند سال گذشته در داخل و خارج پرده از این باطلج عمل غیرعواخانه برداشته و مقامدلی و خدمت و دانش او را بهرلا مینماید.

قطع ارتباطی بسیاری از دانشجویان به انواع واسام بهانه و وارد آوردن فشارهای "کنسولی" به آنها خود نمایانگر این واقعیت است که دامین کجک های مالی مورد نیاز برای هزینه تحصیل "ادعای پوچ شهادت های بیخ نیست.

"بلیط دوسره برای ملاقات خانواده" نیز تکی دیگر از حقه های کثیف جمهوری اسلامی برای بدام انداختن دانشجویان میارزاست. گمیل چاقو کفان به خارج از کشور زیر پوشش پاسپورت های دیپلماتیک، واگذاری بورس های دانشجویی با معیار "هیکل قوی برای تحرک فعالیت های خارج از کشور" (یعنی قدرت بهم ریختن جلسات دانشجویان مدرزیم) از طرف رژیم به حزب اللهی های اوبانی و ارازل برای زار وادیت دانشجویان خارج از کشور و در همین ارتباط شورو ۲ دانشجوی انقلابی در فلسطین و هند خود نشان میدهد که واقعا بقدر رژیم به فکر دانشجویان است!!

اما امرار حینت هایی جهت "استخدام بهمانی" دانشجویان خارج از کشور مشک ترین و موثرانه ترین بخش ادعای رژیم در این زمینه است. راستی مگر رژیم با کمبود متخص و شمولنگردیده رو بروست که از هم اکنون به فکر "استخدام" دانشجویانی برآمده است که مالبها به پایان تحصیل آنها باقی مانده است؟ مگر هزاران استاد اخراجی از دانشگاهها، کارشناس، متخص و فارغ التحصیل دانشگاهها بنیکار و آواره تا مدارک دکتر و فوق لیسانس بکار نگمارده شده اند که رژیم بهر اع دانشجویان خارج از کشور افتاده است؟ مگر دهها هزار دانشجو و معلم که بخش اعظم آنها به کارهای نظیر دست فروشی و دوره گیری پرداخته اند هم اکنون استخدام شده و بکار مشغولند؟ اینک بعد از دو سال هنوز درهای دانشگاهها و موسسات آموزشی بر روی دانشجویان بسته است خود افشاگر مایهت دفلکارانه ادعای اخیر رژیم است. امروز که باطلج بازگشایی دانشگاهها آغاز شده است بسیاری از دانشجویان، حتی کسانی که فقط شش ماه و یا یکسال به پایان تحصیل باقی مانده است اخراج شده اند. رژیم حتی به عاشقین توده ای - اکثریتی که عادی و ستایشگران او هستند نیز اجازه ورود و یادادامه تحصیل در دانشگاهها را نداده است.

حال چگونه است که رژیمی با این چنین پرونده شاهی در زمینه آموزشی بفکر "گمک" به دانشجویان خارج از کشور افتاده است؟!

در بطن مسائل فوق، در مین حال رژیم از این طریق سعی دارد که موقعیت اپرول و منفور جاسوسان حزب اللهی خود را در خارج از کشور رسیت به فیده دانشجویان را وادار کند که برای انجام کارهای "کنسولی" و ارزی خود به این اوباشان مراجعه کنند.

دانشجویان و هموطنان مبارز!

هم اکنون دانشجویان در بسیاری از دانشگاهها و کالج ها قادر شده اند با اعتراض یکبارچه خود علیه این نقشه شوم ارکانال دانشگاهها، این اقدام رژیم را مقیم نمایند و مانع از آن شوند که مشولین دانشگاهها آگاهانه و یا نا آگاهانه با ارسال اسامی و مشخصات دانشجویان در خدمت اهداف رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرند. شانیز با همکاری و همپاری دیگر دانشجویان محل تحصیل خود با افتخار نطفه اخیر رژیم و مراجعده "شاوران دانشجویان بین المللی" دانشگاهها و تشریح حمله های رژیم برای آنها مانع از آن شوید که رژیم با بافتن اطلاعات بیشتر در مورد دانشجویان به آنها افتا رهای بیشتری وارد نماید. شرط پیروزی ما اتحاد و یکپارگی است.

اتحاد مبارزه پیروزی

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا (هوادار سازمان چریکهای فدائین خلق ایران)



فدائی خلق مشهور (حمید) کلانتری

**حماسه مبارزه، مقاومت و شهادت
رفیق بیزن جزئی و همروزمانش
همیشه الهام بخش مبارزان راه
رهانی طبقه کارگرو زحمتمکشان
میهن ما خواهد بود**



فدائی خلق حسن ضیاء طریقی



رفیق کبیر فدائی خلق شهید بیزن جزئی از
بنیانگذاران جنبش نوین کمونیستی ایران

سالمی جنبش کمونیستی ایران بخوانم بی شک سخن
بگرای نگفتم. آگاهی عمیق بیزن از تشبوری
مارکسیسم-لنینیسم و انطباقی خلافتی آن بر
خود ویژگیهای جامعه ایران، خصوصیت باوری به
رفیق بیزن می باشد که او را از کمونیستهای دیگر
ایرانی متمایز می کند. آثار رفیق بیزن که با واقع بینی
علمی و درک ژرف مارکسیسم-لنینیستی اوضاع
اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران تصویر می کشد
گنجینه ای است برای پیوندگان راه آزادی. و اگر
برای همه زندگی سراسر مبارزه ی او را به فراوانی
توضیح از یک انسان سوسیالیست را می بینیم که هم
و خستگی ناپذیر در وجود بیزن ظهور یافته است.

فدائی کبیر رفیق بیزن جزئی دانشجوی
دکترای فلسفه در دانشگاه
تهران، تحصیل کننده، روح، اقتصاددان، متخصص
علوم سیاسی، نقاش، شاعر، انقلابی بزرگ و یکی از
بزرگترین استادان دانشگاه انقلابی در سال ۱۳۱۶
در تهران متولد شد و در سیام فروردین سال ۱۳۵۴
در سی و هشت سالگی پس از عمری پر بار از مبارزه
و انقلاب بگری در زندان این به دست دشمنان

سیام فروردین یادآور روزی است که فرزندان دلاور
خلق، هفت تن از فدائیان رفقا بیزن جزئی، حسن
ضیاء طریقی، عزیز سردی، مشهور (حمید) کلانتری،
مهاجر سورکی، محمد جویان زاده و احمد جلیل افشار
به همراه دو تن از مجاهدین خلق کاظم ذوالانوار و
مصطفی جوان خوشدل در زندان این به دست
جلادان مزدور شاه شهادت رسیدند. این
دلاوران که سالها علیه رژیم سفاک پهلوی مبارزه
کرده بودند تا واپسین لحظات حیات به آرمان توده
ها وفادار ماندند و ایمان خلل ناپذیر خود را بخلق
نشان دادند. این دلاوران نام مبارزه، مقاومت،
عشق به توده ها و کینه و نفرت نسبت به دشمنان
خلق بودند.

یادشان گرامی و راهشان پایدار باد.



فدائی خلق احمد جلیل افشار

گزارش مبارزات این دلاوران رزمده، صوفی ناصبی
را سزاوار است. در اینجا به منزله ی ششوی
از خروار و خوشه های از خرمن به مبارزات رفیق
کبیر بیزن جزئی اشاره می شود.

رفیق بیزن از برجسته ترین و سرشناس ترین
پیوندگان راه رهانی کارگران و زحمتکشان و یکی
از بزرگترین بنیانگذاران جنبش نوین کمونیستی ایران
است. اگر بیزن را مصاره ی مبارزات هفتاد و چند



فدائیان خلق مهاجر سورکی، محمد جویان زاده

شاه جلاد به شهادت رسید. زندگینامه ی رفیق
جزئی خود داستان بلندی است از مبارزه ی یک
انسان سوسیالیست که از ۱۰ سالگی به دنیای
مبارزه بر علیه امپریالیسم پیوست و برای تحقق
آرمان ولای طبقه ی کارگر لحظه ای نپاسود.

قدرت شگرف سازماندهی، انعطاف پذیری انقلابی
و خلاقیت رفیق جزئی شخصیتی می مانند از او
ساخته بود که چه در دوران زندگی خلق با خلق و
چه در دوران اسارت یکی از سازماندهندگان مبارزه
در شرایط خاص زمانی و مکانی محاسب می آمد.
احاطه ی عمیق و بصیرت رفیق بر تئوریهای
مارکسیسم-لنینیسم او را در شمار یکی از بنیان-
گذاران و استادان بزرگ دانشگاه انقلابی جلالی



فدائی خلق عزیز سردی

دارد بود. هم بدانش از سخنرانیهای چندین
ساعتش در زندان و نیز استیلا و اشراق بر
سایر حکمتها می گویند.
مبارزات رفیق در زندان و شکنجه شکنی هایش
نیز خود حماسه ای است که درس آموز نسل های
آینده خواهد بود. مشعلی که رفیق بیزن برافروخته
است روشنگر راه آینده و آیندگان است.
نامش جاودان و رزمنش پایدار



مجاهدان خلق کاظم ذوالانوار، مصطفی جوان خوشدل

شهر سقز در کنترل پیشمرگان کرد



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
لایحه کومسین

نشریه ریگای کهل را
میتوانید از طریق جهان تهیه نمایید

جاده بوکان - میاندوآب در کنترل پیشمرگان فدائی

بنقل از ریگای کهل شماره ۲

در ساعت ۳/۵ روز ۶۱/۱۰/۷۷ چند دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، قسمتی از جاده بوکان - میاندوآب را به کنترل خود درآوردند و به کمیته مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نوشتند: اما دشمن زبون که از حضور پیشمرگان همیشه نهرمان فدائی اطلاع یافته بود به سوراخهای خود هجوم برد و جرات هیچگونه عکس العملی را نداشت. پیشمرگان اتوموبلهایی را که در جاده عبور و مرور میکردند مورد بازرسی قرار داده و برای مسافران جنایات رژیم را هرجه بهشت افشا کردند و به بخش نظریات سازمان پرداختند. استقبال گرم مردم همراه با پرداخت کمکهای مالی به پیشمرگان، پیوند ناگسستنی و همیشگی آنها را با فرزندان دلاورشان به وضوح آشکار میکرد. رفقا پس از دو ساعت کنترل جاده و ایجاد هراس در روحیه مزدوران، در میان استقبال گرم روستاییان زحمتکش منطقه به پایگاههای خود بازگشتند.



دمکرات به شهر سقز حمله کرده و تعداد زیادی از مزدوران رژیم را به هلاکت رساندند. بنا بر آخرین اطلاعات موجود، ۲ تا ۳ تن از پیشمرگان در این عملیات شهید شدند.

هم اکنون جنگ شدیدی بین نیروهای مقاومت خلق کرد و مزدوران رژیم در حوالی پیرانشهر و نقده ادامه دارد. ضمناً همین گزارش حاکی است که کنترل شهر سقز به دست پیشمرگان افتاده است. حملات اخیر رژیم نتیجه ماهها تدارکی بود که مزدوران برای به اصطلاح پایان دادن به جنبش مقاومت خلق کرد بعمل آورده بودند. پس از پایان عمل زمستان رژیم درمانده جمهوری اسلامی منطقههای شومی را علیه جنبش کردستان طرح ریزی کرده بود و بدین منظور ماهها به انجام تدارکات نظامی در منطقه پرداخت. اما رژیم که بودای شکست جنبش مقاومت کردستان را در سر میپروراند، با سعی مناسب و دندان شکن از پیشمرگان قهرمان خلق کرد دریافت نمود، ولی طمع رژیم آن، باز نوار شمشیر کشنده و چندی آور پیروزی و "پاک سازی" فلان روستا و بهمان جاده را از طریق بوق های تبلیغاتی خود دماند و تیترهای درشت ورق پاره های خود ساعت کاری که ۲ سال متضادی است تکرار میکند. بارها رژیم "شکست" جنبش خلق کرد را در چرایه و رانبو و تلویزیون چن گرفته است. از روز شگین و شوم ۲۸ مرداد ۵۸ که همینست جلاد حکم "جهاد" علیه مردم کردستان را صادر نمود تا بزم خود ظرف ۲۲ ساعت حکومت سر نیزه و اختیاری را با نام اسلام و خدا در کردستان حاکم گردانند. نه ۲۲ ساعت که ۴ سال میگذرد و بارها پیروزه ارتجاع جمهوری اسلامی در منطقه بگشاک مالیده شده است. مزدوران با فرمان امام جلالشان برای پیاده کردن "حکومت الله" در کردستان تا بحال مردم چندین روستا را از کودک و پیرو مرد وزن بطور دسته جمعی قتل عام کرده است تا شاید کردستان را به تسلیم وا دارد. اما پاسخ خلق کرد هر بار اشکاف بیشتر در مقابل این تجاوزات و استواری بر روی خواسته های بحق خود بوده است. این بار نیز رژیم جز شک، طرفی نخواهد بست.

پیش از دو ماه است که رژیم جمهوری اسلامی با متمرکز کردن تمام ارگان های سرکوب خود یورش های وحشیانه خود را به جنبش مقاومت خلق کرد تشدید نموده است. اما قتل عام ها و کشتار مردم روستاها، هیچکدام نتوانسته است اراده آهنین خلق کرد را در دفاع از حقوق ملی خود تضعیف کند. در این مدت پیشمرگه ها قهرمانانه در مقابل هجوم ارتش ضد خلقی و پاسداران سرمایه مقاومت کرده و تلفات سنگینی به نیروهای رژیم وارد ساخته اند.



بنا بر آخرین خبر رسیده از کردستان، طی چند هفته گذشته در جاده سردشت - سقز، پیشمرگه های کرد نیروهای رژیم را در روستای "آمد" متوقف ساخته و غریبات مملکتی به آنها وارد آوردند. در این درگیری ها یک پیشمرگه به شهادت رسید. در شمال کردستان پیشمرگان به مقاومت قهرمانانه خود در مقابل تهاجم رژیم همچنان ادامه میدهند. در این ناحیه تعداد زیادی از ارضی ها و پاسداران هلاک شده و جسد هفت تن از آنان بدست پیشمرگه ها افتاد. فرمانده فراگرا رژیم نیز در درگیری های این منطقه کشته شده است. در اطراف سردشت به خاطر مقاومت دلیرانه پیشمرگان، ارتش و پاسداران تلفات سنگینی را متحمل شدند. در درگیری های این منطقه دو تن از پیشمرگان به شهادت رسیدند. همچنین در همین روزها، پیشمرگان حزب

عکس العمل رژیم در مقابل قطعه نامه سازمان ملل

چهارشنبه ۹ مارس کمیسیون حقوق بشر در ژنو قطعه نامه ای در رابطه با حقوق بشر در ایران صادر نمود و از جمهوری اسلامی خواست که به مصوبات این کمیسیون عمل نماید. در قطعه نامه مذکور نسبت به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی اظهار نگرانی شده است. در این رابطه، ملاحظاتی نماینده جمهوری اسلامی در این کمیسیون، این قطع نامه را مغرب از زیبایی نموده و مخالفت جمهوری اسلامی با آن را اعلام نمود.

اعتراضی معادل بین المللی در مورد اعدام ۷۰ رزمنده

سازمان ملل بین المللی در نامه ای خطاب به دولت جمهوری اسلامی که آنرا فلنا نیز انتشار داده است، به جنایات رژیم و جو سرکوب و غفلان در ایران اعتراض نموده و اعدام بیش از ۷۰ تن از عناصر مبارز را در ۱۷ فوریه سال جاری محکوم کرد. در این نامه ذکر شده است که دادگاههای انقلاب اسلامی هر هفته تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را به اعدام محکوم میکنند. نامه اعتراضی و افشاگرانه مذکور در نیمه اول ماه مارس از بخش انگلیسی زبان رادیو کوبا نیز پخش گردید.

سرکوب زنان گسترش میابد

لاجوردی، دادستان تهران، معروف به قصاب زندانها، در رابطه با ۸ مارس، روز جهانی زن اعلام کرد: زنان میبایست حجاب اسلامی را در معابر عمومی رعایت و اجرا نمایند. پاسداران و سایر نیروهای نظامی نیز موظفند هرگونه تخلف را در این مورد شدیداً سرکوب کنند.

فرمان ۸ ماده ای خمینی در عمل

حجت الاسلام نوری وزیر کشور جمهوری اسلامی در مصاحبه ای با مطبوعات و رادیو تلویزیون گفت: "بی حیای خانمها، فروش نوارهای موسیقی، برگزاری عروسی ها در تالارها با استفاده از آلات موسیقی و مطلوب بودن زن و مرد در این سالن ها و وسایل استفاده در بهمت های انکی، موارد خلافی است که مردم بعد از بهام ۸ ماده ای امام امت مرتکب شده اند." در این رابطه، نوری خطاب به ماورین دادگستری گفت: "در این



خون گرفتن از زندانیان رسمیت یافت

چندی قبل نیروهای سیاسی اسناد جنایت

جمهوری اسلامی مبتنی بر کشتن خون زندانیان سیاسی قبل از اجرای حکم اعدام را انتشار دادند. به دنبال این حرکت، روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ اسفند سال ۶۱ می نویسد: "به دعوت بخش سیاسی ایدئولوژیک زندان عادل آباد، یکی از واحدهای سازمان انتفال خون شیراز در محل زندان حاضر شد و از ۲۰۰ تن از توانمندان این زندان خون گرفت." روزنامه اطلاعات اضافه میکند که این عده از گروه نخستین بوده اند و برنامه گرفتن خون زندانیان بندهای مختلف زندان عادل آباد به مدت یک هفته ادامه خواهد داشت. اطلاعات اضافه نمود که عواید مزبور به جیبه های جنگ ایران و عراق فرستاده میشود.

اسرار نظامی

هاشمی رفسنجانی که تا بحال چندین بار اعلام کرده است که "با این حمله جنگ دیگر پایان می پذیرد"، اخیراً در تمار جمعه در این رابطه گفت: "نحوه عملکردها در جنگ از اسرار نظامی است و بهان کردنی نیست ولی میتوانم بگویم که این مسئله ممکن است طولانی باشد و ما باید در میدان جنگ آنقدر صبر کنیم تا به نتیجه املی برسیم."

مورد با متجاهرین به فقر بر خورد قانونی و قاطع کنید چرا که این امر یک تکلیف شرمی و قانونی است. والا خودتان محاکمه خواهید شد.

ایامه جنگ به نفع رژیم است

روز جمعه ۱۱ مارس بدستال اتمام کنفرانس کشورهای غیرمتحد در تپلی نو - هندوستان، موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی و سرپرست هیئت اعزامی به این کنفرانس در مصاحبه ای اعلام داشت: "کشورهای اعلام کردند که خواستار پایان جنگ بین ایران و عراق از طریق صلح هستند. ولی جمهوری اسلامی با این خواسته با قاطعیت مخالفت نمود، زیرا تصمیمات ما بنا بر قطعه نامه های بین المللی نیست، بلکه در رابطه با منافع جمهوری اسلامی است و هدف ما از شرکت در این کنفرانس آن بود که با رپیچه توافق های سیاسی نشویم و مصالح انقلاب اسلامی تبلیغ و جلو رود. ما از کشورهای خواستیم با از جنگ صمت نکنند با اگر خواستار صلح شدند باید خواسته های ما که همان شروط قبلی است را مطرح نمایند"

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز اعلام داشت: "ما تا آنجا جنگ را ادامه میدهم که اتفاق حقوق کنیم و اگر سازمان های بین المللی خواستار پایان جنگ باشند و خواسته های جمهوری اسلامی را در نظر بگیرند، ما به شدت با آن مخالفت خواهیم کرد."

۶ فروندگشتی غرق شد

شش کشتی ایران در ماه مارس در آبهای خلیج فارس بر اثر حمله عراق غرق گشتند. ۶ فروند کشتی مذکور بصورت یک کاروان به سوی شمال خلیج فارس و طرف بندر شاهپور سابق در حرکت بودند.

هزاران بشکه نفت

همچنان میسوزد

بدینال حملات هوایی عراق به تاسیسات شناور نفتی نوروز ایران و تصادف یک کشتی بازرگانی به این تاسیسات در اوایل مارس ۸۲ روزانه به میزان ۷ هزار بشکه نفت از تاسیسات مزبور در آبهای خلیج روان گشته است و هم اکنون دواکله مدنه دیده تاسیسات نوروز در آتش میسوزد و بیش از ۷۵۰۰ مایل مربع از آبهای خلیج فارس به نفت آلوده گشته است. در این رابطه سازمان حفاظت دریایی شامل نمایندگان ۸ کشانی نفتی در جلسه ای در کویت خواهان اعلام آتش پس در منطقه تاسیسات نفتی نوروز ارجانب جمهوری اسلامی و عراق میباشند تا اقدام به جلوگیری از خروج نفت و پاکسازی آبهای خلیج فارس نمایند. در این باره دولت عراق حاضر به اعلام آتش پس شده بشرط آنکه جمهوری اسلامی از هرگونه حرکت سونالجهی نظامی در منطقه مزبور در حین آتش برسی خودداری نماید. تا آخرین اخبار واصله جمهوری اسلامی خواهان آتش برسی بوده و ولی هیچگونه اقدامی در این مورد ننموده است علی شمس اردکانی مدیر رژیم در کویت اعلام داشته است که عراق باید هزینه خسارات فوق را به جمهوری اسلامی بپردازد.

تاسیسات نفتی نوروز در ۶ مایلی جزیره خارک، یعنی علیترین اسکله صادراتی نفت ایران قرار دارد. اسکله ای که عراق همواره تلاش دارد با بمباران آن، درآمد نفتی ایران را قطع نماید.

ایران

در سال ۱۹۸۲، ایران معادل ۳۵۲ میلیون دلار نفت به آمریکا صادر نموده و در ازای آن اجناس مختلف متجمله گندم وارد نموده است. معالمت مذکور جهت پوشش همکاری جمهوری اسلامی با آمریکا توسط واسطه انجام گرفته است.

اقتصاد اسلامی

در هفته دوم ماه مارس هیئتی از طرف جمهوری اسلامی برای انعقاد قرارداد های جدید اقتصادی روانه ژاپن گردید.

مجمع پشروشمی ایران و ژاپن بعد از بازپرداخت قروض ایران به ژاپن از ماه مارس دوباره شروع بکار نمود. این قروض شامل ۵/۵ میلیون دلار است که در چهار شصت درصد برداشت به ژاپن می باشد. در همین حال جهت تکمیل این مجمع بیش از ۴/۴ میلیون دلار ماشین آلات و قطعات یدکی از ژاپن به محل مجمع حمل گردیده است.



موقعیت جغرافیایی تاسیسات نوروز در خلیج فارس

حزب فقط حزب الله

موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۲۴ اسفند ۶۱ در یک محافیه مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی اعلام داشت که گروهی بنام حزب الله مردم را شکنجه و سربه نیست و با ترور کرده اند او در محافیه اش ادامه داد که به دنبال دستورات ۸ ماده ای آیت الله خمینی، هیئت هایی به ۱۱ استان کشور مفرود کرده اند و بنابر شکایتهای دریافت شده گروهی بنام حزب الله مردم را به اسارت گرفته، شکنجه داده و سربه نیست کرده اند. همچنین این گروهها بعنوان اقدام انقلابی معده ای را ترور کرده اند. او ادامه داد که گروهی از پاسداران نیز به اقدامات فراقانونی مثل ترغیب غیرمجاز کالا از گمرکات دست زده اند و این رقم شکایات هم در حد خودش کم نیست.

موسوی اردبیلی مانند سایر سران رژیم تا بحال هزاران بار به است حزب الله افتخار کرده و در تظاهرات جمعی و سایر سخنرانیها امر پیشبرد انقلاب اسلامی را که همان ترور، سرکوب و فساد است به گروههای حزب الله ارجاع و از آنان سپاسگزاری نموده اند.

بازی دیپلماتیک رژیم

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی ظاهراً در اعتراض به دولت فرانسه مدیر این کشور را تبعید گرفته، در ماه فوریه سال جاری جمهوری اسلامی ۴۰۰ دستگاه حفاری هیدرولیک به ارزش ۲۹/۴ میلیون دلار از فرانسه خریداری نمود. سرگزازی فرانسه در این مورد اعلام داشت که دستگاههای حفاری مزبور در مناطقی جنگی در خدمت ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی است. نکته قابل توجه این است که مقامات مختلف رژیم و بخصوص موسوی نسبت وزیر جمهوری اسلامی، همواره در سخنرانیهاشان جهت دامن زدن به توهم شونده ها با اعلام میکنند که با شکست عراق در جنگ، منافع فرانسه در منطقه نیز از بین خواهد رفت.

انفال الله

خمینی خطاب به سرمایه داران گفت: کسانی که دارای ملک و ثروت زیاد هستند، داوطلبانه این مسئله را حل کنند.

ما رکیسم حلال مشکلات

هاشمی رفسنجانی در تمار جمعی گفت: اسلام نفوخته است که در کشورها حل می آید در کنار دغفرانیه باشد، و جوانان ما برای رفع این عیب وقتی که می بینند بنده و امثال بنده این حرف را نمی زنیم وقتی که می بینند فقهای ما حاضر نمی شوند با این مراحت مسائل را مطرح نکنند دستشان را دراز میکنند از مارک و لنین حل این مسئله را میخواهند. (اطلاعات ۱۷ اسفند ۶۱).

زکات برای وزرا و وکلا

خمینی در یک سخنرانی گفت: بعضی ها هستند، سخنشان هست زکات بگیرند، یک آدم آبرومندی است، وقتی خوب بود، وزیر بود، وکیل بود، چیزی بود، حالا بدلیلی دیگر نیست، این را دیگر نمیشود در جامعه دید اینها اگر نمیخواهند زکات بگیرند، بنام هدیه شما بدهید، اسمش را زکات نگذارید. (اطلاعات ۱۷ اسفند ۶۱).

شهادت آنا ماریا



در ۶ آوریل ۱۹۸۲، رفیق ملیدا مونتسز معروف به "آنا ماریا" فرمانده دوم سازمان آزادیبخش خلق السالوادور (FPL) یکی از چهار سازمان تشکیل دهنده جبهه فارابوندو مارتینی در محل اقامتش در ۹ مایلی ماناگوا، به پایتخت نیکاراگوئه بدست چندعاشق به شهادت رسید. این جنایت کثیف که فقط درست مزدوران امپریالیسم و جانانی چون CIA برعکس بدفتره ناسا گواری برجنش انقلابی السالوادور و خسر تا "سفیدپار" و باور نکردنی برای تمام نیروهای مردمی جهان بود. هنوز اطلاعات دقیقی از چگونگی شهادت آنا ماریا در دست نیست و تحقیقات دولت نیکاراگوئه و نیروهای انقلابی السالوادور در این زمینه ادامه دارد.

رفیق آنا ماریا که بهنگام شهادتش ۵۴ سال داشت یکی از رهبران برجسته انقلاب السالوادور بود. او بعنوان یک معلم نقش مهمی در سازماندهی اعتصابات و پایه گذاری انجمن مترقی معلمان داشت. و بعدها نیز بصورت یک چریک حرفه ای در عرصه مقدم جبهه قرار گرفت و نقش کلیدی در ایجاد جبهه واحد بین گروه ها و سازمان های مختلف سیاسی جنبش السالوادور بازی کرد.

انقلاب در السالوادور به پیش میرود و هر وجه از خاک این کشور که از چنگال امپریالیسم و مزدوران سوسیال آزاد میشود ناقوس مرگ امپراطوران سرمایه در آمریکای شمالی را بعدا درمی آورد. آنا ماریا در صحت هموار کردن این راه جانفشانی میکرد. رفیق آنا ماریا با نفس برجسته و انقلابی بود. با عنوان، پشتکار و فداکاری بی سابقه اش جزو معدود زنانی است که به سمت فرماندهی دوم یک ارتش آزاد پیوسته

جنایت رشت و غد انقلابی که همانند جنایات (CIA) علیه رهبران انقلابی در سرنامر جهان می باشد دست زدند.

با در نظر گرفتن این واقعات ما بیانیه زیر را منتشر می سازیم:
(۱) وظیفه انقلابی ما به عنوان رهبران مبارزات بر حق مردم السالوادور حکم میکند که جهانیان را از تمام حقایق مطلع سازیم.



سالوادور کارپیو (نفر وسط) در مراسم تشییع جنازه رفیق آنا ماریا (به روز قبل از مرگ خودش) همراه توماس مورگه وزیر کشور و آنتیل اورتگا هماهنگ کننده دولت نیکاراگوئه.

(۲) با اطمینان به نیرویمان... نتایج حاصله از تحقیقات در مورد شهادت رفیق آنا ماریا را تقبل میکنیم.

(۳) ما اعلام میداریم که با وجود ناراحتی بسیاری که احساس میکنیم هیچ کس و هیچ چیز قادر نخواهد بود که از رشد انقلاب ما جلوگیری نماید. آنهاهی که تصور میکنند که چنین عباتی ما را ناتوان میازد سخت در اشتباه هستند، زیرا درست برعکس آن صحت دارد. شجاعت انقلابی ما رشد کرده و وحدت ما فزونی یافته است.

(۴) بالاخره، بار دیگر اعلام میکنیم که ما متعهد به گذرش مبارزه در تمام زمینه ها هستیم و هیچیک از مانورهای امپریالیسم در مقابل اراده (FDR-FPLN) برای پیروزی کشورمان و ارج نهادن به راه شهدا و قهرمانان، موفق نخواهد گشت.

مرکز فرماندهی متحده انقلابی FPLN
کمیته اجرایی FDR السالوادور
۲۵ آوریل ۱۹۸۲ السالوادور

ناخل آمد. او نه تنها افتخار جنبش فد امپریالیستی جهان که الهام بخش تمام زنان مبارز و مشرقی در سراسر جهان میباشد.

ظاهره سرخس گرامی باد
بدنبال شهادت دو تن از رهبران جنبش السالوادور، رفقا آنا ماریا و کارپیو، مرکز فرماندهی متحده انقلابی (FPLN) و کمیته اجرایی (FDR) اعلامیه ای

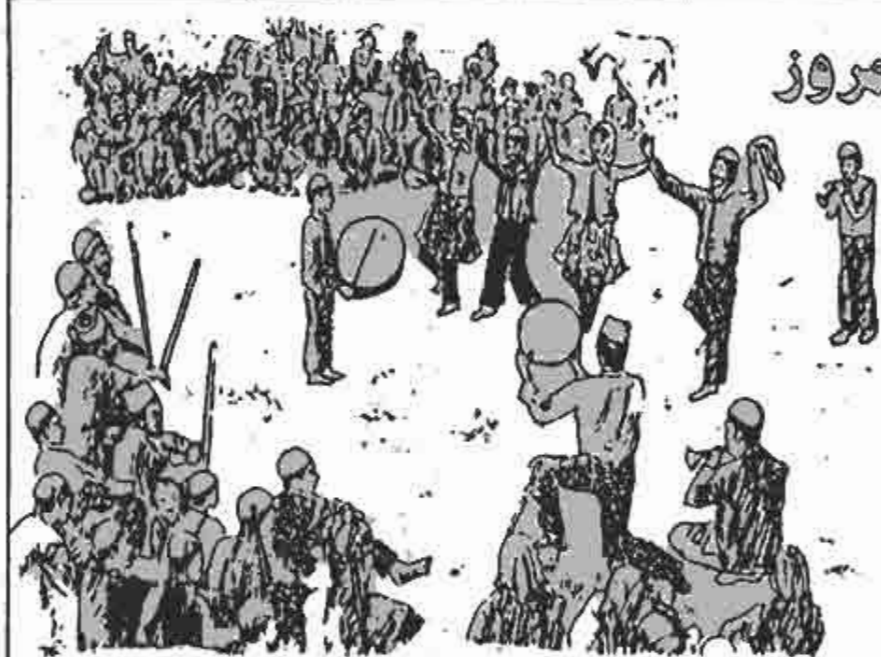
منتشر کرده که ما به درج ترجمه آن میادرت می نمایم.

"خطاب به مردم السالوادور، سازمان های انقلابی و دمکراتیک کشورمان و خلق های برادر جهان:

مرکز فرماندهی متحده انقلابی (FPLN) و کمیته اجرایی (FDR) - مرگ رفیق سالوادور کارپیو (Carpio) فرمانده اول (FPL) فارابوندو مارتینی و عضو هیئت فرماندهی (FPLN) را اعلام میدارد. رفیق کارپیو در تاریخ ۱۲ آوریل طی اطلاع از جزئیات ترور رفیق ملیدا آناپو مونتسز (رفیق آنا ماریا) که به دست افراد عضو سازمان وی انجام گرفته بود به زندگی خود خاتمه داد.

بر طبق تحقیقاتی که توسط نیروهای امنیتی نیکاراگوئه صورت گرفت، همانند کار پیرو به "مارسلو" (Marcelo) همراه با رفقای سابق: افرن (Efrén)، فرانسیسکو (Francisco)، جاسینتو (Jacinto)، لولا (Lola) و روبرتو (Roberto) به این

نوروز، از آغاز تا به امروز



بار آمدن چون مید نو
تا قبل زندان بشکرم
وین چرخ مردمخوار را
چنگال و زندان بشکرم
هفت اختر سی آب را
کاین خاکبان را میخورند
هم آب بر آتش زدم
هم بادهاشان بشکرم
"مولوی"

ایرانیان باستان همچون دیگر اقوام به اقتضای زیستگاه اجتماعی و درجه تکامل نظام معیشتی و فکری خود، ناگزیر از تبیین چندی و چونی پدیده‌های طبیعی بودند. تمام با فعالیت عقلی خود برای تغییر محیط تلاش می‌نمودند طبیعت‌شناسی را که تحت سیطره خود درآوردند و با آنکه آنرا با خود همراه کنند تا از قهر و شر آن بگریزند. آنان هر پدیده طبیعی را در راستای زندگی واقعی در قلمرو تعلیل ترسیم میکردند. از طبیعت‌شناسی می‌نمودند و هر نمودی را مانند خود می‌انگاشتند.

استیلا بر اهریمن و نیروهای باطل و بلشت طبیعی و اجتماعی مبرهن هنگامی و همبازی انسان در مقام عداوت و پیکار نیروهای نیک سرشت بود. چون پیروزی نیروهای نیک نهاد پیروزی انسان بود. ایرانیان نیز بدون یاری انسان از پای در نمی‌آمدند. نوروز نیز چونان دیگر سن کهن اجتماعی که بین فنیقی‌ها و یونانی‌ها مقدس بوده است، زائیده تبارهای اجتماعی ایرانیان باستان بوده است. قدمت آن را شاید بتوان بدوران پیش از ایزد پرستی منتسب کرد. در اصل آن را نوک روز می‌گفتند. این جشن در آغاز سال و بلافاصله بعد از عید "فروردگان" می‌آمد. این جشن ده روز بطول می‌انجامید و ظاهراً روزهای سوگ و ماتم بوده است. ایرانیان پیروسی در کتاب آثار الباقیه به این جشن اشاره دارد: در آخر ماه دوازدهم "شوم" اهل سغد برای اموات قدیم خود گریه و سوچه سراقی کنند و چهره‌های خود را بخرابند و برای مردگان خورده‌ها و آشامیدنی‌ها گذارند. ایرانیان باستان بر این باور بودند که در این اشیاء فروهرها که تقصم فلک و

هماهنگ میگردد. اساطیر که خود تلاش ابتدائی انسان برای تبیین هستی و زراف خانه آرمان‌ها و حرمان‌های اوست. نوروز را از آن جم شید (طپناک) میدانند. همان گونه که از اسم او مستفاد میگردد، احتمالاً همان ایزد خورشید اقوام خود ایرانی و بعقب‌تری از خورشید اولین پادشاه قوم ایرانی بوده است.

فریوسی، حماسه برای بزرگ ایران نوروز را منتسب به جمشید میکند: جهان انجمن شد بر تخت‌آوی از آن برنده نرهی بخت‌آوی به جمشید بر گوهرا افشاندند مر آن روز را روزخواندند برخی از اساطیر نوروز را جشن آفرینش نخستین انسان، یعنی کیومرث، میدانند. فردوسی در تعریف و انتساب نوروز به کیومرث چنین می‌سراید: چو آمد به برج حمل آفتاب جهان گشت بر سر آتشین و تاب

کیومرث شد بر جهان کدغای نخستین کوه اندرون باخت‌جای زند اوستا اشاره‌ای که به فروردین‌ماه دارد از این قرار است: این ماه فروردین روز خرداء است که نام نریمان ازدهاک را بگشت، روزیست که ایزد اهورامزدا رستاخیز خواهد کرد و همین روز است که جهان از ناتوانی در برابر دیوان، دروغ و ظالمان و کسان رهاقی

زوال جهان تلقی میشدند، به زمین فرود می‌آیند و از خانواده درگذشتگان می‌بندند. فروهرها در واقع دلالت بر حاطه‌های یعنی آب حاصل خیز کننده بوده‌اند. فروهرها در کتاب اوستا اینگونه ترسیم شده‌اند:

آنگاه فروهرهای توانا یعنی پیر می‌نهند و چندین چندین صدا، چندین چندین هزارها چندین چندین ده هزارها هر یک برای خانواده خود یا ناحیه خود و مملکت خود آب تحمیل کنند... ست‌گرا می‌داشت فروهرها و انگیزه‌ها در آن در زمان باستان به صورت چندی درآمد که به آب ریزان مشهور شده است. در روز اول فروردین با هر فرد روز مردم به کنار شهرها و قنات‌ها میرفتند و شستشو میکردند و به یکدیگر آب می‌پاشیدند. مراسم آب ریزان در واقع تلاش ایرانیان برای جلب رأفت طبیعت و راندن نیروهای سیه کار که قطعی و خشکالی بیمار می‌آورند، بوده است.

قاید رسم خانه شکانی که هنوز بهنگام نوروز معمول است، مربوط به آیین بزرگ داشت فروهرها باشد. ظاهراً جشن نوروز که پس از این مراسم می‌آمده روز اول سال و ایام شادی بوده است و این زمانی است که طبیعت زایشی نو را پس از رخوت زمستان آغاز میکند. خورشید فروزان میشود و برضو افشانی آن طبیعت بی جان را طراوت مضاعف، شکوفه‌ها تارک طبیعت را می‌آرایند و باووری بیمار می‌آورند و دیگر بار انسان با طبیعت

می‌باید و سرورش قهسی دیو را به ناتوانی مبعلا میکند. خداوند امور را می‌داند اهریمن را می‌برد و او را ناتوان می‌سازد به طوری که از آن پس به بعد روح او روی زمین حکومت نکند.

هم چنین :

خرداء روز سرور در سالها باها و روزهاست هستی را پیش و پرورش همه استواریان (موجودات سانی) جهان از آب است زمین را نیز آیدانی از اوست اگر آن روزی را بامه‌ئی تیکو دهد و بوی خوش بویند و مراد تیکو کنند و برنیشی از جای زمین و مردم به دور بویند و آبها را می‌کنند و سداشگاه روز را انجام دهند آن سال تیکوئی به ایشان پیش رفته و بدی را از ایشان دور سازند او که آب روانش برفت با بهار آید آن ماه آسوده با آورده بود مهر داد بهار در کتاب اساطیر ایران نوشته است که ظاهراً در اساطیر ایرانی و هندی غورشد مهر و چشید چینه‌های گوناگون یک خداوند که سن غذای غورشد بودن غذای نباتی و حیوانی هم هستند.

انگیزه و هدفشانی از برگزاری مراسم نوروز، تلاش اخلاقی ایرانیان باستان برای دستیابی به خواسته‌ها و آرزوهای خود بوده است. تلاش برای به سرپر آوردن طبیعت و بیان دیگر نیایش برای بارش باران و تابش آفتاب بوده است. جشن نوروز پس از فتح آیینان توسط تاریخان همچنان پایدار ماند. برخی از رسوم و آداب آن چون آتش‌ریزان و می‌نوروزی منسوخ شد. ایرانیان حتی برای مناسبت از رسوم کهن خود متوسل به نقل روایتی می‌شدند که ظاهراً پیاسیر اسلام در وصف نوروز گفته بود. غلغای مرب در قرون اولیه حاکمیت فئودالی خود در ایران صرفاً به منظور دریاغت باج و خراج که مومد پرداخت آن در نوروز یا مهرگان بود. مخالفی با برگزاری نوروز نمی‌کردند. رسم هدیه دادن که از زمان ساسانیان باقی مانده بود و یکی از منابع تاریخ پادشاهان بود دوباره متداول شد و زندگی را برای کثرت محروم جامعه سخت‌تر کرد. غلغای اموی که نمایندگان اشرافیت زمان بودند سنت ارمغان دادن را بر مردم تحمیل کردند. جرجی زیدان در تاریخ اسلام به خراج سنگینی اشاره دارد: در زمان معاویه حداکداً به پنج تا ده میلیون درهم بالغ می‌شد.

همچنین ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه به وضعیت هولناک دهقانان اشاره می‌کند: چون با رعیان از کبیله دست بردارند ماه‌هاشان بیشتر شد و نوروز پیش از رسیدن فله برآمد و خراج پیش از فله گشاده شد و دهقانان به رنج افتادند.



ایرانیان در هر شورش و نهضتی که در مخالفت با امویان ایجاد شد، فعالانه کوشیدند نهضت شومبیان که خود آبتن نهضت‌های عمدتاً دهقانی و دهقانان و قریطیان و دیگر قبا‌های ملی قرون دوم و سوم هجری شد، پژواک طغیان ایرانیان بر علیه بهره‌کشی فئودالی و برتری تازیان بود. گرچه نهضت بزرگ توسط انوشیروان به خون کشیده شد و عده کثیری از پیروان او قتل‌عام شدند، اما اندیشه اشتراکی سرگاو در شورش‌های دهقانی، در ادبیات و فلسفه و آزادگانی چون بابک خرمدین و ابن مقفع احیا شد.

در اواخر قرن دوم هجری انقلاب سیاسی مترگی منجر به براندازی امویان گردید. با روی کار آمدن خلافت عباسی و نفوذ برمکیان و دیگر وزیران ایرانی جشن‌های ایرانی دوباره رونق یافت و فرهنگ ایرانی شکوفا شد. حکومت عباسیان حرمان بهار آورد و به آرمان مردم عیان‌ت‌کرد و هیچ چیز جز خراج و مالیات‌های سنگین بر نصیب توده‌های محروم نماند.

جنبش عروقیه و دیگر نهضت‌های اجتماعی که عمدتاً ریشه دهقانی و رنگ مذهبی داشتند طی قرون متوالی بر علیه بهره‌کشی فئودالی به تدریج برعاشند و زمین‌لرزه‌های مذهبی در دوران خود ایجاد نمودند ولی به علت پراکندگی، خودانگیختگی، عدم آگاهی و شکل طبقاتی، هیچ یک از این شورش‌های دهقانی نتوانستند پیروزی نهایی و یا پایداری به کف آورند. انقلاب مشروطیت را میتوان سرآغاز تحولی ژرف در این بویش

تاریخی به حساب آورد. در فرایند این انقلاب بود که مردم ششمینده ایران بر استبداد فئودالی استبداد می‌پایند. اما انقلاب مشروطیت نیز با تمامی عظمتش نتوانست نتایج مطلوب را به بار آورد.

از اوایل مشروطیت به بعد نوروز بهمان شیوه‌ای که اکنون متداول است، برگزار می‌شود با این تفاوت که سنت نامیمون "حاجی‌میروز" بعد از تکوین و انکشاف مناسبات سرمایه داری و بحران منبث از آن، بدان افروخته شده است. "حاجی‌میروز" که ظاهراً خود را میسر روز نوروزی قلنداد می‌کند در کوچه و برزن‌ها ظاهر می‌شود. او برمود که جسم میثی و پیران فلاکت و محرومیت جامعه سرمایه داریست اسم "حاجی" می‌دهد و با طفت "میروز" سرنوشت اسفناک خود را می‌آراید. او که خریداری برای نیروی کار خود نمی‌باشد و هیچگونه چشم‌اندازی در فراروی خود نمی‌بیند بی هویتی اجتماعی خود را فریاد می‌کند. از مناسبات استثمارگرانه، یعنی از "ارباب خود" در "اشعارش" سخن می‌گوید. "حاجی‌میروز" در بی هویتی خود تناقضات جامعه سرمایه داری را نمایان می‌سازد. طور او از هیچ چیز جز فقر و فلاکت و بی‌کاری جامعه سرمایه داری حکایت نمی‌کند.

در نخستین بهار پیروزی انقلاب بهمن، هنگام با شنبه اوچگیری بحران سرمایه داری و تورم و بی‌کاری، چهار راه‌های تهران مشغول از این چهار سره‌های تکیه‌دار شدند بود که کوس‌روانی دو رژیم پهلوی و بخشی را بر سر هر گوی و برزن بعد از آوردند. اگر رژیم پهلوی که آنخلشان غم خلق چون پرکاهی از میان رفت برآورد نوروز را به بارگاه خون‌آلود خود منتصب سازد و فرهنگ بالنده را دچار خواب‌انگیزی سرمایه داری کند، امروز جمهوری اسلامی که به‌راستی می‌باید از آن بعنوان جمهوری چوبه‌های دار یاد کرد، که ارزش‌های تاریک اندیشه‌ها خود را از اضمای تاریک خانه قرون وسطی بیرون می‌کشد، با فرهنگ خیزی خود کمر به انهدام نه تنها فرهنگ فنی و پویا، بلکه تمامی مظاهر مدنیت بسته است.

اما ملت‌پرستم تمام فراز و فرودها، نوروز که مظهر زاینده‌گی و پویندگی انسان و طبیعت و میانگر آرمان‌های صطلق ناپاخته مردم محروم ایران است، همواره در برابر ناامیاتی‌ها پایدار مانده است و هیچگاه جوهر واقعی خود را از کف نداده است.



ایران - ۱۳۶۱

- تضادهای داخلی رژیم

- جنگ

- اقتصاد اسلامی

- سرکوب زنان

- جنبش خارج از کشور

XXXXXXX
 ملی قراردادی رژیم جمهوری اسلامی -
 موافقت کرد که ۴ میلیون تن نفت خام به
 ترکیه صادر کرده و در قبال آن گندم و گوشت
 ۲۰۰ هزار تن شکر و لوله های گاز از ترکیه
 تحویل گیرد.

XXXXXXX
 ملی قراردادی به مبلغ ۱۴۰ میلیون دلار
 که بین جمهوری اسلامی و اروگوئه متفق
 شده جمهوری اسلامی متعهد شد در قبال فروش
 نفت ارزان به اروگوئه از آن کشور سالانه
 ۸۰ میلیون دلار برنج و گوشت و دیگر محصولات
 غذایی خریداری نماید.

XXXXXXX
 اعلام شد که هندوستان سالانه ۵ هزار
 دستگاه جیب در ایران مونتاژ خواهد کرد.

XXXXXXX
 ملی قراردادی سوریه متعهد گردید در
 قبال دریافت نفت از ایران طرف ده سال
 آینده ۲۰۰ الی ۴۰۰ هزار تن نفت صادر
 نیاز ایران را برآورده سازد.

XXXXXXX
 خمینی از فرماندهان ارتش خواست که
 مخالفان خود و آشنائی را که از فرامین
 اطاعت نمیکنند از ارتش اخراج نمایند.
 صادق قطب زاده، وزیر اسبق امور خارجه
 جمهوری اسلامی و از نزدیکان خمینی به -
 اتهام کودتا و قصد قتل خمینی دستگیر و
 بازداشت شد.

XXXXXXX
 دایره ایمنشولوزیک ارتش اعلام کرد که
 ۲ هزار نفر در داخل ارتش برای زیر نظر
 گرفتن افراد ارتش و جلوگیری از کودتا
 مخفیانه مشغول بکار هستند.

XXXXXXX
 قطب زاده ضمن تأیید اتهامات وارده بخود
 در تلویزیون های آیت الله شریعتمداری را -
 تهمید بیهان کشید.

XXXXXXX
 تظاهرات ضد شریعتمداری ترتیب داده
 شد و مقام مرجعیت او نفی شده با اتفاق
 خانواده ای تحت نظر قرار گرفت.

آنچه در زیر میآید مروری است کوتاه بر
 وقایع مهم سال گذشته ایران. در این وقایع
 نگاری سعی شده است اخبار مربوط به موفقیتهای
 اقتصادی - سیاسی رژیم، تحولات نیروی
 آن، سیاستها و برنامه های در زمینه های
 مختلف و نیز گفته های از مبارزات مردم
 بطور بسیار خلاصه جمع آوری شود.

فروردین

خمینی در پیام نوروزی خود گفت:
 «میدوارم امسال سال سازندگی باشد این
 مخالفین رحم کنند به حال جمهوری اسلامی»
 همه چیز بهتر از همه دوره ها بوده هر
 سال از سال قبل بهتر بوده و امسال هم
 ميسطور است.

خمینی در رابطه با اختلافات نیروی
 گفت: «تمام کسانی که دست بکار هستند دست
 بهم بدهند و با هم دوست باشند افرادى که
 در مجلس هستند با هم رفیق باشند»

به کتاب و جزوه بزبان انگلیسی به
نامهای جنایات رژیم خمینی (Komeini's
Crime)، استشهاده و گزارش فعالیتهای
جبهه میبستگی (ISF) برای اولین بار از
طرف جبهه میبستگی بمن الملی در دفاع از
حقوق تکرار تک مردم ایران در سطح جهانی
منتشر و پخش گردید.



آهنگر

با مزدوران جمهوری اسلامی همکاری نزدیک داشته اند. در جریان این حمله يك دختر آلمانی که شاهد عملیات وحمیانہ حزب الهی ها بوده جان خود را از دست داد.

خرداد

بودجه سپاه پاسداران افزایش یافت.

XXXXXXXXXXXX

میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، طی مصاحبه ای گفت: «ملت مستضعف ایران نیاز به داشتن غذاهای گوناگون در سفره هایمان را ندارند. ملت مستضعف میبایست زندگی پیشوایان صدر اسلام را مورد تقلید قرار داده و قناعت اسلامی را پیشه خود سازد. سرمایه داران باید موجودی خودشان را در جهت یکارنداختن کارخانه های تعطیل شده بکار گیرند و دولت نیز با تمامی وجود در آمندۀ نزدیک به آنان کمک های لازم را خواهد کرد».

XXXXXXXXXXXX

خاتمه ای رئیس جمهوری اسلامی خطاب به کارگران گفت: «مکاتب الحادی میگویند کارگران را بصورت طبقه ای جدا از امت اسلامی بشناسانند. کارگران نباید در امور مدیریت واحدهای صنعتی فعالیت کنند و در مقابل وظیفه دارند با افزایش تولید کشور را از غریب خارجی بی نیاز کنند. هنر فاین هر لحظه از ساعت کار، تجاوز به حقوق محرومان و بی حرمتی به خون شهیدان است».

XXXXXXXXXXXX

خاتمه ای در سمینار دو روزه استادان ارشد گفت: «ملت در شرایط بسیار بدی بسر میبرد و اگر اوضاع به همین منوال پیش برود بی شک با پستی فاحشه جمهوری اسلامی را خواند».

XXXXXXXXXXXX

طی قراردادی زاین نفت ایران را هر بشکه ۲۶ دلار خریداری نمود.

XXXXXXXXXXXX

در روز ۱۹ اردیبهشت، هرمشهر شاهد یکی از شدیدترین نبردهای ایران و عراق بود و هرمشهر که تا این تاریخ در دست نیروهای عراقی قرار داشت، محاصره نیروهای جمهوری اسلامی درآمد.

XXXXXXXXXXXX

منتظری از روحانیت عراقی خواست که با وحدت کلمه و پیروی از خط فاطم امام امت هرچه زودتر صدام را سرنگون ساخته و ولایت فقیه را مورد تقلید قرار دهند.

XXXXXXXXXXXX

موسوی تهریزی اعلام کرد که «مقامات اسلامی بی حیایی را بعضی از این تحمل نخواهد کرد» و از حزب الهی ها خواست که با عدت هرچه تمامتر با افرادی که این مسئله را رعایت نمیکند برخورد خود».

XXXXXXXXXXXX

معامله نفتی با آمریکا

جمهوری اسلامی ۱/۸ میلیون بشکه نفت را به قیمت هر بشکه ۲۹/۵۱ دلار به آمریکا فروخت. لوس آنجلس تایمز در تاریخ ۲ مه در این باره نوشت: «در این معامله آمریکا بهترین نوع نفت خام را ۴/۵ دلار کمتر از قیمت رسمی اوپک از رژیم جمهوری اسلامی خریداری کرده و بدین ترتیب ۸ میلیون دلار سود برده است».

XXXXXXXXXXXX

احمد توکللی وزیر کار و صنعتی دولت در مصاحبه ای اعلام کرد: «جمهوری اسلامی در نظر دارد روابط خود را با کشورهای مسلمان و مستضعف جهان از جمله ترکیه، پاکستان، عمان و غیره توسعه دهد. دشمن دولت ایران کمک خواهد کرد که خدا تقلاب در این کشورها ی مسلمان سرکوب گردد».

XXXXXXXXXXXX

جمهوری اسلامی در قبال پرداخت ۴۶ میلیون دلار از طریق بانکهای آلمان غربی به دلالان اسلحه که آمریکائی و سوئیسی بودند هیچ نوع اسلحه تحویل نگرفت.

در قرارداد دیگری برای خرید اسلحه رژیم مبلغ ۵۰ میلیون دلار به یک شرکت که اساساً وجود خارجی نداشت پرداخت و چیزی دریافت نکرد.



فدائی خلق ایران علاقه حرکت داشتند.

به دنبال اغفال لبنان توسط اسرائیلی و خروج فلسطینی ها از این کشوره احمد - توکلی در رابطه با پذیرش فلسطینی ها در ایران اعلام کرد که «ما با این عمل عدیمنا مخالفیم بلکه ما مصممیم از طریق کربلا قس را فتح کنیم».

حامه ای در دیار با روحانیون مشول ارعاد و راهنمایی راثران مکه گفت: «بایستی حجاج وظیفه تبلیغ به نفع جمهوری اسلامی در اتنای زیارت خانه خدا را از یاد نبرند».

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در محاسبه ای گفت: «بدون شك امسال سال برنامه ریزی، سازندگی، تأمین و رفاه و عظمت و تثبیت انقلاب اسلامی است».

وزیر نفت اعلام کرد: «جمهوری اسلامی از نفت بعنوان يك ابزار در جهت شکستن حکومت های آمریکائی در سراسر جهان استفاده خواهد کرد!!»

حرکت آمریکائی I.T.T. عامل اصلی کودتای عملی اعلام کرد که در جریان گروگان گیری آمریکائی ها در ایران، یکی از - بزرگترین قراردادهای خارجی خود را با دولت جمهوری اسلامی منعقد کرده است.

وزیر دفاع اسرائیل، آرئیل شارون در مصاحبه با خبرنگار NBC گفت که اسرائیل به جمهوری اسلامی در جنگ با عراق کمک نظامی کرده است. وی گفت ارسال اسلحه به ایران با اطلاع و موافقت آمریکا صورت گرفته است.

خمینی از سران کشورهای غیرمتحد که قرار بود کنفرانس آن در بغداد تشکیل شود خواست تا از حرکت در آن سربازد بعد هم ولایتی از دولت کوبا خواست تا محل کنفرانس را تغییر دهد.

صدام حسین روز ۳۳ قرارداد اعلام کرد که نیروهای عراق تماماً از ایران خارج شده و کار تخلیه آنان ظرف ۱۰ روز آینده بایمان خواهد گرفت تا ایران بهانه ای برای ادامه و طولانی تر کردن جنگ نداشته باشد و لسی مقامات جمهوری اسلامی گفتند تخلیه خاک ایران از قوای عراق کافی نیست و بقیه شرایط ایران نظیر سرنگونی صدام و مجازات او و پرداخت جرمه جنگ نیز باید انجام بشود.

دکتر عباس پوره معاون امور سازمانی و استعدادی کشور اعلام کرد: «آنچه از بانوان شاغلی که مایل به خانه داری و تربیت فرزندان خود میباشند، در صورت کناره گیری از عطفان ۴۰ به حقوق عوهرانشان اضافه میگردد».

بدنبال ورود ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به نیویورک جهت شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل و یک سری تظاهرات موافقت آمیز توسط دانشجویان هوادار - سازمانهای انقلابی برگزار گردید که در کلبه این تظاهرات هواداران سازمان چریکهای

تیر

بونجه باساران برای بار دوم افزایش یافت.

ایران - ۱۳۶۱

XXXXXXXXXXXX

طی یک موافقت نامه قرار شد حجم مبادلات بازرگانی بین یوگوسلاوی و ایران افزایش یابد. خبرگزاری رسمی یوگوسلاوی در این مورد نوشت مبادلات بازرگانی ایران و یوگوسلاوی قبلاً در حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار در سال بوده که در سال ۱۹۸۰ به ۱۴۵ میلیون و در سال ۸۱ به ۲۰۸ میلیون دلار رسیده و پیشبینی میشود در سال جاری به ۴۰۰ میلیون دلار بالغ شود.

قراردادهای دیگر

نیکا را گوشت - در مقابل خرید نفت از ایران - نیکا را گوشت شکر، گوشت، سیگار و قهوه در اختیار ایران میگذازد. مجارستان - تمدن نامه همکاریهای اقتصادی، صنعتی، بهداشتی.

یمن جنوبی - در مقابل نفت ایران - کالاهای سنتی و ماهی به ایران مبادله میشود. یونان - حجم مبادلات بازرگانی در سال ۸۲ به ۳۶۰ میلیون دلار رسید.

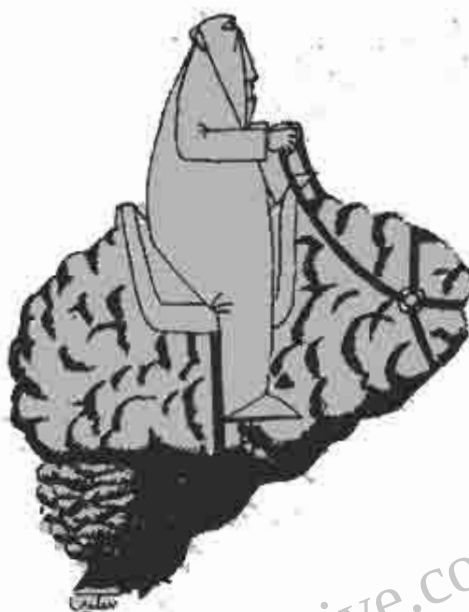
آلمان شرقی - ۷۵ میلیون دلار فرآورده های غیر نفتی از ایران میخرد، در مقابل ایران وسایل الکتریکی و صنایع سیمان از آلمان شرقی دریافت میکند.

چین - در مقابل نفت ایران منسوجات و پوشاک به ایران صادر میکند.

بلغارستان - در مقابل نفت و گوشت و پنیر، توتون و سیگار، ماشین آلات، کوسن، عیبهائی، لاشنگ و مواد دارویی به ایران صادر خواهد کرد.

XXXXXXXXXXXX

گرفته و جنگها از نظر عراق تمام شده است. ولی مقامات جمهوری اسلامی گفتند نیروهای عراقی هنوز ارتفاعات مرزی ایران را تحت کنترل دارند.



XXXXXXXXXXXX

۲۲ تیر نیروهای جمهوری اسلامی از مرز گنجه و وارد خاک عراق شدند. خبرگزاریها گزارش دادند که در این حمله ۸۰ هزار تن از نیروهای ایرانی شرکت داشته و با تانکهای موجهای انسانی در خاک عراق پیشروی میکنند و هزاران تن از آنان بهلاکت رسیده اند. خمینی در پیامی به مردم عراق گفت: «اکنون که برادران ایرانی شما برای نجات شما از یک رژیم کافر وارد عراق شده اند، لازم است از خانه هایتان بیرون آمده و آنها را یاری کنید». رهبران و رئیس جمهوری آمریکا در بیانیه ای در این رابطه اعلام به طرفی کرده و از ایران و عراق - خواست تا به جنگها نهند.

XXXXXXXXXXXX

مصطفی تاوری سرپرست سازمان تربیت بدنی در مورد تماعای مسابقات ورزشی برای بانوان گفت: «در حال حاضر بانوان به

خاطر لباس ورزشکاران نمیتوانند از مسابقات ورزشی بمانند کنند، زیرا که باعث گناه میشود».

XXXXXXXXXXXX

مرداد

جمهوری اسلامی اعلام کرد آماده است اسلحه هائی را که اشغالگران صهیونیسم از جرمکهای فلسطینی بدست آورده انده خریداری نماید.

XXXXXXXXXXXX

طی قرارداد جمهوری اسلامی نفت را بدکهای ۹ دلار ارزان تر از قیمت اوپک به ایتالیا صادر کرد.

XXXXXXXXXXXX

صدام حسین اعلام کرد عراق از مهربانی هفتمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که قرار بود عدم سیتا مبر در بغداد تشکیل شوده صرف نظر کرده است. او کشور هند را بعنوان محل برگزاری کنفرانس پیشنهاد داد.

XXXXXXXXXXXX

شهریور

میرحسین موسوی نفت وزیر جمهوری اسلامی اعلام کرد که در بودجه سال جاری ۵۰ میلیارد تومان به مسائل جنگ اختصاص داده شده است.

XXXXXXXXXXXX

کانون نویسندگان ایران در تیممید ملی بیانیه ای فعالیت خود را آغاز کرد.

XXXXXXXXXXXX

جواد منصوری معاون امور کنسولی و فرهنگی وزارت امور خارجه در کنفرانس جهانی سیاستهای فرهنگی گفت: «دنیا به فکر جدید نیاز دارد و جمهوری اسلامی میتواند این کمبود جهانی را جبران کند».



XXXXXXXXXXXX

قوای رژیم جمهوری اسلامی حمله دیگری را به خاک عراق آغاز کرد و از طریق شهر مرزی سوماره ارتفاعات مشرف به شهر مقدسی در ۶۰ کیلومتری بغداد را به تصرف خود درآورد.

XXXXXXXXXXXX

رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که جمهوری اسلامی سالانه ۵۰ میلیارد تومان صرف هزینه‌های جنگ با عراق میکند که این مقدار ۲۰ درصد اعتبارات عمرانی کشور است.

XXXXXXXXXXXX

مرتضی حسینی داستان دادگاه‌های مبارزه با متکرات در دینار با رهبران اقلیت‌های مذهبی گفت: «همیشه ایم کسه آقاییان با خانها در مجالس حرکت میکنند آقاییان باید توجه کنند که در ملاعام باید قوانین اسلامی رعایت شود و ما مستقیم که همانطوریکه در عاتقا نباید مزاحم اقلیتها عده اقلیتها نیز باید در ملاعام رعایت قوانین شرعی اسلامی را بنمایند و تابع قوانین اسلام باشند».

XXXXXXXXXXXX

بمناصب ورود علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به شهوپورک باز طرف هواداران سازمان هریک‌های فدائی خلق ایران و سایر سازمانهای مرفی دانشجویی تظاهرات گسترده‌ای در مقابل سازمان ملل انجام گرفت.

XXXXXXXXXXXX

آبان

جمهوری اسلامی از پذیرفتن سفر جدید فرانسه سر باز زد و اعلام کرد تا زمانیکه فرانسه پناهگاه مخالفان جمهوری اسلامی است از پذیرش سفر جدید خودداری میکند.

XXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXX

بر اساس یک گزارش اقتصادی که در این ماه از طرف رژیم منتشر شده در سال گذشته ایران با کمبود انواع مواد صنعتی و کشاورزی و غذائی روبرو بوده است و خاص قیمت کالاهای تولیدی نسبت به سال قبل از آن ۲۲/۵ درصد افزایش داشته است.

XXXXXXXXXXXX

طی قراردادی رژیم جمهوری اسلامی ۱۶۰ میلیون دلار کالاهای مختلف از پوزیل خریداری کرد.



XXXXXXXXXXXX

ترمینال نفتی جزیره خارک مورد حملات هوایی عراق قرار گرفت که در نتیجه آن صدور نفت ایران ۵۰ درصد کاهش یافت.

مهر

خسرو قشقانی روز نهم مهر به دارآویخته شد.

XXXXXXXXXXXX

بر اساس یک گزارش اقتصادی که از طرف جمهوری اسلامی انتشار یافت از ژاپن به عنوان بزرگترین صادرکننده کالا به ایران و همچنین بزرگترین خریدار کالاهای ایران نام برده شد.

XXXXXXXXXXXX

تقی بانکی، سرپرست سازمان پرشامه اعلام کرد که گروهی از وزیران و اعضای مملکتی مخالف با عین برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی هستند و میگویند که بهیچین و برنامه‌ریزی آینده غیرممکن است!!

XXXXXXXXXXXX

خمینی در دیدار با اعضای ستاد فرهنگی گفت: «دانشجویانی باید به دانشگاه وارد شوند که وابسته به شرق و غرب نباشند» اگرچه مستطاهر به حمایت از جمهوری اسلامی هستند.

XXXXXXXXXXXX

بی بی سی گزارش داد عده‌ای از زائران مکه از دولت عربستان سعودی تقاضای پناهندگی سیاسی کرده‌اند!

XXXXXXXXXXXX

حادی قطب زاده روز ۲۸ شهریور اعدام شد.

XXXXXXXXXXXX

طی یک قرارداد ۳۰ میلیون تومانی، یک شرکت ایتالیائی تهیه و نصب دو خط انتقال نیرو در ایران را بعهده گرفت.

XXXXXXXXXXXX

آلمان غربی تصحیح زلزلات گازی بقتیر یکصد مگاوات را بعهده گرفت.

XXXXXXXXXXXX

کارشناسان هندی تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر را تسهیل کردند.

XXXXXXXXXXXX

دکتر نیک نژاد معاون امور داروئی وزارت بهداشتی اعلام کرد که در حال جاری ۷ میلیارد تومان دارو وارد کشور خواهد شد. این رقم قبل از قیام بهمن ۲ تا ۲/۵ میلیارد تومان، در سال ۵۹ به ۵/۵ میلیارد در سال ۶۰ به ۵/۵ میلیارد و در سال ۶۱ به ۷ میلیارد تومان رسیده است که نسبت به ۳ سال گذشته ۱۰۰ درصد افزایش داشته است.

XXXXXXXXXXXX

مرکز آمار ایران گزارش داد که ایران با کمبود ۳/۵ میلیون غانه روبروست که بزودی به مرز ۴ میلیون خواهد رسید. همین گزارش افزود که در حال حاضر ۱۳ میلیون ایرانی فاقد غانه هستند.

ایران - ۱۳۶۱

هاشمی رفسنجانی از ایرانیان مقیم خارج خواست تا به ایران بازگردند. وی به دولت پیشنهاد کرد مرزها را باز کند و اجازه دهد هر کس که تمنا خواهد در ایران زندگی کند از کشور خارج شود.

رفسنجانی خطاب به ایرانیان مقیم خارج گفت: «ما برنامه‌های عظیمی برای ساختن مملکت داریم و به شما نیز نیاز داریم. اگر دیر بمانید کسان دیگری جای شما را خواهند گرفت. تا دیر نشده برگردید و اگر هم دیر شد عیب ندارد ولی عقب خواهید ماند.»



جواد منصوری معاون فرهنگی و کنسولی وزارت امور خارجه اعلام کرد که از ابتدای سال ۱۳۶۰ تا کنون جمعا ۲۳ نفر از مسئولین نمایندگی‌های ایران در کشورهای خارج به‌ناهنده سیاسی شده‌اند.

بر اساس يك قرارداد اقتصادی با ترکیه جمهوری اسلامی ۵ هزار دستگاه تراکتور از يك کارخانه آمریکایی بنام جان دیر خریداری کرد.

انگلستان ارسال وسائل پزشکی تانکهای جفتن را به ایران آغاز کرد.

با ارسال ۱۳۰۰ تن گندم، پاکستان - صدور ۵۰ هزار تن گندم را به ایران آغاز کرد.

حسین کاظم‌پور اردبیلی معاون وزارت امور خارجه در امور اقتصادی و بین‌المللی گفت: «از کل واردات کالاهای مختلف به ایران ۶۷٪ از غرب، ۱۶٪ از بلوک شرق و ۱۸٪ از کشورهای جهان سوم تامین میگردد».

مهدی کروبی نماینده خمینی در بنیاد شهید اعلام کرد که از شروع جنگ ایران و عراق ارتش ۵۰ هزار کشته داده است. وی گفت این رقم عامل کشته‌شدگان ازسپاه پاسداران و بسیج نمیشود. کروبی تصناد مجروحین و معلولین جنگ را ۱۰۰ هزار نفر اعلام کرد.

۱۸ آبان رژیم جمهوری اسلامی سومین حمله بزرگ خود به عراق را آغاز کرد که بنام محرم نامگذاری شد.

در ایران کلیه جوانان ۱۶ تا ۲۳ سال به خدمت سربازی احضار شدند و خمینی فتوا داد که رفتن به جبهه جنگ واجب است و دفاع از جمهوری اسلامی نهایی به موافقت والدین افراد ندارد.

«تروپا توفکی» نماینده شوروی در سازمان ملل خواستار پایان جنگ ایران و عراق شد و گفت این دو کشور دوستان شوروی هستند و مسکو از تلاش‌های هیئت‌های صلح برای حل این بحران حمایت خواهد کرد.

تظاهرات نیروهای مترقی در بنگلور هندوستان مورد حمله فائزهای جمهوری -

اسلامی قرار گرفت که در نتیجه آن - امیر راهداره هوادار سازمان بهکسار... (جناح انقلابی) به شهادت رسید.

آذر

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای گفت: «نهضت آزادی، حزب‌توده و سایر چپ‌گرایان - میخواهند تجربه افغانستان را در ایران تکرار کنند و حکومت را بر دست گیرند».

وی گفت: «اینها کینه مکارانه‌ای هستند که خودشان را به رنگ محیط درمیآوردند تا يك بلای سر جامعه بیاورند».

انتخابات مجلس خبرگان انجام گرفت.

علی فرارادای، جمهوری اسلامی ۱۰ میلیون دلار منسوجات از پاکستان خریداری نمود. در همین زمان از کشور مالت ۳۰۰ هزار دلار بارجه و از مالدیو ۱۰۰ هزار دلار کلاه و کلاه‌های - پوست و گوشت خریداری شد.

هندوستان قرارداد خرید روزانه ۴ هزار بشکه نفت از ایران را تمدید کرد.

طی يك توافقنامه، جمهوری دموکراتیک کره متعهد شد طی چهار سال مجموعا ۱۰ میلیون تن نفت از ایران خریداری کرده و در مقابل مایعین آلات کشاورزی، وسائل الکترونیکی و مواد صنعتی به ایران مبادله کند. طی این توافقنامه، حجم مبادلات بازرگانی ایران و جمهوری دموکراتیک کره در سال ۸۲، به ۱۴۰ میلیون دلار و در سال ۸۳، به ۵۰۰ میلیون دلار خواهد رسید. خبرگزاری‌ها گزارش دادند

جمهوری اسلامی مقادیر متناهی اسلحه از -
این کشور خریداری کرده است.

XXXXXXXXXXXX

عراق با موشکهای دوربرد مناطق مسکونی
و برجسمیت دزفول را مورد حمله قرار داد
که در نتیجه متداثر کشته و مجروح و
بی خانمان شدند. عراق در این رابطه اظهار
ناعت این حمله به تلاقی انفجار بسم در محل
خبرگزاری عراق در بغداد توسط عوامل -
جمهوری اسلامی صورت گرفت.

XXXXXXXXXXXX

جهان شماره ۷ برای اولین بار مباحثه -
با یکی از اعضای مرکزیت سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران بعمل آورد که در آن به
تذکیر کمیته خارج از کشور سازمان اشاره
شد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

در آخرین روز بازبازهای آسمانی، دفتر
هواپیمائی ایران در بعثتی به نشانه
اعتراض به جنایات روزمره رژیم جمهوری
اسلامی به تصرف دانشجویان هوادار سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران در هند درآمد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

دی

مادق طباطبائی نماینده ویژه جمهوری
اسلامی در اروپا به اتهام حملات ترابک در
فرودگاه دوسلدورف آلمان غربی بازداشت شد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

خمینی فرمان هفت ماهه ای خود را صادر
کرد. او در این فرمان از مسئولان
جمهوری اسلامی خواست تا از تعقیب و آزار
مردم، گوش دادن به تلفن آنها و ریختن به
خانه آنها خودداری کنند. بدنبال فرمان
هفت ماهه ای، ۶ مقام دولتی به دادگاه
احضار و ۳ تن از آنان برکنار شدند.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

بر اساس يك گزارش اقتصادی، سالانه ۱۲
تا ۱۴ میلیارد دلار کالا وارد کشور میشود.

XXXXXXXXXXXXXX

قرار داد خرید یکصد هزار تن گوشت در
سال ۸۳ با زلاند نو بسته شد.

XXXXXXXXXXXXXX

۱۹ دی، محمود رجوی، رهبر سازمان
مجاهدین خلق، با طاری عزیز معاون نخست
وزیر عراق به مدت ۵ ساعت در یارم ملاقات
و مذاکره کرد. طاری عزیز بعد از این -
ملاقات اظهار ناعت: "خیلی خوشوقت خواهم
شد که بهینم دوست عزیزم محمود رجوی و
نخست وزیر یارمین جمهور آینده ایران باشد.

XXXXXXXXXXXXXX

فرماندار دزفول اعلام کرد که در طول
۲۷ ماه جنگ ایران و عراق، شهر دزفول
مورد اما بیت ۵ موشک زمین به زمین مدرن ۳
تا ۹ متری قرار گرفته که بر اثر آن ۵۶۰۰
ساختمان ویران شده است.

XXXXXXXXXXXXXX

میرحسین موسوی اعلام کرد که مبلغ ۴
بیلیون دلار به عنوان بودجه جنگ برای
سال ۸۳ اختصاص یافته است!

XXXXXXXXXXXXXX

بهمن

شورای نگهبان لایحه تعیین تکلیف اموال
فراریان از کشور را که به تصویب مجلس
شورای اسلامی رسیده بوده رد کرد و خمینی
در این باره گفت مجلس باید لوایحی را
تصویب کند که امکان تأیید آن از جانب
شورای نگهبان وجود داشته باشد.

XXXXXXXXXXXXXX

۱۹ بهمن رهبران حزب توده، منجمده
نورالدین کیهان نوری، به اتهام جاسوسی
برای شوروی دستگیر شدند.

XXXXXXXXXXXXXX

براون، ارگان حزب کمونیست شوروی در
رابطه با این دستگیری، جمهوری اسلامی را
مورد انتقاد قرار داده و آنرا نتیجه
تبعیضات ضد شوروی در ایران دانست.

XXXXXXXXXXXXXX

۲۰ بهمن جمهوری اسلامی اعلام کرد کلمه
افراد مملکت بدون استفاده از ارز دولتی
میتوانند از کشور خارج شوند. هزاران تن
از مردم بدنبال این اعلام در مقابل اداره
گذرنامه اجتماع کرده، خواهان خروج از -
ایران شدند.

XXXXXXXXXXXXXX



۱۸ بهمن جمهوری اسلامی حمله بزرگ
دیگری را به خاک عراق آغاز کرد و اعلام
داشت که ۳۰۰ کیلومتر مربع از اراضی تحت
اعمال عراق را بازپس گرفته است. مقامات
عراق گفتند در این حمله ۱۵ هزار سرباز و
باسدار ایرانی کشته شده و حمله دفع -
گرده است.

XXXXXXXXXXXXXX

۲۲ بهمن
در قسمتی از جاده سقز-هوکان در نزدیکی
روستای «کوچک» یک واحد از نیروهای جمهوری
پنجه در صحنه ۲۷

کیهان

۵ اسفند ۱۳۶۱

چرا ما اخراج کردیم

برای زنان

بدهاید؟

شاغل چه خوابی

کتابخانه در دسترس
کتابخانه در دسترس
کتابخانه در دسترس
کتابخانه در دسترس
کتابخانه در دسترس

مجلس کلیات لایحه خدمت نیمه وقت بانوان را تصویب کرد

اجراج زنان از ادارات و کارخانه ها، گامی دیگر در جهت به قهرا کشیدن موقعیت اجتماعی زنان ایران

در تاریخ پنجم اسفند ماه ۱۳۶۱، مجلس شورای اسلامی لایحه ای را به تصویب رساند که طبق آن بشوایند کار زنان شاغل را از تمام وقت به نیمه وقت تبدیل نمایند. به دنبال محروم کردن زنان از بسیاری مشاغل به بهانه های مختلف، بازداشت کردن پیش از وقت و یا اخراج های دسته جمعی، بستن مهد کودک ها، اجباری کردن عجاب اسلامی، قانونی کردن تعدد زوجات، یکطرفه کردن حق طلاق و نگاهداری از بچه ها به نفع مرد، زنان و مردانه کردن اماکن و خدمات عمومی و ... بطور خلاصه نیمه اشان شمردن زنان را تصویب لایحه فحاشی و بسیاری قوانین قرون وسطایی دیگر، رژیم قدم به قدم به طرف هدف خود در محو کردن زن چهارده ساله آذربایجان و سلب کامل فرهنگ مرد سالاری، حرکت کرده است. رژیم از طرق مختلف از جمله وعده افزایش ۳۰٪ به حقوق شوهرانی که همسرانشان شغل خود را ترک میگویند، سعی کرده است زنان را از مرصه فعالیت های سیاسی - اقتصادی و تولید اجتماعی خارج کند و تصویب لایحه "نیمه وقت شدن" تازه ترین طرح ارتجاعی رژیم در این زمینه است چرا که از دیدگاه جمهوری اسلامی، زن بخاطر کار اجتماعی و ارزش های شخصیتی خود بعنوان یک انسان، یک شهروند، یک متفکر و مبارز اعتبار اجتماعی نمی باید بلکه زن صرفاً

تا تزیید دلبر است و چون بزیاد مادر و جز وسیله ای برای برآوردن نیازهای مرد و تربیت نیروی کار (مردان کارگر، کارمند، سرباز و ... آماده خدمت و شهادت در راه سرمایه داری اسلامی) نقش دیگری ندارد و بهترین و تنها قانون اجرای این نقش نیز خانواده میباشد. چنانکه سردمداران رژیم با آب و تاب این فلسفه را تبلیغ میکنند بعنوان مثال هاشمی رفسنجانی علناً میگوید: "رژیم جمهوری اسلامی زنان ایرانی را از بدبختی نجات داده است. زنان ایرانی باید زندگی فاطمه زهرا را سرمشق خود قرار داده و همانطور که او تمامی زندگیش را وقف تربیت فرزندان و انجام کارهای خانه کرد. زنان ما نیز میبایست تمام عمر خود را صرف برآوردن خواسته های همسر خود بمانند. (تاکید از ماست). و هم او در جای دیگر میگوید: "ما میخواهیم در جمهوری اسلامی شخصیت واقعی زن را به او بازگردانیم و ... در طول تاریخ بعد از رنسانس، تلاش دنیای غرب که معمولاً تمدن ها و فرهنگ های اخیر از آنجا تغذیه میشد، این بود که به اسم آزادی و احقاق حقوق زن وی را از هستی فطری خود خالی کنند ... آنچه به عیده زن است اولین مرحله آدم سازیت و وابستگی و طوافت مادر نسبت به فرزند و اثری که شخصیت مادر بر فرزند میگذارد بهترین میدان برای خدمت به جامعه است." (کیهان ۱۸ بهمن ۶۱، تاکید از ماست). چنانکه مبینخند رفسنجانی بنا هر چه که بعد از رنسانس در فرهنگ غربی رخ داده است مخالف است و خود آشکارا

میگوید که دشمن رنسانس و طرفدار قرون وسطی میباشد و زن باید به همان قالبها و ارزش های قبل از رنسانس و اسلام ۱۲۰۰ سال پیش بازگردانده شود. البته سران مؤتلف رژیم طبق معمول این نوع قوانین را در لاملای گردو خاکهای وسیع تبلیغاتی که براه میاندازند به مردم حلقه میکنند. در مورد قانون اخیر نیز رفسنجانی با عوام فریبی و وقاحتی نظیری مدعی است که "برخلاف تبلیغ عد انقلاب این قانون در واقع بخاطر سبک تر کردن بار مشکلات زنان و برداشتن فشار کار بیرون از دوش آنان، وضع شده است (تقلید به معنی)، اما زنان آگاه و زحمتکش ایران میدانند که اگر رژیم ذره ای به فکر رفاه و بهبود حال آنان بود به جای اخراج زنان از کارخانه ها و ادارات و در واقع سرکشان کردن بار بحران اقتصادی و بیکاری بر سر زنان و بجای احیا فرهنگ واپسگرا و مردسالارانه آنها در عقب مانده ترین شکلش، در وهله اول فکری بحال زنان زحمتکش و ریشخندها و شهرها میکرد. بجای بستن مهد کودک ها و بنا نیمه وقت کردن کار زنان، با تأسیس مهد کودک درجوار کارخانه ها و ادارات، امکاناتی برای نگاهداری و تربیت کودکان فراهم می نمود و به مردان نیز آموزش میداد که در تربیت کودکان و کارهای خانه همدر زن احساس مسئولیت و انجام وظیفه نمایند. بجای نیمه وقت کردن کار زنان اداری و کارگر، فکری به حال زنان زحمتکش شالیکار و قالیبافی میکرد که در روستاهای ایران روزی ۱۲ الی ۱۵ ساعت کار میکنند و از هیچگونه مزایا و تأمین اجتماعی برخوردار نیستند ... اما کارنامه جمهوری اسلامی و ماهیت این رژیم در زمینه های مختلف، خاصه در رابطه با موقعیت زنان رسوا و نشکین تر از آنست که بشواید اهداف بیفایده ارتجاعی و قشری خود را در پس تبلیغات عوام فریبانه اش پنهان دارد.

☆☆☆

سخرانی تحلیلی و افشاگرانه ای نیز در مورد نقش زنان در انقلاب ایران و موقعیت کنونی آنان توسط یکی از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران ارائه گردید و در یک میز گرد نیز قوانین و سیاست ها و سخران ارتجاعی و قرون وسطایی حاکم در ایران در رابطه با زنان مورد بحث واقع شد. از آنجا که برنامه ریزی کنفرانس عمدتاً در دست منار مترقی بود و زنان مترقی و مبارزی چون

مبارز متعددی از کشورهای مختلف و نمایندگان از طرف اقلیت ها و نژادها و ملیت ها و جنبش های انقلابی و ضد امپریالیستی در این کنفرانس شرکت کرده بودند. طی سخرانی ها کارگاه ها و میرگردها، نمایش فیلم، موسیقی و برنامه های هنری مختلف، مسائل مربوط به جنس و رابطه آن با ستم طبقاتی، ستم نژادی و ستم ملی و استعمار و امپریالیسم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در میبحث مربوط به زنان در جنبش های انقلابی،

گزارشی از کنفرانس

تفاوت های مشترک و مسائل زنان در کشورهای جهان سوم

از تاریخ ۱۲-۹ آوریل ۱۹۸۲، هفدهمین روز در دانشگاه ایلی نوبی (آمریکا) کنفرانس وسیعی تحت عنوان "تفاوت های مشترک، زنان جهان سوم و دیدگاه های فمینیستی" با شرکت بیش از ۶۰۰ نفر تشکیل شد. زنان محقق و



امهر بالیستی در شرایطی که بورژوازی -
انحصاری وابسته نتوانسته بود با طرق و
اشکال حکومتی جلوی رشد و گسترش طبقه
کارگر و توده‌های زحمتکشان را سد نماید،
امری کاملاً متحمل و قابل پیش‌بینی بود.

رشد سرمایه‌داری خصوصی از سال ۱۹۶۰
زمینه‌های بحران را ایجاد نمود. سوزواری
فراکتال رشد کم‌کم غلبت انحصاری پیدا کرده و
طی پروسه‌ای دولت‌ها در دست‌گرفت. بعد
از درهم‌آمیختن در سال ۱۹۶۰، بحران
اقتصادی - سیاسی وارد آب‌خاسته‌تری
پایانست که آنرا به چهار دوره می‌توان تقسیم
نمود. سالهای ۶۹-۶۸، ۷۱-۷۰، ۷۵-۷۲ و ادامه
آنها تا به امروز. به دنبال اولین بحران
در سالهای ۷۰ حرکت طبقه کارگر اوج گرفت
و آنچنان رشد کرد که کارگران عود وارد
مبارزه‌ای اساسی با سوزواری شدند. وضعیت
سوزواری در سالهای ۷۰ چنین بود که -
سرمایه‌داری وابسته انحصاری رشد کرده و
ثلاث داشت که حاکمیت عود را تثبیت کند و
به این منظور طبقه صاحبان سرمایه‌های
مضطرب و فئودالها را از حاکمیت شروغ
کرد. همزمان و در همین رابطه به سرکوبی
شدید نیروهای انقلابی و سازمانهای چپ‌در
حال رشد پرداخت. آزادیهای نسبی که به
دنبال مبارزات توده‌ها بدست آمده بود روز
به روز محدودتر شد و منجر به بستگیری و
تنگ‌نجه تعداد کثیری از نویسندگان و

ترکیه با کشورهای شوری و ایران، عراق و سوریه، قبرس، یونان و بلغارستان همجوار است. این کشور بعنوان عضو پیمان ناتو، نیم میلیون سرباز آماده دارد. (دومین کشور بعد از نیروهای مسلح آمریکا در ناتو) و بیش از ۵۰ پایگاه نظامی آمریکا و ناتو را در خاک خود جای داده است و بصورت پلی بین قسمت جنوب شرقی اروپا و خاورمیانه میباشد. موقعیت استراتژیک ترکیه در منطقه از جمله عوامل شرکت این کشور در پیمانهای مختلفی چون ناتو، سنتو (که بعد از انقلاب ایران این پیمان عملاً لغو گردید)، در بازار مشترک اروپا (که اخیراً عضویت آن لغو شد) و اتحادیه کشور-های اسلامی میباشد. اهمیت استراتژیکی ترکیه در پیمان ناتو عاملی است که این کشور را از دستگاههای مغایراتی و ارتباطی میزی یوشانده است.

۲۔ وقوع کو دیکھنا و دلائل آن

توضیح
"جهان" سخن دار دستخاستی را به بررسی موقعیت اجتماعی-سیاسی کشورهای تحت سلطه و جنبش های آزادی بخش اعتماد دهنده را داران می خواهد که در این زمینه اقدام به تهیه مطالب تحقیقی ویا ترجمه متون موفق و موفقی نبوده و نوشته های خود را برای درج در این بخش از "جهان" برای ما ارسال دارند. مقاله ای که در زیر می آید توسط یکی از رفقای هوا داده تهیه شده است که بدلیل طولانی بودن آن در دو شماره درج میگردد.

ترکیبہ ، کودنای ۱۹۸۰
قبل و بعد از آن

۱۔ موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی

روزنامه نگاران که نفوذ بسیاری در بین توده ها داشتند، گردید و بالاخره سرمایه و استهلاکیت انحصاری خود را "تشییت" نمود. از سال ۷۱ بعد، دو مسئله مهم در ترکیه اتفاق افتاد: (۱) وابستگی بیشتر به سرمایه های امپریالیستی، (۲) رشد انحصارات که منجر به تشکیل بنیادی بنام TUSIAD که بنیاد صنایع و سرمایه گذاری بود، گردید. این بنیاد با ۱۱۲ عضو متشکل از صاحبان صنایع و سرمایه داران بزرگ از جمله مدیر رادیو و تلویزیون و روزنامه های سراسری ترکیه بنام های حریت و ملتیت تشکیل گردید. هدف اصلی این بنیاد، همراه با دیگر احزاب بورژوازی، از جمله "حزب رستگاری ملی" تحت رهبری کرکرت و "حزب ملی" عمل تحت رهبری اپتلان ترکیه تصویب کلیه قوانین دولتی به نفع خود و بعنوان ابزاری برای سرکوشی خلقهای ترکیه بود. TUSIAD بعد از مدتی بعنوان یک عامل سیاسی در دولت محسوب شد.

در سال ۷۲ بولنت اجوییت که خود را یک سوسیال دمکرات مینامید در رهبری حزب جمهوری خلق قرار گرفت. این حزب در انتخابات سال ۷۳ شرکت نمود. اجوییت با طرح برنامه های اقتصادی از قبیل حمایت از معارضه داران کوچک در مقابل استفاده غارتگران و فروشگاه های زنجیره ای و سوپرمارکتها و تشکیل بنی بنام "بخش خلق" که هدفش تشویق سرمایه داران کوچک در سرمایه گذاری و حمایت از آنها در مقابل انحصارات بود، موفق گردید در مدت کوتاهی حمایت بیشتر وسیعی از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی و روشنفکران را بخود جلب نماید. در این دوره به علت عدم وجود یک آلترناتیو انقلابی از جانب چپ، جریانات رفرمیستی که عموماً در سندیگای کارگری دیمک اکثریت را نیز داشتند کارگران، دهقانان، معنکران و کارمندان

دولت را یکماه قبل از انتخابات عمومی تشویق به دادن رای به حزب جمهوری خلق میکردند. با این وجود اجوییت و حزب فقط ۳۲/۳ رای یعنی از ۲۵۰ کرسی فقط ۱۸۵ کرسی را بعد از انتخابات دادند و همین امر منجر به ناامید شدن اجوییت در انتخابات شد. از طرف دیگر حزب عدالت یعنی حزب جناح دیگر بورژوازی با رهبری سلیمان دمیرل نیز موفق گشت اکثریت آراء شد.

بالاخره نا متجانس ترین اختلاف بین حزب جمهوری خلق و حزب رستگاری ملی در ژانویه

۷۲ تشکیل شد و اجوییت از طرف حزب جمهوری خلق به نخست وزیری انتخاب گردید. اختلاف جدید برای مقابله با مشکلات اقتصادی ابتدا قیمت بعضی از کالاها را از قبیل کالاهای نفتی تا حدود ۷۲٪، شکر ۲۵٪، پنبه ۵۲٪، کالاهای تهیه شده بومی از قبیل منسوجات و غیره تا حدود ۲۰٪ تا ۲۵٪ افزایش داد. قول اجوییت در دوره کاندیداتوریش در مورد "بخش خلق" همانطوریکه پیش بینی میشد تنها برای جلب آراء بیشتر بود. از طرف دیگر



بخش عمومی از سرمایه گذاری و تولید متناع میکرد که این خود منجر به بیکاری هر چه بیشتر در جامعه میشد. اختلاف جدید در تمام اشکال خود با شکست روبرو گردید. این اختلاف در جولای ۱۹۷۴، موقعی که دولت ترکیه تصمیم به فعالیت نظامی در قبرس گرفت، کاملاً از هم پاشیده شد. بالاخره اجوییت در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۴، موقعی که بحران سیاسی در ترکیه به اوج خود رسیده بود مجبور به استعفا شد و تا ۶ ماه یعنی تا ۲۱ مارس ۷۵ دولتی بر سرکار نمود و احزاب دست راستی حکومت را اداره میکردند تا اینکه دمیرل تشکیل دولت چپه ملی اول را اعلام نمود. دمیرل با در پیش گرفتن سیاست ضد کمونیستی سعی در جهت ایجاد وحدت بین احزاب دست راستی را داشت و این عموماً بهانه ای بود برای گروه های فاشیستی که هر مدای آزادیخواهی و اعتراض را با مارک چپ و کمونیست خفه نمایند.

اولین اختلاف چپه ملی اول شامل "حزب عدالت"، حزب رستگاری ملی، "حزب ملی عمل"

که از احزاب نفوفاشیستی بودند تشکیل گردید. این چپه نه تنها قادر به حل بحران نشد، بلکه زمینه های بحران بعدی را نیز فزونی بخشید. در ادامه بحران، جو ترور و وحشت روز به روز گسترده تر میشد، هر اعتراضی بر علیه دولت با مارک خائن شناخته میشد و به شدیدترین وجهی سرکوب میشد. از طرف دیگر کسانی که طرفدار دولت بودند به آنها لقب "وطن پرست" میدادند این امر منجر به مبارزه بسیار حادی بین مخالفان و موافقان



دولت شد، موافقان دولت را بیشتر احزاب فاشیستی از جمله "اتحادیه جوانان تروریست"، حزب ملی تشکیل میدادند که ترور و وحشت را در خیابانها برپا میدادند. خود دمیرل نیز بطور رسمی از این جریانات فاشیستی دفاع میکرد، او معتقد بود که "این احزاب میبایستی مورد حمایت و پشتیبانی دولت قرار گیرند، زیرا افراد این احزاب افراد ملی گرا و جوانان ضد کمونیستی هستند که نماینتی هیچ صدمه ای به آنها وارد آید. حزب ملی مثل من است که بیشتر با کمتر در طرف ما قرار گیرد با این وجود آنها احزاب سیاسی هستند که هیچ گاه موضعی بر علیه دولت نگرفتند در نتیجه منع فعالیت آنها جز ایجاد تشنج چیزی ببار نخواهد آورد." این اختلاف نیز (چپه ملی اول) نتوانست بر بحران موجود فائق آید و در ۲۹ نوامبر ۷۵ سقوط کرد. در این دوران اجوییت مجدداً نخست وزیر شد. با این وجود او نتوانست با سایر احزاب دیگر در مورد حاکمیت سیاسی به

ترکیه، کودتای ۱۹۸۰

بازار پر شد، در نتیجه مجبور به تشکیم کابینه خود گردید. اجوبیت تا ۲۶ جون ۱۹۷۷ بر سر کار بود. در این دوران احزاب دست راستی زمینه‌های برانداختن اجوبیت را فراهم می‌نمودند که بالاخره در ۳ جولای ۱۹۷۷ دولت اجوبیت سقوط کرد و سلیمان دمیرل جبهه ملی دوم را بعنوان دولت جدید معرفی نمود. این دولت متشکل از ۸ وزیر از حزب رشک‌گاری ملی ۵ وزیر از حزب ملی عمل و ۱۶ وزیر از حزب عدالت بود. بعد از اعلام تشکیل جبهه ملی تفاهدهای خاکمیت که خود ناخی از بحران اقتصادی - سیاسی حاکم بر جامعه بود، به اوج خود رسید تا اینکه در ۲۱ دسامبر ۷۷ دولت جبهه ملی دوم نیز سقوط کرد و دوباره در چنین بحران سیاسی بود که اجوبیت بعنوان تنها آلترناتیو موجود بر سر کار آمد.

د اجوبیت و بحران ترکیه

موقعی که اجوبیت برای چندمین بار به قدرت رسید قول داد که در کشور طبع و اتحاد را بین کلیه نیروها برقرار نماید ولیکن اعتناشات و نیروهای سیاسی در جامعه بیشتر شد. در همان روز اول سال ۷۸، موقعی که اجوبیت بر سر کار آمد بیش از ۲۵۰ تن زخمی گشتند. در ماه جولای پلیس قدشورش زاندارمهاو گوماندهای ارتش برای سرکشی توده ها به غیاب آنها ریختند و حکومت نظامی اعلام شد. اجوبیت با وجودیکه یکسری رفرمها را در چهار چوب بورژوازی در جامعه انجام داد، ولی بزودی بعزت همان ماهیت طبقاتی اش فساد و نگفت که بحران جامعه را تبدیل به خشویه حمایت از احزاب بورژوازی و ایستاده انحصاری پرداخت طولی نگشید که او از سازمان صنایع و برنامه رهبری خواست که از سرمایه داران خارجی در جهت سرمایه‌گذاری در ترکیه دعوت بعمل آید و این در حالی بود که ترکیه حدود ۱۲ بلیون دلار به بانکهای خارجی بدهکار بود و با وجودیکه اجوبیت در ماه مارس کوششهای زیادی را در جهت پرداخت بدهی از طریق صندوق بین المللی پول کرده بود ولی این مسئله اختلافات عدیدی را درون حزب جمهورییت خلق بوجود آورد. صندوق بین المللی پول در قبال دادن وام از اجوبیت میخواست که نرخ تورم را از ۵۰٪ که در سال ۷۷ بود، به ۲۰٪ در سال ۷۸ با کم کردن حقوق و مزایای کارمندان و کارگران و

افزایش مالیاتها) کاهش دهد. قابل فکراست که طرفداران اجوبیت را که ابتدا افشار وسیعی از خرده بورژوازی و کارگرانی که در سندیگای دیک به زیر رهبری رفرمیستی قرار گرفته بودند، تشکیل میدادند، بعد از اینکه اجوبیت بقدرت رسید طرفداران او نیز بعزت روشن شدن ماهیت برنامهای اقتصادیاش رفته رفته کاهش یافت تا اینکه از ۴۱٪ در سال ۷۷ به ۲۹٪ در سال ۷۸ تقلیل یافتند و در نتیجه "حزب جمهورییت خلق" که ابتدا به تنهایی قوه تشکیل دولت را داشت در این دوره موفق به گرفتن رأی اعتماد از مجلس نگردید و این بار از ائتلاف "حزب عدالت" "حزب ملی عمل" و "حزب رشک‌گاری ملی" دولت جدیدی تشکیل گردید که آسم پسران عدت کوشاهی بار دیگر جای خود را به دولت جدید دیگری مرکب از "حزب جمهورییت خلق" داد که این حزب نیز با رهم قادر به حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه نگردید و بار دیگر سلیمان دمیرل در ۱۲ نوامبر ۷۸ بقدرت میرسد. سلیمان دمیرل دولت خود را موقتی و اضطراری که وظیفه اش کاهش بحران موجود در جامعه بود معرفی کرد. او کلیه قوانین و دستورات را بعهده فرماندهان ارتش سپرد. برنامهای اقتصادی دمیرل به وسیله نورگات اووال که از سرمایه داران وابسته به امپریالیسم میباشد طرح ریزی میشود. در اولین قدم ارزش لیر نسبت به دلار از ۴۷ به ۷۰ رسید که این خود منجر به بالا رفتن قیمت ها تا حدود ۵۰٪ شد. خرده بورژوازی روز به روز تحت فشار انحصارات و کمپانیهای امپریالیستی ورنگشته تر میشد و به معارضت بیگانهان می‌پیوست. امپریالیست ها نیز از طرف دیگر منتظر فرصتی بودند که این دولت خود را تثبیت نماید و روابط اقتصادی خود را با آنها گسترش دهد با این وصف بحران اقتصادی روز به روز گسترده تر و پیرامونتر میگشت تا اینکه راه "نجات" خود را در کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دید. فرماندهان ارتش با به میدان گذاشتن و اعلام کردند که "سیاست محالاً بک مسئله مهم است و نیایستی تنها وسیله‌ای برای سیاستمداران باشد زیرا آنها به تنهایی قادر به حل بحران موجود نمی‌باشند."

۵- اجرای سیاستهای اقتصادی جدید

بعد از کودتا

اساسی ترین برنامه اقتصادی بعد از -

یکی دیگر از سیاستهای اقتصادی رژیم یک سری اقدامات در جهت پرداخت بدهی های قبلی و معاضات از بحران مجدد مبادلات خارجی بود. ترکیه از قدیم یکی از واردکنندگان محصولات کشاورزی و واردکنندگان مواد خام و کالاهای امپریالیستی بود. منابع تولیدی ترکیه عمدتاً شامل کالاهای مصرفی با دوام که به وسیله بازارهای داخلی انجام گرفته، بوده است. کالاهای تولید شده با مقدار سنگینی تهیه میشد و هم قابل رقابت با بازارهای جهانی بود. در دوره آخر واردات به میزان قابل توجهی نسبت به صادرات غزونی یافت شد حالیکه در مداخل از صادرات در سال ۶۵، ۳۸۱ بیشتر از واردات بود این نسبت به ۳۴۸ در سال ۸۰ تحول یافت. دولت در ۲۹ ژانویه ۸۰ به موجب حکمی تلاش نمود که رابطه بین صادرات و واردات را تغییر دهد. به دنبال این سیاست کمک مالی برای واردکنندگان تولیدات داخلی اختصاص داده شد و سیاست مبادلات خارجی در جهت تکمیل نمودن این برنامه و بالا بردن اندوخته مبادلات خارجی آزاد گردید. مطابق گفته صندوق بین المللی پول، ارزش لیر نسبت به دلار ۷ برابر کمتر شد. بعد از اول ماه ۸۱، بانک مرکزی ترکیه اعلام کرد که حجم مبادلات خارجی روز به روز در حال کاهش بود. گرچه سیاست اقتصادی که بیشتر قرار بود حول صادرات انجام گیرد موفقیت‌های نسبی کسب نمود، ولی بنابر زودگذر بود زیرا که صادرات ترکیه در سطح بازارهای جهانی قابل رقابت با کشورهای امپریالیستی نبود.



دمیرل، پرچمدار کشورهای اقتصادی اوزال!

دومین عملکرد سیاست اقتصادی رژیم غوثی در مورد بالا بردن اندوخته مبادلات خارجی جلب اندوخته‌های کارگران مهاجر ترک در اروپا بود. این سیاست یا پیشنهاد نرخ بالای بهره برای مبادله ارز خارجی در بانکهای ترکیه از طریق کاتالهای رسمی دولتی قادر گردید که جریان اندوخته‌ها را به طرف ترکیه افزایش دهد و بازار سیاه مبادله ارز را پاشیدن آورد.

سومین عملکرد سیاست اقتصادی رژیم نظامی در مورد مبادلات خارجی، تشویق سرمایه‌های خارجی برای بازسازی ساختمان صنعتی جامعه بود بطوریکه رشد سرمایه‌های خارجی در ترکیه از سال ۷۳ تا به امروز بیشترین رقم را شامل میشود. مسلم است که دولت نظامی برای حفظ "ثبات سیاسی" خود بیشتر و بیشتر در جهت وابستگی قدم برمیدارد. به منظور ایجاد به اصطلاح ثبات سیاسی و نیاز فوری حکومت غوثی کمکیهای اقتصادی از طرف کشورهای عضو

ناٹو به ترکیه جریان یافت. این "کمکیها" از طرف کشورهای ناٹو بدلیل موقعیت استراتژیک ترکیه در پیمان بوده است هر چند آلیان مریی ادامه کمکیهای خود را مشروط بر رعایت حقوق بشر از طرف حکومت برگشت به "دمکراسی" دانسته در حالی که امپریالیسم آمریکا معتقد بود که وجود شکنجه در ترکیه و نفی حقوق بشر از طرف دولت نظامی اثری در کمک‌های آمریکا به حکومت ترکیه نخواهد داشت.

وبالآخره چهارمین عملکرد سیاست اقتصادی کنترل درآمدها بود که بیشترین خسار را بر دوش طبقه کارگر و رنجستگان جامعه می گذاشت و این سیاست چنانکه قبلاً نیز ذکر شد از طرف صندوق بین المللی پول نیز مورد حمایت قرار گرفت. در نتیجه رژیم قوانین جدید مالیاتی را که در کل به نفع سرمایه داران و به استثمار هرچه بیشتر رنجستگان منجر میشد، وضع نمود.

نتیجه گیری

کودتای ۱۲ بهمن ۸۰ هیچ تغییر اساسی در سیاست‌های اقتصادی ترکیه بوجود نیاورد. برعکس از همان ابتدا رژیم نظامی با تطبیق برنامه‌های اقتصادی خود با برنامه‌های رژیم سابق، سیاست خود را به اجرا گذاشت این سیاست عمدتاً در جهت یکسری اقدامات از قبیل نرخ تورم، افزایش اندوخته مبادلات خارجی و ظاهراً "لیبرالیسم اقتصادی" بود.

رژیم نظامی به شدیدترین وجهی به سرکوبی مخالفان پرداخت و هر گونه مدای آزادی خواهی را در نقطه خفه کرد. این رژیم، استثمار را به شدیدترین وجهی بر رنجستگان جامعه اعمال نمود. نتایج طرح حکومت جدید همانا نفی کامل دمکراسی و برقراری کامل فاشیسم در جامعه بود. گرچه برنامه‌های اقتصادی رژیم نظامی در سال اول موفقیت‌آمیز گردید، ولی بحران پربایفه در ترکیه همچنان ادامه دارد. سیاست "لیبرالیسم اقتصادی" در بالا بردن اندوخته مبادلات خارجی به وسیله افزایش درآمدها و به جریان انداختن اندوخته‌های کارگران مهاجر به داخل موفق بود گرچه این تنها یک نتیجه مقطعی سیاست اقتصادی رژیم بود. در طولانی مدت اثرات منفی خود را نشان خواهد داد. رژیم کودتا در بازسازی تولیدات صنعتی کاملاً شکست خورد. حجم تولیدات هنوز در سطح پایین و بیکیاری در سطح بالا قرار دارد. و در مجموع تمام اقدامات اقتصادی رژیم در

حمایت از سرمایه صنعتی انحصاری ترکیه بوده است. تغییرات در زمینه سیاست‌های مالیاتی و تجارت شانس انتقال ارزش اضافی از کشاورزی به صنعت بوده است. سیاست پولی و اعتبارات، موجودیت خرده بورژوازی ترکیه را تهدید کرده و در جهت حذف سرمایه‌های کوچک قدم برمیدارد بطوریکه در اواسط سال ۸۱، ۲۷۰۰ مغازه دار کوچک در استانبول و ازبیر ورشکسته شدند. در این رابطه تورکات اوزال با دادن برنامه‌های اقتصادی خود برای اربابین بریدن سرمایه‌های کوچک و گسترش هرچه بیشتر انحصارات نفوذی بزرگ داشته است. این سیاست طرف‌دو سال گذشته باعث محدودیت بازارهای داخلی گشته و برای منابع راهی جز تولید برای صادرات باقی نگذاشته است و اقتصاد ترکیه را بیش از پیش به زنجیره سرمایه جهانی گره زده است.

با توجه به بحران عمیق جهانی و نظام‌های سیستم سرمایه‌داری بین المللی هیچگونه زمینه موفقیت آمیزی برای رشد صادرات ترکیه وجود ندارد. در مجموع حکومت نظامی و برنامه‌های اقتصادی رژیم استثمار و سرکوب جنبش طبقه کارگر را بالا برده است بنابراین نتیجه اعمال این سیاست در ترکیه رشد مجدد جنبش‌توده‌ای برای استقرار یک آلترناتیو انقلابی خواهد بود.

در شماره آینده موقعیت نیروهای اپوزیسیون، سازمانهای سیاسی و مبارزات مردم ترکیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ده سال زندان برای

عزیز نسین

سرکاری فرشته گزارش داد که دادستان استانبول برای عزیز نسین، نویسنده سرشناس ترکیه تقاضای ده سال زندان نمود. دادستان استانبول عزیز نسین را به جرم تبلیغات کمونیستی به محاکمه کشیده است. وی متهم است که در بیست و دو سال قبل مقاله‌ای در دفاع از کمونیسم نگاشته است.

عزیز نسین در حال حاضر ریاست اتحادیه نویسندگان ترکیه را برعهده دارد. محاکمه عزیز نسین توسط دولت بهاطر مقاله‌ای که او در ۲۲ سال قبل نوشته است بر دو اصل معیسه میگذارد: ۱) وحشت حکومت نظامی ترکیه از کمونیسم، ۲) کم و کیف اعتقاداتی که بر جامعه ترکیه، بی جهت نیست که رژیم ایران دولت فاشیستی ترکیه را "دولت برادر و برادران" میخواند!

بیش از يك ميليون نفر در آلمان با انگلیس هاند ۰۰۰ در تظاهرات ضد سیاست تسلیحاتی آمریکا شرکت کردند

مطابق توافقی های انجام شده بین کشورهای امپریالستی قرار است که تا نوامبر ۱۹۸۳ آمریکا تعداد ۵۷۲ موشک پرمیونگ دو و کروزو در اروپا نصب کند. از این تعداد ۱۰۸ موشک پرمیونگ دو و ۹۶ موشک کروزو در آلمان و ۱۱۲ موشک پرمیونگ دو در خاک انگلیس نصب خواهند شد. بقیه موشک ها در ایتالیا، بلژیک، هلند نصب خواهد گردید. با نزدیک تر شدن تاریخ انتقال موشک ها اعتراضات مردم علیه سیاست های نظامی آمریکا با لامیگرند.

ناو اتمی Enterprise بعد از اتمام مانور مزبور روز دوشنبه ۲۱ مارس به آبهای ژاپن روانه گردید. به دنبال این حرکت، بیش از ۷ هزار نفر از مردم شهر ساسو - ژاپن دسته به تظاهرات وسیعی زدند و ورود ناو مزبور به آبهای ژاپن را محکوم نمودند. این تظاهرات با حمله پلیس ضد شورش ژاپن مواجه و در نتیجه صدها نفر دستگیر و زخمی گردیدند.

اکوادور

هفته سوم مارس، بزرگترین اتحادیه کاریگری اکوادور با اعلام اعتصاب، این کشور را به حالت فلج درآورد. اعتصاب - کنندگان خواهان: ۱- ثابت ماندن قیمت اوراق عمومی، ۲- افزایش حقوق - برکناری وزیر اقتصاد اکوادور میباشد این اعتصاب از طرف دولت اکوادور غیر قانونی اعلام شده بود. پلیس به متظاهر کنندگان حمله ور شد. در حال حاضر دانشگاه های این کشور بحالت تعطیل درآمده است.

ایکاتلند

میسطور در اسکاتلند حدود ۲۰ هزار نفر در تظاهرات مشابهی شرکت نمودند.

مانور نظامی و تظاهرات در ژاپن

به دنبال مانور نظامی ۷۰ روزه امپریالسم آمریکا و دولت کره جنوبی که از اول فوریه سال جاری آغاز گردید. دوشنبه ۱۲ مارس دهها هزار نفر از مردم جمهوری دیمکراتیک خلق کره در پایتخت این کشور به عنوان اعتراض به این مانور نظامی راهپیمایی نمودند. دولت جمهوری دیمکراتیک خلق کره بلافاصله بعد از شروع این مانور اعلام آمادگی با شرکتی داد و تمام نیروهای نظامی و ملحق را بسیج نمود. مانور مزبور شامل ۷۳ هزار نفر پرسنل نظامی - آمریکا و ۱۱۸ هزار نفر پرسنل کره جنوبی بوده و ناو اتمی Enterprise و دهها ناو دیگر آمریکا در این مانور شرکت دارند.

انگلستان

در اوایل آوریل تظاهرات وسیعی بر علیه تولید سلاحهای اتمی در اروپا و آمریکا برگزار گردید که تظاهر کنندگان با خنوت پلیس فاشیستی این کشورها مواجه گردیدند. در این حملات پلیس به انواع سلاحهای سرد، گاز اشک آور و گلوله های درنده مجهز بود. از جمله تظاهرات ۱۰۰ هزار نفری در انگلستان که بطول ۱۲ مایل در اطراف یک پایگاه اتمی که قرار است موشکهای پرمیونگ دو کروز نصب شود را میتوان نام برد. تظاهر کنندگان راه وزود به پایگاه مزبور را سد نمودند به دنبال حمله پلیس ۲۰۰ تن را دستگیر نمود.

هلند

در هلند بیش از هزار نفر به تظاهرات ۲۰ ساعته همراه با اعتصاب غذا دست زدند. و نفرت خود را از پایگاههای آمریکا بطور از ملاحظاتی اتمی نشان دادند.

آلمان فدرال

در آلمان ایما تظاهرات واقعا چشم گیر بود. بیش از ۸۰۰ هزار نفر در شهرهای مختلف آلمان از جمله فرانکفورت، مونیخ، هامبورگ نورنبرگ، کلن هاوین و ... علیه سیاست تسلیحاتی آمریکا در اروپا دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات پس از پیروزی نتایجی است راستی های محافظه کار در این کشور بسیار پرمعنی است. در تظاهرات پرغورهای پلیس و مردم پیش آمد. از جمله تظاهر کنندگان در شهر نخل اولم مسرود و دهی یکی از پایگاه های نظامی آمریکا در خاک آلمان را محکوم نمودند که این عمل به دستگیری تعدادی از تظاهر کنندگان انجامید.



توطئه علیه نیکاراگوئه



ویکتور موروگو، همکار و مشاور وزیر امور خارجه نیکاراگوئه در شورای امنیت سازمان ملل کوبا در شورای امنیت اعلام نمود: "تمام سازماندهی، تسلیم و تجهیز متجاوزین به نیکاراگوئه توسط دولت امپریالیستی ایالات متحده، پنتاگون و CIA انجام گرفته است. اینست مانند حرکت و سیاسی که بر علیه خوگیا مکار کردند." جلسه شورای امنیت علاوه بر اعضا هفتگونی خود، اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا، فرانسه، انگلیستان و چین، شامل: نیکاراگوئه، لهستان، ژرمنی، توکو، پاکستان، کینه، زیمبابوئه، اردن، مالقا و هلند میباشد. دولت نیکاراگوئه اعلام نمود که قطنامه شورای امنیت برای ما چندان مسئله مهمی نیست بلکه افشای تجاوزات اخیر در نزد افکار عمومی جهان حاضر اهمیت بیشتر است.

در تاریخ ۲۰ مارس ۸۲ بیش از ۲ هزار نفر از جیره خواران امپریالیسم آمریکا طرفداران ساموزا، معذور از خاک هندوراس به نیکاراگوئه حمله کردند همپرتو اورشکا و وزیر دفاع دولت انقلابی نیکاراگوئه در ۲۱ مارس اعلام داشت که در این برخورد ها ۲۰۵ تن از ضد انقلابیون بهلاکت رسیدند. همچنین ۵۷ نفر از نیروهای نیکاراگوئه و ۸ نفر مردم مادی نیز جان خود را از دست دادند. اورشکا افزود خطر از جانب هندوراس ما را تهدید میکند نه ضد انقلابیون براری. او همچنین افزود: نیروهای نظامی هندوراس با هلیکوپتر به ضد انقلابیون کمکهای نظامی میسرانند. تعاون مزدوران طرفدار ساموزا در دستبرد از اشغال ماسور مشترک آمریکا و هندوراس در میزهای نیکاراگوئه شروع گردید و نیروهای مزدور تحت تعلیم - مستشاران آمریکائی بوده اند.

نقش سرمایه داران

کارخانه کوکا کولای نیکاراگوئه به جرم کمک رسانی به افراد گارد ملی سابق ساموزا که در هندوراس بسر میبرند تحت کنترل پلیس نیکاراگوئه درآمده. رئیس کارخانه مزدور از ماه سپتامبر ۸۲ به هندوراس رفته و در رهبری "ضد انقلابیون" قرار گرفته است. همینطور نمایندگی کارخانه داتسون (Datsun) تحت مراقبت پلیس نیکاراگوئه قرار گرفته است.

نقش آمریکا

توماس مارتینز، وزیر کشور نیکاراگوئه چهارشنبه ۲۲ مارس اعلام نمود که مبارزه مسلحانه در السالوادور موقعیت رژیم این کشور را به خطر انداخته است. بدین لحاظ ایالات متحده درصدد بوجود آوردن جنگ داخلی در نیکاراگوئه است.

شورای امنیت

بعد از ۲ روز برگزاری جلسه شورای امنیت سازمان ملل در رسیدگی به حمله نیروهای طرفدار ساموزا به نیکاراگوئه و حمایت مستقیم دولت هندوراس آمریکا، اکثر کشورهای شرکت کننده در این جلسات اپس تجاوز را محکوم نموده و فقط دولتهای - آمریکا، السالوادور، هندوراس، اکوادور، کلمبیا از تجاوزات اخیر به خاک نیکاراگوئه حمایت و مقرر اصلی را ساندینیست ها اعلام نموده اند. نماینده جمهوری سوسیالیستی

نیویورک تا پز فاش میکند

- نیویورک تایمز اعلام نمود که فعالیت آمریکا در مسائل نیکاراگوئه زمانی افشا شد که نماینده اتحاد جماهیر شوروی و نیکاراگوئه از نماینده آمریکا خواستند که تعلیم، تسلیم و برنامه ریزی حمله به نیکاراگوئه را رد نماید. آمریکا با پیش کشیدن مسئله السالوادور از جواب دادن به این سؤال شانه خالی نمود.

- سفگوی دولت نیکاراگوئه اعلام نمود که در حال حاضر ۲ هزار نفر از ضدانقلابیون در خاک نیکاراگوئه لانه کرده اند. وی اضافه نمود که: نیکاراگوئه دارای ۲۲ هزار سرباز و ۴۰ هزار ملبشیا میباشد. تا بحال ۳۰۹ تن از ضدانقلابیون بهلاکت رسیده اند و ۴۰ تن از سربازان نیکاراگوئه ای نیز در تجاوزات اخیر جان خود را از دست داده اند.

اعتراف سنا توره های آمریکائی

روزنامه نیویورک تایمز در ۲۷ آوریل گزارش داد که چندین سخاو آمریکائی - بدنبال حمله طرفداران ساموزا به نیکاراگوئه اعلام داشتند که دولت آمریکا با از چهارچوب سیاست تعیین شده در رابطه با نیکاراگوئه فراتر گذاشته است. آنان اعلام داشتند بر اساس گزارشات رسمی CIA و ارتش آمریکا بطور مستقیم برنامه ریزی تسلیم و رهبری نیروهای طرفدار ساموزا که در هندوراس مستقر هستند را بعهده داشته



۲۰ هزار نفر از مردم نیکاراگوئه با وطلبانه به ملبشیا و نیکاراگوئه پیوسته. مکن فوق گروهی از ملبشیا نیکاراگوئه را نشان میدهد

داشت که پیروزی مزبور نشانه شکست استوا - توی جنگی آمریکا در السالوادور است.

چندشهر آزاد گردید

بزرگراه سوئی توتو، بزرگترین جاده مراسلاتی سن سالوادور، پایتخت السالوادور برای دومین بار در دو ماه گذشته بدست چریکهای انقلابی تسخیر گردید. همینطور چندین شهر و روستا از جمله سن لورنس، و وداهاز نیز از دست نیروهای دولتی - السالوادور آزاد گردید.

۱۱۰ میلیون دلار هم کم است

و این بزرگ، وزیر دفاع آمریکا ۱۱۰ میلیون دلار کمک تصویب شده سال ۸۳ به دولت السالوادور را تا جیز خمرده و اعلام داشت که به دلیل ضعف بودن دولت السالوادور در مقابله با چریکها، آمریکا میبایست کمکهای نظامی بیشتری به این دولت بنماید.

رادبو ونسروس

رادبو ونسروس، مدای جبهه مارابوندو مارنی اعلام نمود که در حملات چریکهای انقلابی در اواخر ماه مارس به نیروهای دولتی ۲۴ تن از مزدوران کشته و بیش از ۲۵ تن زخمی شده اند. این زده خورد در منطقه مورازان واقع در ۵۰ مایلی شمال شرقی سن سالوادور اتفاق افتاده و طبق اعتراف مسئولی دولت السالوادور، علاوه بر زده - خورد شدید و بالا بودن تعداد کشته شدگان نیروهای دولتی، ۱۷ پست دیده بانی رژیم خود را نیز بدست چریکهای انقلابی منهدم کرده است.

رادبو ونسروس در ۲ آوریل اعلام داشت: گردان بلوسو ارتش السالوادور که توسط آمریکا تحت تعلیمات نظامی طولانی مدت بوده در درگیری هفته گذشته در منطقه مورازان، بکلی نابود گردیده است. ونسروس اعلام

و CIA تمام اطلاعات خود را در اختیار نیروهای مزبور قرار داده است. ستاورهای مزبور همچنین عنوان داشتند که این حرکت از چهارچوب قانون اساسی آمریکا خارج گشته و برنامه سرنگونی دولت ساندینیستا در نیکاراگوئه را در پیش دارد. همینطور این خبرگزاری افزود که در سال ۸۱، ریگان بودجه ای معادل ۱۹۰۵ میلیون دلار در اختیار CIA گذاشته تا تعلیم و تجهیز ۲ هزار نفر از افراد مسلح در آمریکای مرکزی را انجام دهد.

السالوادور

نصب رادار



امپریالیسم آمریکا جهت کنترل آمریکای مرکزی به خصوص السالوادور و نیکاراگوئه - دستگاه راداری به برد ۲۰۰ مایل در پایتخت هندوراس، تی گوسی گالپا (Tigucigalpa) نصب نموده است. نصب رادار مزبور به خاطر فعالیت هندوراس در السالوادور و نیکاراگوئه از طرف مقامات آمریکایی اعلام شده است.

مقامات آمریکایی اعلام داشته اند که اردوگاهی جهت تعلیم سربازان دولت السالوادور در هندوراس تأسیس نموده اند.

ترور در السالوادور

روز یکشنبه ۱۳ مارس یکی از رهبران کمیته حقوق بشر السالوادور بنام گارسیا در حوالی شهر موشی توتو در زمانی که در حال صیبه عکس و مدارک از جنایات رژیم السالوادور و جمع آوری اطلاعات پیرامون استفاده از سلاحهای شیمیایی توسط خودتسا بود، به وسیله نیروهای نظامی السالوا - دور به قتل رسید. گارسیا سومین عضو عالیترتبه کمیته حقوق بشر السالوادور بود که در دو سال و نیم اخیر توسط رژیم السالوادور کشته میشود.

پرو: ۴ کشته، ۲۰ زخمی، ۲۰۰ دستگیری

در تاریخ ۱۴ مارس ۸۳ یک میلیون کارگر در اعتراض به شورش در لیما، پایتخت پرو دست از کار کشید و به خیابانها ریختند. این اعتصاب سرتا سری به دعوت کنفدراسیون عمومی کارگران پرو رهبری میشد. دولت پرو روز قبل از اعتصاب موقعیت فوق العاده اعلام کرده بود. به دنبال این اعتصاب کلیه جاده های اصلی که به لیما منتهی میشد توسط کارگران و دانشجویان بسته شد. سیستم اتوبوسرانی شهر متوقف گردید و اکثر مغازه ها بسته شد. به دنبال این اعتراضات دولت فرماندهو بلاند تری ۱۵۰۰۰ افراد نظامی را برای سرکوب اعتصاب کنندگان راهی خیابانها و کارخانه ها نمود. در این حملات پلیس از گاز اشک آور و سلاحهای گرم استفاده نمود که در نتیجه حملات سیعانه پلیس، ۴ کارگر کشته، ۲۰۰ نفر دستگیر و حداقل ۲۰ نفر از جمله ۲ کودک با گلوله های پلیس زخمی شدند.

کشور پرو که ۶۰ درصد معاملات خارجی آن را متکی بر می دهد، در وضعیت اقتصادی بدی بسر میبرد. این کشور در حال حاضر قریب به ۱۲ میلیون دلار به بانکهای بین المللی مقروض است با توجه به شرایط بد اقتصادی و نوسازم

فوق العاده، بیکاری در این کشور پیدا میکند و به مرز ۶ درصد نیروی کار رسیده است. این وضعیت اسفناک تنها مفتش پرو نیست. تقریباً تمام کشورهای آمریکای جنوبی وضع مشابهی دارند. مجموع کشورهای آمریکای لاتین با اقتصاد ورشکسته شان بیش از ۲۰۰ میلیون دلار به بانکهای جهانی مدعی دارند. بنا بر این اعتراضات نموده ای در شرایط حاکمیت سرنیزه در اکثر این کشورها نتیجه طبیعی فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بحران عمیق این کشورها تنها با انقلاب اجتماعی که متحرک سرنگونی حاکمیت بورژوازی و برقراری حکومت زحمتکشان حل خواهد شد.



بقیه در صفحه ۲۱

هفتمین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد - دهلی نو



ایندها گاندی
و سایر عرفات
در هنگام ورود
عرفات به دهلی-
نو جهت شرکت
در هفتمین -
کنفرانس "جنتش"
عدم تمیید

سابقه تاریخی

کنفرانس سران کشورهای عضو "جنتش غیر متعهد" از روز ۷ مارس ۱۹۸۲ به مدت یک هفته در دهلی نو گذاشته شد. در این کنفرانس نماینده ۱۰۱ کشور شرکت کردند. این تعداد پنج برابر تعدادی است که در اولین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد شرکت کرده بودند.

این کنفرانس ابتدا قرار بود که در شهر بغداد - عراق برگزار شود، اما وجود جنگ ارضی ایران و عراق مانع برگزاری این کنفرانس در عراق شد و این خود یک پیروزی تاکتیکی برای رژیم جمهوری اسلامی بود.

اولین کنفرانس "جنتش عدم متعهد" در سال ۱۹۶۱ در شهر بلگراد - یوگوسلاوی با شرکت نمایندگان ۲۰ کشور از جمله پنج تن از پایه گذاران مهم آن یعنی جمال عبدالناصر از مصر، جوزف بروز تیخو از یوگوسلاوی، جواهر لعل نهرو از هند، قوام نگرومه از غنا و سوکارنو از اندونزی تشکیل شد. جنتش عدم متعهد با ابتکار رهبران کشور - هاشیکه خود گرایش های ضد امپریالیستی، ملی گرایانه و ترقی خواهانه داشتند با توهم ایجاد آلترناتیو قدرت مستقل جهانی با آنطور که سوکارنو مطرح میکرد - "آرمان ملل انقلابی" آثار بکارکرد و در پیرویه شکوین و تکامل خود شکل گسترده ای به خود گرفت، که امروز اگر چه تعداد بسیاری از کشورهای وابسته به امپریالیسم نیز با اهداف گوناگون، از جمله جلوگیری از ایزوله شدن به عضویت این نهاد بین المللی درآمده اند لیکن امپریالیستها همواره ناخشنودی و نگرانی خود را نسبت به موجودیت آن و نتایج کنفرانسهای آن، مستقیم و غیرمستقیم ابراز داشته اند، چرا که اگرچه این نهاد ابتدا قادر نیست گرهی از مشکلات عدیده جوامع تحت سلطه بگشاید ولی امپریالیسم برخلاف بسیاری از نهادهای بین المللی دیگر نتوانسته است آنرا به زیر کنترل و نفوذ خود در آورد.

بخش سیاسی

در کنفرانس اخیر همانند کنفرانس های پیشین مسائل زیادی در رابطه با اختلافات کشورهای شرکت کننده و سیاست های کشورهای امپریالیستی، وضعیت اقتصادی کشورهای تحت سلطه و ... مورد بحث قرار گرفت که ذیلا به اهم آنها اشاره میگردد:

کامبوج و افغانستان

یکی از مسائل حادی که در دو کنفرانس آخر (یعنی هفتمین کنفرانس در هاوانا و - هفتمین کنفرانس در دهلی نو) مورد بحث قرار گرفت، نمایندگی کشور کامبوج در این دو نشست بود. در کنفرانس پیشین این مسئله لاینحل ماند و حل آن به کنفرانس اخیر واگذار شده بود. در این کنفرانس پرنس سیانوک با حمایت "انجمن ملل جنوب شرقی آسیا" (ASEAN) دلائل نمود که در مقابل نمایندگی دولت انقلابی هنگ سارین که حمایت و پشتیبانی دولت کوبا و ویتنام را داشت، رسمیت یابد. کنفرانس قادر شد که مسئله را حل کند، بنابراین همانند کنفرانس پیشین کرسی مربوط به کامبوج "خالی" ماند. کنفرانس بدون آنکه ذکر از نام کشورهای شوروی و ویتنام به میان آورد، خواستار خروج نیروهای خارجی از افغانستان و -

کامبوج شد.

سلاح های هسته ای

یکی از بیانیه های کنفرانس اخیر که در اس صورت جلسه قرار داشت مسئله مربوط به سلاح های هسته ای بود. کنفرانس مصرانه خواستار قطع فوری تولید و گسترش سلاح های هسته ای شد و اضافه نمود که مسئله سلاح های هسته ای در نقاط مختلف جهان باید زیر نظر و کنترل نیروهای بین المللی انجام گیرد.

نژاد پرستی و صهیونیسم

دومین مطلب مهم بر غوره شده شرکت کنندگان به مسئله نژاد پرستی و صهیونیسم بود. تمام کشورهای شرکت کننده خواستار حمایت از مردم آفریقا و افرایش کمک های نظامی، مالی و انسانی به جنبش های آزادی بخش شدند. همچنین کنفرانس طی - بیانیه ای خواهان حمایت کامل از سوآپو (SWAPO) و تشکیل فوری دولت مستقل نامیبیا که تماما خارج از کنترل کشور آفریقای جنوبی باشد، شد. این بیانیه همچنین خواستار بیرون رفتن فوری و بدون قید و شرط نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان و فلسطین سرزمین اشغال شده اعراب از سال ۱۹۶۷ شده

اعدام در ملا عام!

گزارشی از هند



بود و در واقع حکومت نظامی غربانی بر شهر مسئولی بود بطوریکه این مسئله بخودی خود همه تلاش‌های دولت هند را در جهت ترقی و زیبائی شهر غنئی کرده بود.

مقتضی کنفرانس جنبش غیرمتممهند از تاریخ ۷ تا ۱۲ مارس با شرکت سراسر جهان برگزار شد. دولت هند از مدت‌ها قبل تدابیر امنیتی بسیار شدیدی را تدارک دیده بود. کلیه خیابانهای اطراف محل کنفرانس و محل اقامت شرکت کنندگان تحت محافظت و در اکثر موارد سنگر بندی شده بود. رفت و آمد در این نقاط ممنوع گشته و راههای ورود و خروج از شهر دهلی به نحو بسیار دقیقی تحت کنترل پلیس بود. یک هفته قبل از آغاز کنفرانس قانون منع اجتماعات بیش از ۵ نفر در تمامی شهر دهلی به اجرا گذاشته شد. به ایرانی‌های مخالف نیز کتب دستور داده شد که از تاریخ ۱۸ فوریه تا ۱۵ مارس از محل اقامت خود خارج نشوند و در مقابل تعداد زیادی از مطالب سکونت ایرانیان مقیم دهلی پلیس شبانه روز کشیک میداد و در تمامی طول روز فقط نیم ساعت اجازه داشتند که همراه پلیس جهت خرید احتیاجات روزمره به بازار بروند. اتباع دیگر کشورهای همکمان تحت کنترل قرار گرفته بودند. مقامات هندی تهدید کردند که نقش این فواین منجر به اخراج بدون وقفه از کشور هند خواهد شد. دهلی نو محلی از پلیس و گاردهای ویژه

ملیرغم تمامی موانع فوق سازمان دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برگزاری برنامه‌های افشاگرانه را در چنین شرایطی به‌خاطر وظیفه‌های ضروری ارزیابی نمود و با اتحاد عمل با هواداران سازمان راه کارگر و وحدت کمونیستی برنامه‌های زیر را به اجرا گذاشت:

۸ مارس معادف با روز جهانی زن، اکتان از رفقای زن با وجود کنترل شدید پلیس خود را به حدود صد قدمی محل کنفرانس رساندند و قبل از کوچکترین ممکن عملی از طرف پلیس، خود را به میله‌های میدانی که در محل واقع است زنجیر نمودند و با دادن شعار و پخش اعلامیه به افشاگری پرداختند. مدتها پلیس ضد شورش که در ابتدا مات و میبهوش گشته بودند، آنها را به محاصره درآوردند و درحالیکه سعی می‌نمودند جلوی دهان رفقا را بگیرند، درصدد پاره نمودن زنجیر برآمدند. اما چون تلاششان بی نتیجه ماند، میله‌های میدان را از جای کشند و رفقا را با میله‌های گوشه‌های بان بردند. رفقای زن با خلایق دوباره خود را به دور درختی که در آن نقطه بود، زنجیر به‌بقیه ترصافه ۶۹

تحت سلطه روزافزون استبداد نیکاراگوئه بعنوان رئیس کمیته اقتصادی "جنبش مردم متحد" انتخاب شد. نماینده الجزایر در کنفرانس اعلام نمود که: مشکل کنونی ما قدرت‌های شرق و غرب نیست، بلکه این است که چگونه فضای روزانه خود را تهیه کنیم. کنفرانس، "بانک جهانی" و "مندوق بین المللی پول" را وسیله‌ای در دست کشورهای پیشرفته امپریالیستی قلنداد کرد که از پانصد میلیون دلار "ظلمی" که از کشورهای تحت سلطه و صید در زنجیره سیستم جهانی سرمایه دارند بعنوان اسلحه علیه خود آنها استفاده میکنند. کنفرانس اذعان نمود که در حال حاضر کشورهای تحت سلطه ۵۴۰ میلیون دلار به بانکهای جهانی "مقروض" اند که سالانه مبلغ ۱۰۶ میلیون دلار بهره به این بانکها می‌پردازند. از این مبلغ، بیش از ۴۰۰ میلیون دلار مربوط به کشورهای آمریکا و لاتین است.

کنفرانس بدون آنکه محل اجلاس آینده را مشخص نماید، پس از یک هفته به کار خود پایان داد.

از جانب آمریکا گردید. کنفرانس آمریکا را متهم به مداخله نظامی در البالوادور نمود. در مجموع طی کنفرانس امپریالیسم آمریکا ۲۰ بار ریخاطر سیاستهای تجاوز کارانه اش محکوم گردید.

جنگ ایران و عراق

یکی دیگر از مسائل بحث انگیز کنفرانس جنگ ایران و عراق بود که کنفرانس خواستار مذاکرات فوری طرفین و پایان دادن به جنگ شد. فیدل کاسترو در زمینه اختلافات ایران و عراق، جانب عراق را گرفت.

همچنین کنفرانس خواهان حل مسئله صحرای غربی، خروج نیروها از قبرس و حمایت از حقوق قانونی مردم شیلی برای برگرداندن آزادی‌های اساسی و حقوق اولیه انسانی و دفاع از سیاست مستقل آفریقا - رئیس جمهور شیلی، سالوادور آلنده شد.

بخش اقتصادی

سیاست‌های مربوط به بخش اقتصادی به مراتب گسترده‌تر از بخش سیاسی آن بود. ظاهراً به این دلیل که مشکلات اقتصادی کشورهای

و اقتصاد سازمان آزادیبخش فلسطین (۲۵۰) را بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین مورد تأیید قرار داد. کنفرانس آمریکا را مسئول فراهم نمودن زمینه برای قتل عام مردم فلسطین و لبنان دانست. در همین رابطه کنفرانس حمله هوایی اسرائیل را به تأسیسات انسانی عراق بعنوان یک عمل ترور - پستی محکوم نمود.

آمریکا مرکزی

مسئله دیگر مورد بحث در کنفرانس اخیر کشمکش‌های موجود در قاره آمریکا (جزایر کارائیب و آتلانتیک جنوبی) بود. بهانه کنفرانس در این زمینه کشمکش‌های موجود ناشی از دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه دانست. تهدید علیه نیکاراگوئه را طرح حساب‌شده‌ای دانست که به منظور غصب زمین و ایجاد نا امنی و بی ثباتی در این کشور فراهم گردیده است. بهانه در این رابطه خواستار قطع تمام مملیات خصمانه و تجاوزگرانه علیه کوبا و حقوق مردم پورتوریکو برای تعیین سرنوشت خود و همچنین رعایت کامل معاهدات که با اینها

سفر پاپ به امریکای مرکزی

تلاشی مذبوحانه در جهت فریب توده‌ها



السالوادور، صدها هزار نفر شوشه‌آلوده موعظه پاپ در باره صلح بودند. در السالوادور تحت کنترل شدید نظامی و زیر تیغ سرکوبگران سنان پاپ که از مردم برای برقراری صلح دعوت می‌نمود جالب توجه بود زیرا که او برای چریک‌های السالوادوری هیچ نقشی قائل نشده و از مردم نیز می‌خواست که از هیچگونه مبارزه‌ای حمایت نکنند، در صورتیکه اسقف اعظم السالوادور که دوهفته پیش از سفر پاپ به السالوادور از سوی وی انتخاب شده بود اعتراف نمود که اگر طبعی در میان باغد باید حتماً (چشمه آزاد می‌باشد) قرار بدهد و مارشی) یک پای مذاکره باشد.

در کل پاپ طی سفره روزانه به آمریکای مرکزی سعی نمود که بوسیله استفاده از نفوذ روحانیون و اعتقادات مذهبی مردم در منطقه راه انقلاب را که مردم خود طی تجربه و منطق دریافته‌اند به انحراف بکشد.

رغم به درون توده‌ها و منحرف کردن مسیر انقلاب آنان از کمال مذهب در ایران نمونه زنده و آموزنده‌ای است که جنبش‌های آزادی‌بخش جهان باید از آن درس گیرند. جدایی دین از دولت باید از ابتدا یکی از اهداف هر انقلابی باشد. انواع و اقسام فشارهای سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که اکنون توسط جمهوری اسلامی در ایران تحت لوای مذهب و با تکیه بر "توح" بر توده‌ها اعمال می‌شود ملموس‌ترین تجربه‌ایست که در حال حاضر باید ممیقا مورد توجه جنبش‌های آزادی‌بخش در کل و آمریکای مرکزی بطور خاص قرار گیرد.

که در کونستاریکا گرد آمده بودند، خواستار مسیح می‌باشند از طریق مذهب و حول توده مسالمت‌آمیزی برای "تغییر" اجتماعه شد!! پاپ در سفرش به سیکارا گوشت، در حین سفر سعی به خیال خود سعی نمود که به رهبران مذهبی طرفدار دولت و ساندیسمتها تفرقه بیندازد، اما موفق نشد. مردم نیز که بطور مفر پاپ اجتماع کرده بودند نسبت به سنان وی کاملاً بی‌اعتنا بوده و در حین سخنرانی فریاد می‌زدند: "قدرت در دست توده‌هاست" و بدین ترتیب پاسخ مناسبی به توطئه او نداشتند.

در ادامه سفر پاپ به گواتمالا و -

از همان زمانی که پاپ بر خاک کونستاریکا بنوع زده، از یک الترماتیمو "بشیر" برای فقیران و بخش مذهب در این رابطه سخن به میان آورد. وی با دست‌آویز قرار دادن مقوله‌ای بنام "نقش موقی بشیر"، بدون آنکه کوچکترین اشاره‌ای به مسیحی‌آین و نقش امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا در این امر کند، تلاش مذبوحانه‌ای را برای تحمیل توده‌ها از کمال مذهب آغاز کرد.

در رابطه با انقلاب پیروزمند نیکاراگوئه و جنبش‌های آزادی‌بخش در منطقه، وی در پیامی به ۶۶ اسقف از کشورهای مختلف

هفتمین کنفرانس بقیه از منته ۲۹

نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس

بین صدها نفر از اعضای هیئت‌تعمادگی کشورهای مختلف، نمایندگان جمهوری اسلامی با تداکارت‌خواوان نظامی از جمله ارسال یک فروند هواپیمای باری نظامی با ۱۶ گنبدوی ارتشی و اتوموبیل‌مدگلوله وارد دهلی نو شدند. هواپیمای نظامی رژیم جمهوری اسلامی تلاش نمود که بطور پنهانی در دهلی فرود آید تا مردم در "محبوبیت" آنها شک نکنند. بهر حال عمل "ری" رژیم ایران، مسئله ارسال یک هواپیمای نظامی را بیشتر طعنه‌آمیز کرد و علیرغم انتظار بران رژیم جمهوری اسلامی، اکثریت غیرکزاری‌های جهان که با دست‌های نظامی‌پنجه‌ای بار هم در آنها می‌نوازد کردند و ماهیت عمل آنها -

آنها قادر شدند با پوشش‌های با اصطلاح دفاع از "خلق" ها و کشورهای "مترقی" آثار چنانچه چهار ساله خود را از دید جهان‌بینان پنهان دارند. بطوریکه با نظام تلاشی که بکار گرفته‌اند قادر نشده‌اند حمایت‌کشورهای مترقی را حتی در رابطه با جنگ ایران و عراق جلب‌کنند و فیدل کامیترو رسماً جایزه عوای را گرفت. در سایر زمینه‌ها نیز نمایندگان ایران کاملاً ایزوله باقی‌مانده و رژیم تنها توانست در روزنامه‌های داخلی واصله به خود مدعی پیروزی و دستیابی به "حیثیت جهانی" شود و سعی کرد بهانه‌ها و تصمیمات تمثیل و مترقی کنفرانس را به نحوی که جای گریز باشد به خود نسبت دهد. شاید از این منظره طرفی بیند.

روشنتر گردید. این "نمایندگان" حرف تنها در داخل ایران نیست که با بشوهای غولگوله و معافین مسلح رفت‌وآمد میکنند، آنها بخوبی میدانند که بخدی منفور هستند که تدارکات امنیتی پلیس هند برای آنها کافی نیست. به‌این با خود محافظ مسلح و اتوموبیل‌مد گلوله را نیز از پستی‌تدارک دیده بودند.

ابتدا فرار بود که در راس هیئت نمایندگان جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهور - (خامنه‌ای) فرار گیرد، اما ناگهان یک‌روز قبل از برنامه بدون توضیح، نخست‌وزیر - موسوی را بجای او فرستادند. در این کنفرانس از جمله موسوی نخست‌وزیر و ولایتی، وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی تلاش کردند جمهوری اسلامی، اکثریت غیرکزاری‌های جهان که با دست‌های نظامی‌پنجه‌ای بار هم در آنها می‌نوازد کردند و ماهیت عمل آنها -

★★★★★



بشمال همین گراس "وال اشتریت زورنال" می‌نویسد: در تاریخ ۶ آوریل تظاهرات گسترده با فتنه‌های بی‌رویه و آسرو کشیده شد. مردم به ادارات دولتی حمله کرده، سارات زیادی وارد آوردند. در همین روز مردم به طور پراکنده‌ای شهر نیز حمله کرده، مواد غذایی را مصادره و بین خود تقسیم کردند.

بدین حال حمله پلیس به صفوف تظاهرات چندین نفر کشته ۱۲۵۰ نفر زخمی و ۶۰۰ نفر دستگیر شدند و چندین میلیون دلار خسارت وارد شد. برزیل در وضع اقتصادی سیار بدی بسر می‌برد. تورم نسبت به سال گذشته ۴۰۰ درصد شده است. بیکاری افزایش یافته و به ۱۴ درصد رسیده است. "وال اشتریت زورنال" پیش‌بینی می‌کند که این رقم به ۱۸ درصد افزایش خواهد یافت. مطابق همین منبع بیشتر از نصف جمعیت شغل، معادل ۲۱ دلار در هفته یا ۳۰۵ دلار در روز یعنی ۳۸ سنت درآمد دریافت می‌کند. برزیل در حال حاضر مبلغ ۸۸ میلیون دلار به بانکهای جهانی مقروض است.

حزب دمکرات آمریکا با لاف و با حق در دادن به کاندیدا کردن یک فرد سیاهپوست "رادیکال" سعی دارد خشم فزاینده و روست سیاسی شدن سیاهپوستان آمریکایی را زیرکانه زیر کنترل سیستم دو حزبی بورژوازی آمریکا درآورد، بود که فعلاً در انتخابات شیکاگو شرکت کرده و به نفع هارولد واشنگتن رأی دادند تا در واقع از حق — بورژوازی سیاهپوستان دفاع کنند و علیه سیج سزاد — پرستانه‌ای که از طرف نیروهای فوق راست دارودسته رنگارنگ دامن زده میشود ایستادگی نمایند و در عین حال از جو فعال سیاسی بوجود آمده در بین سیاهپوستان شیکاگو برای زمینه‌سازی و سازماندهی مبارزات آتی در — جبهه مفرقی و مشتعل از احزاب بورژوازی، استفاده جویند. ☆☆☆

برزیل

بقیه از صفحه ۲۲

در روز ۲۲ آوریل دهها هزار نفر از کارگران شهر ساوپولو برزیل که بزرگترین شهر این کشور با جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر است، در اعتراض به بیکاری و تورم دسته به یک اعصاب چند روزه زدند. رئیس پلیس این شهر اعلام داشت که ده هزار پلیس مدخوری جهت سرکوب کارگران بسیج شده است. آخرین اخبار واسطه حاکی است که این تظاهرات در مناطق کارگر نشین به مناطق دیگر گسترش یافته و بمورنی خوسه ادامه دارد.

ماه قبل نیز به دنبال افزایش قیمت کرایه اتوبوسهای داخل شهر تظاهرات وسیعی در شهر ساوپولو انجام گردید که منجر به آتش کشیده شدن دهها اتوبوس و حمله و حشانه پلیس به تظاهر کنندگان شد.

تلفن های خبری سازمان آمریکا و کانادا	
لوس آنجلس	۲۸۱-۰۹۹۰ (۲۱۳)
غربالوس آنجلس	۲۹۱-۲۲۱۸ (۲۱۳)
شیکاگو	۲۲۸-۷۸۹۲ (۲۱۲)
نیویورک	۲۵۲-۹۲۵۲ (۲۱۲)
هوستون (تکراس)	۹۲۳-۷۱۶۲ (۷۱۳)
واشنگتن	۸۲-۱۹۰۷ (۷۰۳)
برکلی	۵۲۸-۶۱۰۰ (۲۱۵)
میامی	۸۹۱-۴۳۹۹ (۲۰۵)
بشن روز (لوس آنجلس)	۲۸۷-۲۲۲۶ (۵۰۲)
ساندیاگو	۲۶۲-۲۹۰۷ (۶۱۹)
اکلهم	۳۶-۴۵۲۶ (۲۰۵)
دالاس - آرلینگتون	۲۶۱-۲۰۲۰ (۸۱۷)
دنتون (تکراس)	۲۸۲-۲۲۲۲ (۸۱۷)
سیاتل (واشنگتن)	۵۲۲-۲۲۲۴ (۲۰۴)
تخمی (آریزونا)	۸۹۲-۱۰۰۴ (۶۰۲)
مونتreal (کانادا)	۹۳۳-۱۳۳۲ (۵۱۲)
تورنتو (کانادا)	۶۵۲-۲۲۸۲ (۲۱۶)

شیکاگو به نژادپرستان رای منفی داد

چند کاندیداها نبود، بلکه همانطور که شعار نژاد پرستانه اینتون حکایت می‌کرد، "به اینتون رای دهید، فلان را اینکه دیگر غلبی دیر شود" (یعنی سیاهپوستان به قدرت برسند) مسئله اصلی بر سر شکست نژاد پرستانه و وارد کردن سیاهپوستان — که ۱۴٪ جمعیت شیکاگو را تشکیل می‌دهند — در مایش سیاسی و دولتی این شهر بود. ترکیب رأی ها نیز بخوبی شدت قطعی شدن رأی ها بر اساس وابستگی نژادی را نمایان می‌دارد بطوریکه تقریباً ۱۰۰٪ سیاهپوستان ۱/۲ رنگین پوستان و ۹۰٪ سفید پوستان (که در واقع شامل نیروهای چپ و مفرقی و ضد نژاد پرستی میشد که نقش تعیین کننده‌ای در سرکوب انتخابات داشتند) به نفع واشنگتن و ۸۰٪ سفیدپوستان شیکاگو به نفع اینتون رأی دادند.

موضع و نقشی که نیروهای چپ و کمونیست های آمریکایی در این انتخابات داشتند خود تجربه آموزنده و قابل توجهی است برای جنبش کمونیستی در برخورد به موارد مشابه آن. کمونیستهای انقلابی آمریکا — هیچگونه تردیدی در ماهیت بورژوازی — امپریالیستی هارولد واشنگتن، با آگاهی به اینکه انتخاب یک شهردار سیاهپوست — لبرال با وجود تمام برنامه ها و وعده های "چپ" او نمیتواند از چهار چوب یک رفوم — بورژوا — امپریالیستی خارج شود و با آگاهی به اینکه

در انتخابات پز سروصدای شهر شیکاگو جهت انتخاب شهردار جدید، برای اولین بار یک سیاهپوست سرنده شد. نتیجه این انتخابات نه تنها برای سیاهپوستان آمریکا، بلکه برای نیروهای مفرقی و چپ این کشور نیز از اهمیت خاصی برخوردار بود. چرا که در واقع این مسئله نژادپرستی بود که به توجیه به سطر تاریخی آن، خانه در شهر بزرگ شیکاگو، به متارزه طلبیده شده بود. در — پروسه این انتخابات وادوسنها و تلاش های متعددی صورت گرفت (از جمله حتی دست به یکی شدن بخشی از دمکرات ها با جمهوری خواهان) تا بهر وسیله شده از کاندیدا توری هارولد واشنگتن که یک سیاهپوست غوثی وجه و لبرال است، جلوگیری شود. اما فشار سیاهپوستان و مبارزات گروه های مختلف توانست هارولد واشنگتن را در مقابل برنارد اینتون، یک کاندیدای سفید پوست مینیسو و محافظه کار و دست راستی از حزب جمهوری خواهان، قرار دهد. مردم آمریکا که از سازبها و مبارقات انتخاباتی خسته شده اند برخلاف همیشه دعالت فعال و توجه زیادی در پروسه این انتخابات نشان دادند. بطوریکه بیش از ۸۵٪ حائزین شرایط در رأی گیری شرکت جستند و بالاخره هارولد واشنگتن با ۵۲٪ آرا، پیروز شد.

در این انتخابات مسئله بر سر وابستگی حزبی یا صرفاً شعارها و وعده های راست یا

فرار از جنگال دژخیمان رژیم

سوشه زیر گزارش کوتاهی است از زبان یک پیشمرگه فدایی که در تاریخ ۶۱/۱۰/۶ به دست مزدوران رژیم اسیر شده ولی پس از تحمل شکنجه فراوان موفق شد از جنگال آنها بگریزد. ما برای معرفی بیشتر ماهیت دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی، مواردی به درج آن می‌نمایم.

در تاریخ ۶۱/۱۰/۶ ساعت ۱۱/۵ در مسیر جاده سقز-سوکان در محل بازرسی وسط راه - (بازرسی بدنی)، محموله‌ام بدست پاسداران افتاد تا بخواهند آنرا بازگشت فرار کردم و مزدوران به رگبارم گرفتند ولی احابت نکرد، به آمادی نزدیک جاده رفتم پاسداران سرمایه در آنجا از قبل کمین کرده بودند و دستگیرم نمودند. به اطافک کوچک و نارنگم بردند، جیب‌هایم را خالی و بازدید بدنم نمودند. محموله را آنجا باز کردند آنوقت دانستند که کمونستم و خیلی پراشار مهم بودم. به شهر تلغن زدند برای نیروی گمنامی و چون مزدوران در مسیر جاده گشت می‌زدند زود و بموقع رسیدند. با دستمالی چشمام و تشنه‌ام را از پشت سفتو محکم با طنابی بچند چنانکه بعد از چند روز - هنوز جای سرج شده طناب باغی بود. مرا با آن وضع بیرون آوردند به قصد بردن به شهر و رهبر لگد و مشت گرفتند چنان کردند که بی رمق بر زمین افتادم. بعضی از مزدوران در آن لحظه قصد کشتم را داشتند ولی بقیه مخالفت نمودند در جواب آنها گفتند که حیفاست هم‌مطرباده با یک‌تیر سمیرد. با مشت، لگد و دشنام سوار ما شینم نمودند تا به زندان دهانشات که هم مرکز پایگاه عملیاتی است و هم اعمال فاشیستی آنها معروف بود، انتقال دهند. زیرا افراد آنجا را اداره می‌کردند که برادر و با کسی در کردستان به‌خصوص شهر سقز کشته داده بودند و کشته‌ای معین نسبت به خلق

نشا پنجره‌اش شکسته و در بزرگ و آهنیش را بخ گرفته بود و در گوشه‌ای چند پنجره برای فروش کردن و زینت خواب‌زدان افتاده بود. از همان لحظه ورودم شکنجه شروع شد. سرهایم تکه داشتند. بالب دست (کارتک) از روبرو به اطراف (چپ و راست) گردنم می‌زدند چنانکه برق از چشمام می‌پرید.

خود را به زمین می‌انداختم تا کمتر بخورم ولی باید زود بلند می‌شدم و تا بلند شدن با نوک کفش سروصورت را نشانه می‌گرفتند بعد از یک ساعت که گردنم باد کرده بود و سردرد و سرگیجه گرفته بودم بحال خود رها می‌کردند. روحیه مقاومت برآتم می‌داشت.

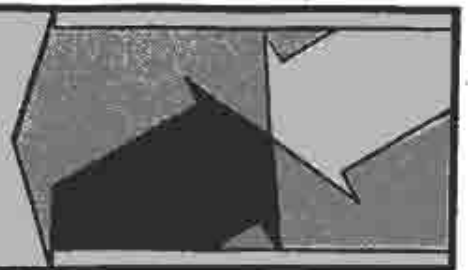
... از همان لحظه ورودم شکنجه شروع شد. سرهایم تکه داشتند با لب دست (کارتک) از روبرو به اطراف (چپ و راست) گردنم می‌زدند چنانکه برق از چشمام می‌پرید. خود را به زمین می‌انداختم تا کمتر بخورم ولی باید زود بلند می‌شدم و تا بلند شدن با نوک کفش سروصورت را نشانه می‌گرفتند.

در آبادی موقع سوار شدن ماشین صدای گریه و ناله مردی بگوش می‌رسید که رژیم کتک مزدوران گریه می‌کرد و میگفت بعدا والله من کا وگرم چار تا بچه دارم. من مسافر و لی با لگد با کتکش می‌کردند. سرکوبگران خود کاملاً واقف هستند که در میان خلق پایگاهی ندارند، توده‌های مردم را دشمن خود می‌دانند. مردم هم دشمنی جمهوری اسلامی را با رگ و پوست خود احساس کرده اند و در قتل خلق بودن پاسداران رژیم کوچکترین شکی ندارند، چنین بود که تمام مسافرین ماشین سواری را هم دست و رقیق من بحساب می‌آوردند. چهار نفر مسافرین هرطور بود رفته بودند یکی از آنها همراه من دستگیر شده بود و همه‌اش از من می‌خواستند که آنها را معرفی نمایم در صورتیکه اصلاً آنها را نمی‌شناختم.

زندانیان گاراژ ماشین بود که شیشه‌های

بقیه در صفحه ۸۴

دیدگاهها



بمنظور پیگیری امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله با مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

نقدی بر تئوری "سوسیال امپریالیسم"

بخش دوم این مقاله در سه بخش ارائه میگردد

کمون پارسی هم بعد از چند ماه بوسیله بورژوازی درهم کوبیده شد. همین نیز از سال ۱۹۱۲ تا زمان سرکشی مرتضی از خطر ضد انقلاب و اصولاً از خطراتی که ضعیف اولین دولت سوسیالیستی جهان را تهدید میکرد سخن میگفت. وی معتقد بود که اغتباهاات کمونیستها در ابامی که هنوز بورژوازی کاملاً درهم شکسته نشده است نمیتواند به شکست انقلاب منجر شود. به اعتقاد ما این خطر تا اوایل دهه ۱۹۳۰

که هنوز اقتصاد سوسیالیستی کاملاً شکل نگرفته بوده هنوز وجود داشت. ولی سرنگونی نظام اقتصادی - اجتماعی سوسیالیستی در شوروی که بنا به اعتقاد بهکار بطور اساسی در سال ۱۹۲۳ مستقر شده بوده بدون کاربرد قهر و غنا انقلابی از جانب بورژوازی امکان پذیر نیست. چگونه میتوان تصور کرد که طبقه کارگر شوروی که سنگ بنای اولین دولت سوسیالیستی را گذاشته بود و تا زمان استالین به اعتقاد بهکار در قدرت بوده قدرت سیاسی را بدون هیچگونه مقامی به یک مشت پوزر و امپریالیست "اتلیم کند؟! چگونه میتوان تصور کرد که کارگران و زحمتکشان شوروی نابودی نظام اقتصادی نوینی را که انقلابی در زندگی اجتماعی -

تا بحال سازمان بهکار هرچند در "سوسیال امپریالیسم" در ایران بوده اما تا زمان موجودیت این سازمان هیچگاه تحلیلی مستدل بر این ادعای خود نتوانست. بعد از سازمان بهکار امروز کومله (سازمان زحمتکشان کرمان) هنوز به این تئوری معتقد مانده است پس آنکه کوچکترین تحلیل مشخص و علمی بر این موضع خود ارائه ندهد. باید از آنجا تکیه ما معتقدیم موضع گیری یک سازمان سیاسی در هر زمینه الزاماً باید بر مبنای تحلیل مشخص استوار شده باشد. با نگاهی این مقاله از کلیه معتقدین به این تئوری میگویم که نظرگاه خود را در این رابطه ارائه نهند. اگر چه این مقاله عمدتاً به نقطه نظرات سازمان بهکار اشاره میکند ولی بیشک شامل تمام تئوریهای سیاسی موسوم به خط ۳ نمیشود.

سرمایه داری در شوروی یک "واقعیت" است به ناچار باید از این نظریه ضد علمی که هر چه تکاملی تاریخی به عقب برمیگردد سرخترانه دفاع کنند. تاریخ نشان میدهد که هیچ نظام اجتماعی - اقتصادی را بدون توسل به قهر و غنا انقلابی نمیتوان به عقب برگرداند. احیا سرمایه داری در شوروی تنها در صورتی امکان پذیر بود که دولت سوسیالیستی یا در جنگهای داخلی بعد از انقلاب اکتبر شکست میخورد و یا در جنگ جهانی دوم بوسیله امپریالیسم درهم شکسته میشد. دولت شورائی فنلاند و دولت یورائی مجارستان که همزمان با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بوجود آمده بودند در سال ۱۹۱۸ به وسیله ضد انقلاب داخلی سرنگون گردیدند. اولین تجربه دیکتاتوری پرولتاریا در

واقعیت این است که نمیتوان متکسر اثرات انحرافات رومیزیونیستی - حزب کمونیست شوروی بعد از سال ۱۹۵۶ بر روی مسائل اقتصادی - اجتماعی جامعه شوروی مد و رفرمهای رومیزیونیستی سال ۱۹۶۵ نیز اگر همچنان ادامه پیدا میکرد میتوانست اثرات مغربی بر اقتصاد شوروی بجای گذارد. اما این مسئله که غلبه رومیزیونیسم (یعنی عامل روبنائی) باعث شد که اقتصاد سوسیالیستی که بنا به اعتقاد بهکار "سال ۱۹۲۳ بطور اساسی در اتحاد جماهیر شوروی مستقر" گردیده بوده به اقتصاد سرمایه داری مبدل شود برای کسی که به مارکسیسم معتقد باشد قابل قبول نیست.

مطافان تئوری احیای سرمایه داری در شوروی برای آنکه ثابت کنند که احیای

اقتصادی آنها ایجاد کرده بود نظام را
کننده اما هیچگونه عکس العمل و اعتراضی
از خود نشان ندادند! کدام سند تاریخی
حکایت از مقاومت فیهرا آمیز و حتی -
اعتراضات سیاسی مسالمت آمیز کارگران
در مقابل با اصلاح سوسیال امپریالیستها
که کارگران را به شدیدترین وجهی
"استثمار" میکردند، میکند؟!

تاریخ نشان میدهد که در هیچ کجای
دنیا برگشت آرام و تدریجی يك نظام
اقتصادی - اجتماعی متمدن به نظام -
اقتصادی - اجتماعی عقب مانده تر و
ارتجاعی تر بوقوع نیامیسته است.

معتقدان به تئوری سوسیال امپریالیسم
که تحت لوای مارکسیسم - لنینیسم چنین
مسئله ای را ابراز میدارند، در واقع
دیدگاه ضد تکاملی خود را به نمایش
میکذارند. کسی که درک از تاریخ جوامع
بشری و تاریخ مبارزات طبقاتی با عبده
وقتی سخنان طرفداران تئوری سوسیال
امپریالیسم را می شنود که نظام سرمایه
داری با کودتای غروشیف منقرض گردید (۱)
نمی تواند به غیر علمی بودن این نظر به
دیده تحقیر نگردد. اصولاً ترك آنها از
سوسیالیسم نه بر معیار رشد نیروهای
مولده و دگرگونی مناسبات تولیدی و
تسلط قدرت سیاسی پرولتاریا و روابط
دیالکتیکی این دو با یکدیگر، بلکه بر
مبنای عنصر سیاسی و رهبری استوار است.
آنها سوسیالیسم را نه زائیده شرایط
عینی و ثمره تلاش کارگران و زحمتکشان و
بلکه زائیده لیاقت و تعیگی رهبران
سیاسی میدانند. از اینروست که آنها از
سوسیالیسم لنین و استالین در مقابل

"سوسیال امپریالیسم غروشیف" نام میبرند
(به کار تئوریک - سیاسی ۲ - صفحه ۲۷۲).
بزعیم آنها اگر لنین و استالین در رهبری
قرار گیرنده جامعه سوسیالیستی است و
اما اگر غروشیف بقدرت برسد جامعه
سرمایه داری میشود! حال نقش طبقه کارگر
و توده ها در این میانه چیست. به آن
ابدا اشاره ای نمیشود. البته ما متکسر
نقد ارزنده لنین، استالین و حزب
کمونیست شوروی در پروسه استقرار سو -
سیالیسم در شوروی نیستیم. با اینحال
انقلاب سوسیالیستی را در درجه اول نتیجه
عرايط عینی و کار توده ها میدانیم.

"تحقیقات علمی"

دام رویزیونیسم

سازمان به کار و حزب کار آلبانی
و دیگر معتقدان به تئوری ارتجاعی
سوسیال امپریالیسم عملاً در استدلالشان
از این حد نمیتوانند فراتر روند:
"تسلط رویزیونیسم یعنی احیای سرمایه -
داری! رفقای به کار که واقعیات را
مخالف پندارهای خود می بینند، متکسر
تحقیقات علمی میشوند و به هر که برای
اثبات پوچی نظریه احیای سرمایه داری
در شوروی از فاکت و آمار عینی استفاده
میکند، بدو بیراه میگویند. برای آنکه
عمق انحراف آنها را بشکافیم، این -
مسئله را عیناً از آنها نقل میکنیم:
"برای کسی که در برخورد به مسئله
سوسیال امپریالیسم از يك متد دیالکتیکی
پیروی کند و نه از عیوه بویزیونیستی و
برای چنین کسی (جریانی) غری شدن در
تحقیقات علمی جامع الاثرات حول واقعیت
جامعه شوروی در عرايط حاضر به مفهوم
افتادن به دام رویزیونیستها و غلبه
- لایح شدن در مقابل تهاجم ایدئولوژیکی

آنهاست. باید نهت خود با فرا گرفتن
يك حد اقل مبانی تئوریک این تئز -
مارکستی به آن معتقد شد و سپس
آنها در میان توده ها تبلیغ نمایم..."
(به کار تئوریک - سیاسی ۲ - صفحه ۲۷۱).
در حقیقت رفقای به کار به عیوه
ایده آلیست های منعی و معتمین از -
هواداران خود میخواهند که بدون چون و
چرا کردن و تحقیق علمی به تئوری
سوسیال امپریالیسم "ایمان" بیاورند و
سپس آنها در میان توده ها تبلیغ کنند!
از این مدعیان مارکسیسم می پرسیم که
آیا متد دیالکتیکی میگوید که برای
شناخت پدیده ها آنها را باید بو کشید؟!
با اینکه پدیده ها را باید بر اساس
واقعیات و اطلاعات موجود در باره آنها
تحلیل کرد؟! رفقا حق دارند که ضمنی
خود را با تحقیقات علمی و آمار آشکار
کننده زیرا واقعیات موجود در باره -
اردوگاه سوسیالیسم بحر متحد -
"دیالکتیکی" آنها را باطل میسازد!
آنها حق دارند که دست پاچه شوند و
هواداران خود را از ترك درست و علمی
در مورد مسئله شوروی برحذر دارند زیرا
واقعیات دند آنها را هر روز نسبت به
مسائل روشن تر میکند.

رفقای به کار همچنین سعی می کنند با
تعریف واقعیات، از مارکس، انگلس
و لنین آنارشیستهای متعارفی چون خود
بسازند. آنها اینطور وانمود میسازند که
مارکس و لنین به انحرافات رویزیونیستی
تنها از دیدگاه طبقاتی برخورد میکردند و
تحقیقات علمی را برای ایزوله کردن این
انحرافات لازم نمی شمردند! به کار چند
صفحه را به بحث در باره کتاب "ما تریا -
لیسم و امپریالیسم لنین و نقد

آن در مبارزه با انحرافات مائستی (۱) درون جنبش سوسیال دموکراسی روسیه و اختصاص میدهد. جان کلام آنها این است که لنین "هرگز از يك زاویه معرفتی و آکادمیک به ظهور پدیده مائسم و انحلال طلبی برخورد نمیکرد بلکه آنها نتیجه يك جریان طبقاتی میدانست" (همکار تشویک - سیاسی ۲، صفحه ۳۴). قسمت دوم این عبارت کاملاً درست است. ما با رفقای همکار کاملاً موافقم که مائسم و انحلال طلبی نتیجه يك جریان طبقاتی است. اما قسمت اول این عبارت که مدعی میشود که لنین هرگز از زاویه معرفتی و آکادمیک به ظهور پدیده مائسم و انحلال طلبی برخورد نمیکرد، تحریف لنینسم است. همکار این حقیقت را کتمان میکند که لنین دست به تحقیق علمی نامندوباری در مورد مائسم زد. منتها تحقیقات علمی او (بزم همکاره "تحقیقات آکادمیک") از موضع يك مارکسیست بود. خود وی در مقدمه کتاب "مائریالیسم و امپریوکریسیسم" میگوید: "من نیز چوپندهای در فلسفه هستم. بدین معنی که خود را موظف کردم در این یادداشتها بیايم که افرادی تحت نام مارکسم این چیزهای مفقود، سردرگم و ارتجاعی را بخورد ما میهند، اشکالمان در کجاست"

۱- ارنست ماخه فیزیکدان و فیلسوف آلمانی و مشهورترین نماینده امپریوکریسیسم معتقد بود که آنچه برای انسان قابل شناخت و استناد است فقط احساس است. او مائریالیستها را سرزنش میکرد که چیزی تصور ناپذیر و ناشناخته، یعنی "ماده" و عیسی فی نفسه را قبول دارند.

(صفحه ۲- ترجمه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران). (باید رفقای همکار متوقع هستند که برای رد فلسفه ایدئوآلمستی مائسم مریاست از آمار و ارقام استفاده کرد (۲) اما علیرغم انحصاری رفقای همکاره لنین برای اثبات ماهیت اقتصادی امپریالیسم دست به تحقیقات علمی نامندوباری زد و اکثر اطلاعات خود را از مطبوعات و آمارهای بورژوازی - بدست آورد. وی در بحرانی ترین لحظات جنگ جهانی اول، مدت زیادی از وقت خود را به این کار اختصاص داد. انگلس نیز دست به تحقیقات علمی مفصلی زده تا اثرات انحرافی فلسفه عصر مارکسیستی چون اوگن دورنیک را بر جنبش سوسیال دموکراسی آلمان بزداید. برای اینکار انگلس تحقیقات علمی جامعی را در مورد فلسفه و علوم طبیعی و علوم اجتماعی و اقتصاد بعمل آورد. وی خود نیز مقصود آنتی دورینگ در این مورد میگوید: ".... بنا براین ضروری بود که در رابطه با این سیستم مورد بررسی قرار گیرد و با انجام این عمل خود سیستم بررسی شود. گناه از من نیست که مجبور شده ام آقای دورینگ را در لشروها تعقیب کنم که در بهترین حالت تنها میتوانم بگویم که در آنها مبتدی هستم ... در موارد دیگر مسئله حول نظرات عمومی مربوط به تئوری علوم طبیعی بوده است یعنی عرمه ای که در آن حتی محقق علمی حرفه ای نیز مجبور است که از حوزه تحقیق خود - فراتر رود و به قلمرو مجاور دست اندازی کند" (آنتی دورینگ، صفحه ۶۵) - (فاکند از ماست) درک سطحی و بدوی از مارکسیسم، همکار را به آنجا میکشاند که هرگونه تحقیق و شناخت علمی را واگذار

به بورژوازی کند. غیره این مارکسیست ها هستند که شناخت واقعی از پدیده های مختلف را ارائه میهند. تفاوت محققان مارکسیست و محققان بورژوا در این است که محققان مارکسیست معرفت و شناخت پدیده ها را به خدمت مبارزه طبقاتی و تکامل اجتماعی برمی آورند. درحقیقت اینهمه تلاش ناموفق برای تحقیر تحقیقات علمی و شناخت علمی، بهایر آن است که همکاره همچون دیگر منافعان تئوری - سوسیال امپریالیسم از ارائه يك تحلیل اقتصادی مارکسیستی جامع در مورد شوروی عاجز است.

همکار تئوریك شماره ۲ مرتب تکرار میکند که اقتصاد انصاری دولتی شوروی مشخصات پنجگانه امپریالیسم را بطور اساسی با خود حمل نمیکند بدون آنکه کوچکترین سندی را در اثبات این ادعا ارائه دهد. همکار همچنین ادعا میکند که وجود آفات جامعه سرمایه داری چون تسور بیکاری، فقر، فصله، ستم ملی و غیره در شوروی امری بدیهی و آشکار است. ممکن است این مسائل به رفقای همکار وحی عده باعد ولی برای کسانی که میخواهند تحلیل خود را براساس واقعیات عینی بگذارند، هیچ هم آشکار نیست. بسیاری از آمارهای "آلبانی امروز" شماره ۵ که آنقدر رفقای همکار سنگ آنها به سینه میزنند آمارهای تحریف شده و مغفول است. برای مثال "آلبانی امروز" شماره ۵ مدعی میشود که "در سالهای ۷۵-۷۶ بهر حاله متوسط رشد درآمد ملی ۶/۱ برابر کمتر از دوره ۱۹۵۹-۱۹۶۹ است. بهر تولید صنعتی دو برابر کمتر و تولید کشاورزی ۶/۷ برابر" (صفحه ۲۳-۲۴). عیسی خوب

بود که حزب کار آلبانی میگفت که این آمارها را از کجا آورده است؟! ما در اینجا سعی میکنیم تا بسی بایه بودن این آمارها را که سازمان بینکار بطور سطحی بدان استناد کرده است را روشن کنیم. برطبق شاخص عمومی فعالیت صنعتی سازمان ملل که بر اساس طبقه بندی استاندارد صنعتی بین المللی بنا شده است و رشد صنعتی و اقتصادی کشورها را مختلف را بدون توجه به نوسانات ارزهای کشورهای امپریالیستی مورد مقایسه قرار میدهد تولید صنعتی کشور شوروی بدون کوچکترین وقفه ای (حتی در یک سال) دائما افزایش یافته است. بر مبنای شاخص ۱۰۰ در سال ۱۹۶۰، رشد صنعتی شوروی از ۳۱/۸ در سال ۱۹۵۴ به ۱۵۹ در سال ۱۹۷۷ رسیده است. همچنین در حالیکه رشد صنعتی کشور سرمایه داری پیشرفته ای چون آمریکا بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ تنها ۲ برابر شده تولید صنعتی شوروی و برخلاف گرافه گوئیهای مجله "آلبانی امروز" و بینکار تئوریست در همین مدت ۳/۶ برابر شده است (سالنامه آماری سازمان ملل - صفحات ۱۷۲-۱۶۰ - ۱۹۷۸). گذشته از این، مقایسه شاخص تولید صنعتی بین سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۷ بین ۵ کشور امپریالیستی آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه و ژاپن و پنج کشور سوسیالیستی شوروی، چکسلواکی، آلمان شرقی، بلغارستان و رومانی، دقیقاً نشان میدهد که در حالیکه بحران جهان امپریالیسم در سالهای ۷۵-۱۹۷۴ بدون استثناء رشد تولیدی صنعتی کشورهای امپریالیستی را بطور متوسط به میزان

کشورهای امپریالیستی	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۶۹	۱۹۶۸	۱۹۶۷
۱- آمریکا	۱۲۹	۱۲۰	۱۰۹	۱۲۰	۱۲۰	۱۱۳	۱۰۲	۹۹	۷۱	۶۱	
۲- آلمان	۱۱۶	۱۱۴	۱۰۵	۱۱۱	۱۱۲	۱۰۶	۱۰۲	۸۲	۶۸	۵۹	
۳- انگلستان	۱۰۶	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۵	۱۱۰	۱۰۲	۱۰۰	۹۷	۸۰	۷۷	
۴- فرانسه	۱۲۶	۱۲۴	۱۱۴	۱۲۳	۱۲۰	۱۱۲	۱۰۴	۸۵	۶۹	۵۹	
۵- ژاپن	۱۲۷	۱۲۷	۱۱۰	۱۲۲	۱۲۷	۱۱۰	۱۰۳	۷۶	۴۱	۳۸	
کشورهای سوسیالیستی											
۱- شوروی	۱۵۹	۱۵۰	۱۴۳	۱۳۳	۱۳۳	۱۱۵	۱۰۸	۸۶	۵۷	۴۴	
۲- چکسلواکی	۱۵۴	۱۴۶	۱۳۸	۱۲۹	۱۲۷	۱۱۴	۱۰۷	۸۸	۶۴	۵۶	
۳- آلمان شرقی	۱۵۲	۱۴۵	۱۳۷	۱۲۹	۱۲۰	۱۱۲	۱۰۶	۸۸	۶۴	۵۵	
۴- بلغارستان	۱۷۵	۱۶۴	۱۵۴	۱۴۰	۱۳۰	۱۱۶	۱۰۹	۸۳	۴۷	۳۴	
۵- رومانی	۳۳۰	۳۰۵	۲۸۴	۲۶۴	۲۴۳	۱۷۵	۱۱۷	۸۶	۴۴	۳۰	

جدول شماره ۱- مقایسه شاخص عمومی رشد صنعتی پنج کشور امپریالیستی و ۵ کشور سوسیالیستی

۱۹۷۰ = ۱۰۰

منبع: Statistical Yearbook, 1978. United Nations, New York, 1979, P. 160-172.

۱۵ درصد کاهش داده است. کشورهای سوسیالیستی در این مدت خارج از مدار بحران اقتصادی کشورهای امپریالیستی بدون استثناء رشد بی وقفه داشته اند. رشد متوسط تولید صنعتی کشورهای سوسیالیستی مذکور در سالهای بحرانی ۷۵-۱۹۷۴ ۹۴ درصد بوده است. (رجوع خود به جدول شماره ۱). اگر تعریف لنن را در مورد امپریالیسم و خصوصیت جهانی آن قبول کنیم چگونه وقتی بحران جهان امپریالیسم همه کشورهای امپریالیستی و کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت السطه را فرا میگردد کشورهای اردوگاه "سوسیال-امپریالیسم" (!) نه تنها از این بحران متاثر نمیشوند بلکه رشد هم میکنند؟! رفقای بینکار برای این سوال

هیچگونه جوابی ندارند مگر اینکه با در تحت آمار سازمان ملل شک کنند و بگویند که "سوسیال امپریالیست" های روسی (!) محققان سازمان ملل را با رشوه تطمیع کرده اند، یا اینکه به تزارجاعی و ورشکسته "جهان" متوسل شوند که میگویند "سوسیال امپریالیسم" شوروی برخلاف امپریالیسم آمریکا که فروتوت و رو به زوال است "امپریالیسم" جوان و رو به رشد است! نادریست و مغرضانه بودن آمار مجله "آلبانی امروز" در مورد کاهش ۲/۲ درصد تولید کتا ورزی در شوروی نسبت به سالهای قبل از ۱۹۵۳ (همانطوریکه در جدول فوق نیز مشاهده میشود) آنقدر روشن است که احتیاج به بحث ندارد. علمبرغم آنکه هنوز کتا ورزی نقطه ضعف

ایران - ۱۳۶۱

بقیه از صفحه ۱۹

اسلامی به محاصره بهمنگران فدائی در -
مهاجده تمناهای از مزدوران بهلاکت میروند
و معاون نایره سیاسی امینولوزیک یکی از
پایگاههای رژیم در کرستان بهمراه ۲ تن
اسیر میشوند. نیروهای کمکی رژیم میروند
در درگیری مجدد ۳۰۰۰ پاسدار و ارتشی
۶۵ دستگاه خودروی نظامی و ۴۰۰ در محله
حضور پیدا میکنند ۱۵۱ تن از مزدوران
کشته و مدها تن دیگر زخمی میشوند.

در این نبرد قهرمانانه ۱۰ بهمنگر
فدائی بشهادت میروند. بغیر از یک زخمی و
بقیه رفقا تیکه در این عملیات شرکت داشتند
سالم به پایگاه خود بازگشتند.

در جریان حمله مزدوران جمهوری اسلامی
به تظاهرات نیروهای مبنی در مانیل -
فیلیپین، اسفندیار رحیمی طاقانکی معاون
سازمان مجاهدین خلق ایران، بشهادت رسید.

XXXXXXXXXXXX

مادد طلبا طلبائی و بجرم حمل تریاک در
دادگاه به ۳ سال زندان محکوم شد. وی -
هنگام محاکمه، آلمان را به قصد تهران ترک
کرده بود.

۱۹ اسفنده ساعت ۶/۵ صبح ۴۰ نفر
اهالی دو روستای یونس علی و کهریزه شاکان
اکرستان، در نزدیکی نغده بند جانان رژیم
ارتجاعی جمهوری اسلامی قتل عام شدند.

ترکیه در بحران

این موقعیت انقلابی میباید. وی تاکید
میکند که مبارزه طبقاتی کنونی بمن -
یوزوزای و طبقه کارگر بطور ساده به
سوسیالسم نمیانجامد در ارزیابی نهایی
عوامل اساسی مانند سازماندهی رهبری
حزب (رهبری سیاسی) و اتحاد طبقاتی را
تعمین کننده میداند.

کنفرانس مسائل زنان بقعه از

ناوال معبدی (NAVAL SAADY) از مصر،
ایزابیل لیتلیئر (ISABEL LITELIER) از شیلی
کایاتری اسپواک (KAYATRI SEIVAK) از هند،
موتلالهپولا چاباکو (MOTLALEPULA CHABAKO)
از آفریقای جنوبی، گوادالوپ گونزالس
(GUADALUPE GONZALEZ) از السالوادور، جیل
اولیوسی از مراکش، بل هوکس (BELL HOOKS)
از سیاهپوستان آمریکا، آیرین مک (ERENE
MACK) از سرخپوستان آمریکا و ... از -
سخنرانان اصلی کنفرانس بودند، لذا جو غالب
در کنفرانس آکادمیکی و فمینیستی (به مفهوم
مشارول و غیر طبقاتی آن) نبوده، جنبه های
مبارزاتی و آسورشی کنفرانس از دیدگاه های
علمی و عمدتاً سوسیالیستی بسیار بارز و
موفق بود.

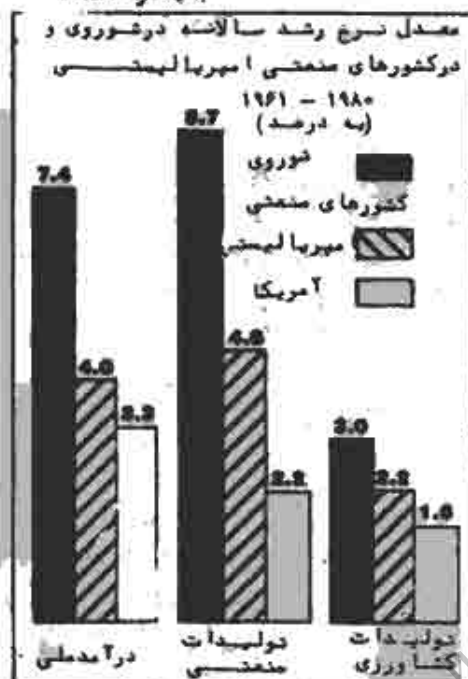
کنفرانس با حضور چند قطعه به کار خود
پایان داد. از جمله طی قطعه نامه ای سیاستهای
مرسالارانه و جوانین بغایت ارتجاعی رژیم
جمهوری اسلامی در مورد زنان با فکری ۱۲ مورد
تخصیص شد. کنفرانس همچنین
دیگتا توری نظامی پاکستان را نیز که اخیراً
به نیروی از رژیم فمینی توانی مشابه مواد
لا به قضای بر علیه زنان تدوین کرده است
محکوم نمود. قطعه نامه های نیز علیه دولت
اسرائیل، غاصه جنایات اخیرش در ساحل غربی
رود اردن، محالها و نقش امپریالیسم
آمریکا در آمریکا مرکزی بخصوص السالوادور

هرچند که این بغی آخر را بربر و فسلو
بصورت نا کامل رها میکند و بنظر میرسد که
اطلاعات جامعی از احزاب انقلابی ترکیه -
فمالیها و تحلیل های آنها ندارد و لسی
من مطالعه این کتاب را به کسانی که تمایل
دارند با اوضاع اجتماعی - اقتصادی و
تاریخ سیاسی ترکیه در عصر جدید آشناسوند
توصیه میکنم. البته آنهایی که از اوضاع
و شرایط ترکیه اطلاعات جامعی دارند نیز
باید کتاب را مطالعه کنند و بربر و فسلو را
در زمینه های مورد اختلاف مثل ماهیت دولت
عثمانی، اقتصاد سیاسی دوره "کمال" و -
همچنین موقعیت سیاسی کنونی به تقابل
بطلبند.

و نیکاراگوئه، رژیم نوا دهرشانه آفریقای
جنوبی و جنایات علیه امضاء کننده ملی
آفریقا. سیاستهای امپریالیسم آمریکا علیه
سرخپوستان آمریکا و ... با اکثریت آرا
به تصویب رسید. سخنرانی ها و مباحثات این
کنفرانس در آینده طی چند چند کتاب انتشار
خواهد یافت.

قدی برتنوری "سوسیال امپریالیسم"

بقیه از صفحه ۲۶



جسایطوریکه نمودار فوق نشان میدهد نرخ رشد
اقتصادی جمهوری بطور پیاپی نسبت به آمریکا
(در قیاس با نرخ رشد آمریکا) بهر حال بهر حال
داشته است منبع:

FRONTLINE, A Line of March Publication,
Special Pilot Issue, April 11, 1983.

اقتصاد شوروی است. ولی همه محققان
پوزووا متفقاً معتقدند که کشاورزی فعلی
شوروی نسبت به سالهای قبل از ۱۹۵۲ از
رشد چشمگیری برخوردار بوده است و
وضع دهقانان نیز بهتر شده است. از سال
۱۹۵۲ تا سال ۱۹۶۷ درآمد کل دهقانان
بیمار دو برابر شده است. این در حالی
است که تعداد کارگران کشاورزی در این
مدت ۶۰ درصد کاهش یافته است.

1. Jerry Karez. From Stalin to Brezhnev:
Soviet Agricultural Policy in Historical
Perspective. In J.R. Miller (ed.) The
Soviet Rural Community.

ایامه نارد

امریکا و سران جمهوری اسلامی در مقطع قیام بهمن ۵۷

خاطرات ویلیام سولیان سفیر سابق آمریکا در ایران ۲۱

آمریکا برگشته بود. الهوت قبلا بمنوان
معاون اقتصادی در تهران خدمت کرده و -
فارسی را روان حرف میزد و ... و ... او
برای این مأموریت عالی بود و از اینکه
قادر خواهد بود با آیت الله وارمذاکرات
مثبت بشود احساس راحتی میکردم.

۲۲- بعد از اینکه مقدمات آماده شده بمن
شور دادند که شاه را در جریان امر قرار
دهم. درحالیکه درمورد اینکه شاه در این
مورد حق و حق دارد هیچ اشاره ای نشده بود
این فرصت به او داده میشد که اگر مخالفتی
دارد ابراز کند. وقتی شاه را دیدم جریان
اقدامات انجام شده را با او در میان نهادم.
با جدیت و بدون علاقه گوش میداد. در حال
هیچ مخالفتی ابراز نکرد و فقط خواست که
در جریان نتیجه مأموریت الهوت قرار گیرد.
این اطلاعات را به واشنگتن مخابره کردم.
بمن اطلاع دادند که الهوت در ششم ژانویه
بازم پاریس خواهد شد.

۲۸- بعد از ماههایی توجیهی درمورد مذاکرات -
تمان با واشنگتن جوابی به تلگراف مهم
نهم نوا میرم داده نشده بوده این سرعت
عمل و این گزاینی جدید امیدوارکننده بود.
میدانستم که سائروس و من بیشتر اوقات
ماههای نوامبر و دسامبر را درگیر مسافرتها
مربوط به کمپ میوید بونه و نئاسی با -
سائل ایران قطع شده است. از این رو این
توجه جدید به سائل ایران را ناعسی از
بازگشت او به واشنگتن میدانستم. بعضی
از اعضا سفارت که محرم این تبادل نظرها
بودند اعتقاد داشتند که این واقع بهیسی
جدید نتیجه کنفرانس گوادولوپ بود که
اخیرا به کار خود پایان داده است.

در این کنفرانس رئیس جمهورهای فرانسه و

مطالب زیر تلخیصی است از کلمات مأموریت در ایران نوشته ویلیام سولیان سفیر سابق آمریکا
در ایران. مدتی است که جاب این نوشته تمایه و تمسیر نشان دادن ماهیت ارتجاعی
سودمداران رژیم جمهوری اسلامی و روشنفکران آنها با امپریالیسم آمریکا در زمینه قیام
نوده ها کل موجودیت سیستم سرمایه داری را با خطر انداخته بود. می باشد. و گرنه هم ماهیت
خودملکی سولیان این میره دور اندیش امپریالیسم و هم ماهیت ارتجاعی سودمداران رژیم
جمهوری اسلامی برای همگان روشن است. همچنین بروایت است که سولیان برای دفاع از
مناافع امپریالیسم و توسعه سیاست های ارتجاعی خود بسیاری از مسائل را ذکر کرده
جلوه داده است. بنا بر این ما مطالبی را از کتاب او برگزیده ایم که حتی امکان خالی از
اینگونه تحریفات باشد. چرا که سولیان در این بخش ها حیثیت مرتجعینی چون کارتر -
و برنسکی را سیریزه کرده است. و در رد سیاست آتیه با دفاع از راه های خود پر داخته
است.

۳۳- با توجه به توصیه های من مبنی بر اینکه
مناافع آمریکا در حفظ ارتجاع است. این
موضوع (خروج انصران عالیرتبه از ایران
بدون هیچگونه ضمانت) امیدوار کننده بنظر
میرسید. معذالک هنوز مطمئن نبودم که
نظریات نهضت آزادی همان نظریات آیت الله
خمینی و همکارانش در پاریس باشد. من
نگران این بودم که مبادا وقتی که آیت -
الله به ایران برگشت با استفاده از نفوذ
علیه قرار داند ما با نهضت آزادی جهت
حفظ ارتع (و متوقف کردن انقلاب - مترجم)
مردم را به خیابان ها بریزد (بعنا معلوم
شد که این نگرانی بی مورد بوده است زیرا
آیت الله کاملا با فتوای خود انقلاب نموده -
ها را در نیمه راه متوقف کرد - مترجم)
۳۴- بهمن دلیل توصیه کردم که دولت -
آمریکا مأمور عالیرتبه ای را جهت مذاکره
مستقیم با خمینی به پاریس بفرستد. نمود
را بخاطر رابطه نزدیک با شاه و اینکه
ترک ایران در آن موقعیت عاقلانه نبوده از
این مأموریت مستثنی کردم. درمورد این
پیشنهاد تلفنی با سائروس و من وزیر خارجه

۳۵- ...
۳۶- کسی که برای اینکار در نظر گرفته
شده بود تئودور ال. الهوت. با زورس کل
سرویس خارجی بود. او بعد از چهار سال
سفر کبیری در افغانستان، اخیرا به

آمریکا و نخست وزیر ژاپن و صدر اعظم آلمان غربی حرکت ناعتمد. یکی از کارمندان سفارت معتقد بود که این رهبران برزیدنت کارتر را متقاعد کرده بودند که شاه رفتنی است و بهتر است ترتیباتی داده شود که منافع حیاتی جهان غرب در این منطقه حفظ بگردد. کارتر و برزیدنتی بعد از اتمام کنفرانس برای ماهیگیری در کارائیب میانی ماندند. بنظر من چنین می آید که جزئیات برنامه ایران را به سائروس و ونس واگذار کرده بودند.

۲۹- هیچ امری نمیتوانست بهتر از خبر لغو مأموریت الموت من را متعجب و متأسف کند. حوالی صبح بود که نگهبان از خواب بیدارم کرد و تلگرافی بخدمت داد. مأموریت الموت لغو شده بود. بایستی به شاه اطلاع میدادم که ما دیگر قصد نداریم با خمینی مذاکره کنیم. هیچ توضیحی در مورد لغو این مأموریت داده نشده بود. بمن گفته شد که رئیس جمهور این تصمیم را گرفته و ضمناً از من هم نظری نخواسته بودند.

۳۰- بهام تند و کوتاهی مبنی بر اینکه رئیس جمهور مرتکب خطای بزرگی شده است و لغو مأموریت الموت خطای غیرقابل جبرانی است به سائروس و ونس فرستادم و تشویق کردم که این تصمیم رد شده و مأموریت الموت از سر گرفته شود. سپس به رختخواب برگشتم و لسی املا خواهم نبردم.

۳۱- صبح جواب پیام را دریافت ناعتمد. در این پاسخ گفته میشد که نه تنها رئیس جمهور بلکه معاون او و وزیران خارجه و دفاع و خزانه داری و رئیس ها و مشاور امنیت ملی همه با هم با لغو مأموریت الموت موافقت کرده اند. سپس به من دستور داده شده بود که مطابق دستورات قبلی عمل

کنم. بر این اساس به کاخ شاه تلفن کرده و تقاضای ملاقات کردم. تقاضایم فوری پذیرفته شد و عازم کاخ شدم.

۳۲- آنطور که من میدیدم، حکومت آمریکا در مقابل وضعیت ایران هیچگونه سیاستی نداشت به اعتقاد من سقوط شاه اجتناب ناپذیر بود و اگر همین نیروهای اسلامی و قوای مسلح سازمانی صورت نمیگرفت وقوع یک انفجار (انقلاب راستین) نموده ای - مترجم) حتمی بود. تا این مرحله در مورد تخریب آمریکائی ها من خیلی ملایم حرکت کرده بودم اما دستور بودم که با انتقال آرام حکومت (از شاه به روحانیت - مترجم) وجود آمریکائی ها در ایران قابل تحمل بوده و بدون تلفات باعد.

اکنون تمام برنامه ها را نقش بر آب میدیدم. هنوز تقریباً ده هزار آمریکائی در ایران بودند و اگر قرار بود که ما این عده را از مرج و مرج انقلاب برحذر داریم باید از چند روزی برای تخریب فرصت ناعتمدیم و... و...

۳۳- کاملاً اطمینان ناعتمد که عکس العمل شاه در مقابل لغو مأموریت الموت چه خواهد بود. در آن صبح، او بهمان معمول عصبانی و تشریف بود. بنظر میرسید که اصلاحخواهی و حوادث محاصره اش کرده بودند.

۳۴- وقتی جریان را با او در میان نهادم، تشریف داده و پرسید چرا مأموریت الموت - لغو شد؟ جواب دادم هیچ اطلاعی ندارم.

سپس سوال کرد که بدون تماس با آئوزسین چگونه میتوان آنها را تحت نفوذ قرار داد؟ و سپس اضافه کرد حالا میخواهد چکار کنند؟ هیچ جوابی ناعتمد.

۳۵- مطالعه اتوبیوگرافی شاه نشان میداد که شاه تا این موقع فکر نمیکرده است که آمریکا قصد دارد کشور و شاید به نوعی سلسله او را حفظ کند. بر این اساس او آماده بوده

که به خاطر هدف بزرگتر (حفظ سلطنت و منافع امپریالیسم آمریکا و عراق - مترجم) عصبانیتها را بکند. اکنون ناگهان بر او مسلم شد که آمریکا هیچ طرحی ناعتمد و اقدامات آمریکا ناشی از منطق نیست. آن روز هم برای شاه و هم برای من روز بدی بود.

۳۶- از کاخ به سفارت برگشتم و شرح ملاقاتم با شاه را به واعظین مطایره کردم. سپس مأمورانی را که مسئول حفاظت و تشریف آمریکائی های مقیم ایران بودند حاضر کردم. بیشتر اوقات آنروز صرف تهیه تدارکات و برنامه ریزی جهت تخریب آمریکائی ها شد...

فصل ۲۲ - مأموریت ژنرال هوبز

۱- بلافاصله بدنبال این حوادث، از طرف واعظین مطلع شدم که هلزینگر وزیر نیرو میتواند از ایران بفرار کند. دستور او ظاهر برای بحث پیرامون مسئله نفت بود.



از این خبر حتمی شدم به خاطر اینکه ایران در موقعیتی نبود که راجع به این مسائل بحث و گفتگو کند. ولی بهر حال از اینکه هلزینگر را خواهیم دید خوشحال شدم چون او دوست قدیمی من بود و نظریات او برایم قابل احترام بود. من کردم که یک دید واقعی از آنچه را که ما با آن روبرو بودیم به -

امریکا و

میران جمهوری اسلامی...

واحدگن خواهد برد. بعدا مطلع عدم که او به ایران نخواهد آمد و جریان را فراموش کرد.

۲- عب دوم و انوبه، ژنرال هیک تلغنی بمن اطلاع داد که طبق اطلاعاتی که از واحدگن دریافت کرده، قرار است معاون او، ناچ - هویزر، به منظور آرام کردن نیروهای مسلح به ایران بیاید. مطابق برداشت هیک - گزارشات ما در مورد ناآرامی در نیروهای مسلح بخاطر عزیمت شاه، واحدگن را برآن ناعته که از هویزر بخواهد به تهران بیاید تا قدرت را از شاه به بختیار انتقال دهد. ۳- هیک بمن گفت که او عیدنا مخالفچنین ماموریتی است و بنظر او هویزر مناسب چنین ماموریتی نیست. سهرادامه داد که واحدگن را از نظر خود مطلع خواهد کرد و از من نیز خواست که عین همین عمل را انجام دهم. وی در ضمن متذکر شد که در صورتی که واحدگن با نظر او موافقت نکند استعفا خواهد داد.

۴- به هیک گفتم از جریان فرستادن هویزر به ایران من کاملاً بی اطلاع هستم. منتهی من نیز مانند واحدگن نگران ناآرامی درون نیروهای مسلح میباشم. من مطمئن نبودم که هویزر با آمدن به ایران بتواند کاری از پیش ببرده ولی احساس میکردم که او از اعتماد کلیه افسران عالیترتبه ارتش برخوردار است و خیلی بهتر از یک افسر دو ستاره رئیس (MAAG) میتواند از موضع آنها در جریان کنونی اطلاع یابد. برنتیجه من به اندازه هیک مخالف این جریان نبودم. فکر کردم بهتر است قبل از اینکه با این جریان مخالفت نمایم منتظر اطلاع رسمی در

مورد ماهیت این ماموریت باشم. از هیک خواستم من را در جریان اوضاع بگذارد و او نیز موافقت کرد. روز بعد او از طریق تلفن به من اطلاع داد که آمدن هویزر به ایران تصویب شده و از او خواسته شده که به ایران بیاید. وی همچنین متذکر شد که تا یک ساعت دیگر قصد دارد استعفا خود را از فرماندهی ناتو اعلام نماید.

۵- در وقت همان روز بوسیله معاون وزیر خارجه (نیمس) از ماموریت هویزر به ایران مطلع عدم. او بمن گفت که وزیر امور خارجه عقیده دارد که مخالفت من تنها کار او را مشکل تر خواهد کرد. به نیمس گفتم که گرچه برای من روشن نیست که هویزر چه اهدافی بر سر دارد ولی برای او بعنوان یک شخص احترام زیاد قائل بوده و هیچگونه مخالفتی با سفرش به تهران ابراز نخواهم کرد. گفتم که این سفر کاملاً مهم بوده و هویزر بایستی بطور مخفی وارد شود. او با این نظر موافقت کرد و گفت که این نکات را به واحدگن متذکر خواهد شد.

۶- روز بعد هویزر با لباس شخصی و با هواپیمای باری ۷۲ که برای ماموریت نظامی محموله حمل میکرد وارد تهران شد. او بحالت گنجی به اقامتگاه ما آمد. مسئله اصلی که ذهن او را مشغول مبادعت استعفای هیک بود. او بطور خصوصی بمن گفت که صرفاً ماموریت تهران موجب استعفای هیک نشده، بلکه عواملی چند از قبل جمع شده بودند که منجر به استعفای او شد. یکی از این عوامل بی ثباتی سیاست کارتر در مورد سیاستهای ناتو بود که هیک نمیتوانست تحمل کند.

۷- هویزر دستوراتی را که به او داده -

بودند بمن نشان داد و گفت در طول سفرش چندین بار آنها را مرور کرده است. مطابق این دستورات او بایستی با افسران ارتش ملاقات کرده، به آنان اطمینان بدهد که حمایت لجستیکی آمریکا ادامه خواهد یافت و همچنین از آنان بخواهد که - یکپارچگی نیروهای مسلح را در شرایط حاد بعد از خروج شاه و انتقال قدرت به بختیار حفظ کنند.

۸- ... قرار بر این شد که هویزر اوقاتش را با افسران ایرانی و رئیس (MAAG) و افسران و کارمندان خود صرف کند و من اوقاتم را در سفارتخانه، قصر شاه و نقاط شهر که قرار دادم بگذرانم و شب برای - عام دور هم جمع شده و مبادله اطلاعات نمائیم. بعد از تمام هم می باید با دو تلفن امن با واحدگن تماس گرفته، نتیجه کارمان را گزارش دهیم. من بایستی با - نیمس و با سانشیز معاون وزارت خارجه و هویزر با دیوید جونز JOINT CHIEF OF STAFF با هارولد براون، وزیر دفاع تماس میگرفتم. بعد از این تلفن ها مجدداً باید دور هم جمع شده، دستورات دریافتی را مقایسه کرده و ببینیم که واحدگن واقعا چه برنامه ای دارد. گاهی اوقات چنین احساس میکردم که با دو شهر کاملاً جداگانه صحبت کرده ایم.

۱۰- ضمناً تهران شاهد تغییرات سیاسی - رسمی بود. بالآخر شاه مطابق قانون - اساسی ترتیبات انتقال قدرت به بختیار را داد. مناظرات قلبی نمایندگان و ستادها ادامه داشت، شورای سلطنت انتخاب شده بود و همه چیز برای انتقال قدرت آماده بود.

۱۱- در این ایام بهامی از واغنگن دریافت کردم مبنی بر اینکه به شاه بگویم که هم بفتح او و هم بفتح ایران است که مملکت را ترک کند. انتقال چنین بهامی توسط یک سفیر به رئیس یک کشور کار ساده‌ای نیست. اما در چند ماه گذشته بخاطر تحول شرایط و روابط من با شاه طوری شده بود که این امر غیرعادی نبود. بهام را تا آنجا که مقدور بود بطور بسیار ملایم و ساده به شاه گفتم. او درحالی که گوش می‌داد دستش را بحالت استخاش بسویم دراز کرد و گفت: "بله ولی بکجا بروم؟"

۱۲- من در این مورد هیچ استوری نداشتیم. از اینرو در جواب این سؤال گفتم هیچ راهنمایی نمیتوانم بکنم ولی ۱۳ قاصداً هتان در سوئیس بطور است. شاه بلافاصله این پیشنهاد را رد کرد و گفت که امنیت سوئیس خوب نیست. پس ادامه داد که "ما یک خانه هم در انگلستان داریم اما هوای آنجا خیلی بد است بعد درحالی که با - چندی برای انتظار به من نگاه میکرد در سکوت فرو رفت

۱۳- گفتم "مایلید که دنبال دعوتی برایمان به آمریکا بایم؟"

۱۴- با همین این پیشنهاد مانند پسرچه ای بجلو عم عد و گفت: "خواهش میکنم این کار را بکنید."

۱۵- وقتی این گفت و عنود را به واغنگن معایره کرده و پرسیدم که آیا امکان چنین دعوتی هست با علاقمندی پاسخ دادند که شاه میتواند بطور سوقت در املاک سفیر قبلی والتر اتن برگ در نزدیکی پالم - اسپرینگ کالیفرنیا اقامت کند. من مطمئن بودم در آنجا از نظر امنیتی مشکلی - پیش نخواهد آمد و وسایل نقلیه از طریق

هلیکوپتر نظامی تهیه خواهد شد. بمن اجازه داده شد که از طرف رئیس جمهور از شاه دعوت کنم. من می بایستی از برنامه سفر شاه و همچنین تعداد همراهان مطلع میشدم. ۱۶- در این مدت خمینی و همراهان در - پاریس عزیمت شاه را پیش بینی میکردند. این زمان تا کنون آنها حول عزیمت او به نقطه‌ای در خارج از کشور دور میزد. برای اینکه این امر برای همه قابل قبول باشد خمینی بپایانهای از پاریس مادر کرد مبنی بر اینکه رهبران انقلاب همچگونه عملی علیه کشوری که به شاه پناه برده اند انجام نخواهند داد. در نتیجه در این مقطع همچگونه خطری منافع آمریکا را در صورت دادن پناهندگی سیاسی به شاه تحریک نمیکرده بلکه برعکس بنظر میرسد بخاطر تسهیل عزیمت بی سروصدا شاه از ایران نفی نیز نصیحتان میشد.

۱۷- روز بعد خواستار ملاقات با شاه شدم و تقاضا کردم که در این ملاقات هویزرتی با من همراه باشد. با هردو تقاضا موافقت شد و ۱۲ ژانویه ملاقاتی طولانی با شاه - داشتیم. شاه در خاطرات خود به طور خلاصه به این مطلب اشاره کرده و میگوید که تنها نگرانی ما مربوط به خروج وی از کشور بود.

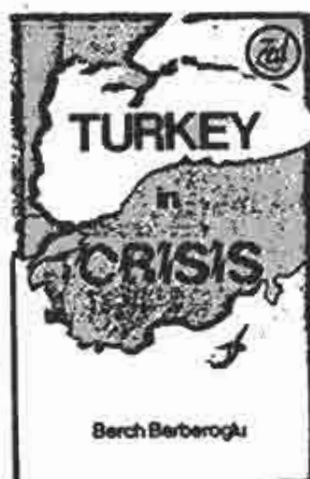
۱۸- درواقع او از اینکه دعوت نامه ما را دریافت کرده بود احساس راحتی میکرد و مفاتی عزیمت بود. ما تنها خواهان امنیت و ثبات در ارتش بودیم و میخواستیم که قدرت به آرامی از او بعنوان فرمانده کل قوا به بختیار منتقل شود. گرچه او بطور غیررسمی به این مسئله برخورد کرده بوده ولی فکری بطور آشفته متوجه چیز دیگری بود. بنظر وی این موضوع ارزش توجه بیشتری نداشت. بار دیگر هویزرتی باید به تنهایی

با کل جریان دست و پنجه نرم میکرد.

۱۹- در مورد برنامه سفر صحبت کردیم. وی پیشنهاد کرد که هنگام ورود به آمریکا می‌خواهد از طریق پایگاه نیروی هوایی اندروز سفر نماید. زیرا تمایل داشت با مقامات عالی‌رتبه آمریکا در سر راهی به کالیفرنیا ملاقات کند. از صحبت‌ها شیکه من با واغنگن و هویزرتی داشتیم مشخص بود که این برنامه عملی نبود زیرا تظاهرات رسمی علیه شاه در آمریکا بر پا میشد. بنا براین به وی گفتم که این برنامه عملی نیست. او پذیرفت و پیشنهاد کرد که - هویزرتی در مورد جزئیات برنامه سفر متاریخ عزیمت و همچنین تعداد همراهان وی با ژنرال ریچی فرمانده نیروی هوایی صحبت کند.

۲۰- عصر همان روز من آخرین سی خود را کردم که واغنگن را متقاعد نمایم تا - نهایت کوشش خود را برای ایجاد سازش بین نیروهای مذهبی و ارتش در ایران بکاربرد. به این منظور تلگرافی به واغنگن فرستادم مبنی بر اینکه منافع ملی ما ايجاب میکند که بمنظور عشق کردن حزب توده، بین ارتش و نیروهای مذهبی سازش ایجاد کنیم. در - حقیقت این درخواستم از خود کارتر بود. در این بهام ضمناً به امکان ملاقات او با شاه اشاره کردم و متذکر عدم این ملاقات در رابطه آینده ما با حکومت جدید در ایران بی نهایت اثر خواهد گذاشت. من همچنین یادآور شدم که اگر این تبار این تصور را در ایران بوجود آورد که ما هنوز به حمایت خود از شاه ادامه می‌دهیم و خواستار این هستیم که او روزی به قدرت برگردد - باید منتظر عواقب وخیمی باشیم.

ترکیه در بحران



نویسنده زهر معرفي و نقد کتاب "بحران در ترکیه" از انتشارات ZED سال ۱۹۸۲ است. نویسنده کتاب Berch Barbaroglu محقق است مطلع در مورد تاریخ کشور ترکیه و اکنون جزو استادان جامعه علمی دانشگاه نوادا در غرب کشور آمریکا است. این نوشته با نظام مطالب دیگری در مورد کشور ترکیه در این شماره نشریه جهان به علاقمندان ارائه میشود. لازم به توضیح است که معرفي و نقد کتاب "بحران در ترکیه" قبلاً از سوی یکی از رفقا به زبان انگلیسی برای یکی از مجلات انگلیسی زبان تهیه شده بود و نوشته فارسی ترجمه آن نقد میباشد.

کتاب بربر اوغلو دستاورد بزرگی در ارائه یک تحلیل کامل و روشن از اقتصاد سیاسی کشور ترکیه در قرن بیستم است. مشد بررسی او که به سادگی آن را در مورد کشور ترکیه بکار می‌برد، ماتریالیسم تاریخی است. نویسنده ظاهراً تحقیق خود را حدود یک دهه پیش آغاز نموده و آنرا در چندین مرحله تکمیل نموده است. انتشار این کتاب - بدنبال کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ در ترکیه که منجر به روی کار آمدن ارتشیان دست راستی شده کاملاً به موقع میباشد. کتاب دارای ۸ فصل است. فصل اول در مورد چگونگی شکل گیری کشور ترکیه است. تاریخ ترکیه ریشه در تاریخ امپراطوری استبدادی عثمانی - (Ottoman Empire) دارد که چندین قرن بر این کشور حکمرانی داشتند. (۱۳۰۰ تا ۱۹۲۰). در تمام طول این دوره شیوه تولید غالب در ترکیه عثمانی، شیوه تولید آسیائی بود. برآمدن شیوه تولید فئودالی نیز در -

کشار شیوه تولید آسیائی رشد پیدا کرده و هشتم زمین داری موسوم به تیمار (Timar) در بخش روستائی رواج یافت. در عین حال رابطه مستحکمی نیز بین عثمانی ها و کشورهای اروپائی در قرنهای ۱۵ و ۱۶ میلادی وجود داشت که البته این امر بعطت گسترش قدرت عثمانی ها در اروپا بود.

بربر اوغلو چگونگی متلاشی شدن امپراطوری چندین صد ساله عثمانی را که "در اوج خود از آسیای صغیر تا وین و از فلسطین تا الجزایر و از جنوب تا بهین النهرین در خلیج فارس وسعت داشت" مورد بحث قرار میدهد. او نشان میدهد که مشکلات وحشی - اقتصادی و سیاسی - نظامی که در طول قرن ۱۸ رخ داده امپراطوری عثمانی را در اواخر قرن نوزدهم در حقیقت تبدیل به یک نیمه مستعمره وابسته به قدرتهای در حال گسترش اروپائی کرد. توسعه ملی های - ماجراجویانه ترکیه عثمانی، برپایه قدرت مرکزی شاهنشاهی که عامه شیوه تولید آسیائی بوده، سبب ضعف پایهای اقتصادی و در نتیجه آسیب پذیری آن کشور و نفوذ خارجی - گردید. بربر اوغلو در رابطه با اینکه منافع اقتصادی چه طبقاتی در این دوره تأمین میشده است، توضیح میدهد که شیوه تولید آسیائی "همزیستی فئودالیسم در کشاورزی و بعداً سرمایه داری در تجارت و صنعت" را امکان پذیر ساخت. در نتیجه زمینداران بزرگ در حومه شهرها و بورژوازی کمپرا - دور در مراکز اصلی شهرنشین (بخصوص آنهایی که اساساً از اقلیت های یونانی و ارمنی بودند) اقتصاد را تحت کنترل داشتند.

همچنین سرمایه مالی خارجی نیز در بخش مواد خام و ساختن عیقه حمل و نقل مربوط به مواد خام نقش عمده داشت. البته تعداد کمی از موسسات ملی ترکیه نتوانستند بدون چنین چهارچوب روبه رشدی خود را جای دهند و موقعیت آنان رو به زوال رفت. بربر اوغلو در تجزیه و تحلیل از اتحاد طبقاتی در ترکیه در قرن بیستم اشاره میکند که بورژوازی ملی ترکیه حیات سیاسی خود را وابسته به نیروهای ملی در جنگ با - حکومت مرکزی یافت. بربر اوغلو بحث میکند که نیروهای "عسره بورژوازی کمالیست (Kemalist) محتاج به پشتیبانی دهقانان در جنگ بر علیه امپریالیسم و حکومت مرکزی بودند. لیکن آنها بدون اتحاد با زمینداران که نفوذ و کنترل بی اندازه ای بر دهقانان داشتند نمیتوانستند به این هدف خود برسند. بربر اوغلو مدعی است که امتیازاتی (Concessions) که "کمالیست ها به زمین داران دادند را باید بر اساس این منطقی استدلال نمود. وی ادعا میکند که اگر چه در طی سالهای ۲۳-۱۹۲۰ نیروی "کمالیست"

صنعتی نمودن کشور افزایش داد. از دیدگاه
بربریا و غلو، در این هنگام منافذ زمینداران
و سرمایه داران کمربند دور در تضاد با اهداف
دولت خرده بورژوازی قرار گرفت. این
تضاد به شکل گیری یک حزب جدید سیاسی
مخالف دولت (حزب آزادی خواه - Democratic Party)

با زمینداران مجلس ملی را بوجود آوردند و
در آن شرکت داشتند با وجود این آنها
(کمالیستها) "برای ایجاد یک نیروی مستقل
کومنت نمودند و حزب مردم (خلق) (People's Party)
را سازمان دادند که بشتر به



اوت ۱۹۲۳ قدرت سیاسی را در مجلس بنیست
آورد. بربریا و غلو میگوید که این بنیست
جنبش را به طرف "برقراری و ثبات بورژوا-
زی ملی سوسیال دات و راه را برای استقلال و
رشد سرمایه داری ملی زیر رهبری و کنترل
دولت و ارتش و بوروکراسی کشوری باز نمود
از دیدگاه بربریا و غلو دولت -
"خرده بورژوازی کمالیست پس از بقدرت
رسیدن تمام تلاش خود را در مستقل و غیر
متعهد ماندن بکار بست. آنها در این دوره
موفقیت چشمگیری در صنعتی نمودن کشور
داشتند. رژیم با زمیندارانی که با رفسم
ارضی مخالفت میورزیدند به مقابله برخاست
ولی در عوض از کمربند دورهای ترکیه بمنظور
تبدیل و تغییر آنها به سرمایه داران صنعتی
پشتیبانی نمود ولی این طرح شکست خورد.
پس از آن دولت دخالت مستقیم خود را در
اداره اقتصاد و توسعه زیربنایی برای

انجامد که بعدا با کمک امپریا -
لیم قدرت سیاسی را در سال ۱۹۵۰ بنیست
گرفت. بربریا و غلو این رویداد جدید را تسلط
(grasp) آمریکا بر ترکیه مینامد که در
نتیجه آن ترکیه دوباره در اقتصاد جهانی
انغام میشود.

بربریا و غلو در بررسی خود از "دست -
آوردهای رژیم خرده بورژوازی ملی کمالیست
منتقد است که رژیم دارای اهداف نراز مدت
بود. رهبری رژیم در ساختن پایههای اقتصاد
صنعتی کشور از طریق ایجاد و اداره سرمایه
داری دولتی و تبدیل جامعه به یک جامعه
مشترک سرمایه داری مصمم بود. اما رژیم در
سال ۱۹۲۰ در این هدف خود شکست خورد. از
نظر بربریا و غلو ۳ مانع جلوی موفقیت رژیم
را در این راه گرفتند: (۱) مقاومت زمینداران
(۲) شکست سیاست تبدیل کمربند دورهای ترکیه به
بورژوازی صنعتی (۳) مقررات نامساعد

معاهده تجاری بین المللی لوزان -
(Lausanne) بربریا و غلو میگوید "مجلس
با این وجود دولت در طی دهه ۱۹۲۰ قدمهای
چندی به جلو برداشت که عامل ملی کردن
کارخانههای خارجی و بهشبرد برنامه های
پنج ساله اول و دوم ایجاد بانکها و
شرکتهای جدید دولتی برای سرمایه گذاری و
بهشبرد برنامههای اقتصادی و بالافره اخذ
کمکهای مالی و تکنیکی از خارج بود. در
فصل سوم کتاب بربریا و غلو در مورد موفقیتها
نسبی این دوران و در فصول دیگر در رابطه
با پدید آمدن تضادهای جدید اقلیتهای
زیادی را در اختیار خواننده میگذارد. از
نظر او دولت در بهشبرد منابع ملی دست -
آوردهائی داشت از جمله اجرای سیاست ملی
کردن صنایع در سالهای ۱۹۴۰-۱۹۲۰ که موجب
عدم خروج سرمایه شده و بکارگیری برنامه -
ریزی دولتی (State Planning) با کمک
کشور شوروی که منجر به بالا رفتن سطح
تولید ملی گردیده و پیرو صنعتی شدن مستقل
را تسریع نمود. (Independent Capitalist Industrialization) نویسنده -
ناکید میکند که در این پیرو کارگران -
تنها کسانی بودند که رنج این تغییر را
متحمل شدند. وی نشان میدهد که در اواخر
سال ۱۹۴۰، نیروی کار کارخانهها بسرعت
افزایش یافت و به ۴۹۲۰۰۰ نفر رسید ولی
در عوض وضع کارگران بشتر به وخیم تر شد.
آنها مجبور بودند ساعات طولانی برای
بشمزد کم و در شرایط نا امن کاره کار
کرده در حالیکه شرکت در اتحادیهها و به
اعتصابات غیر قانونی و ممنوع اعلام شده
بود. قانون کار ۱۹۳۱ هم در واقع حمیزی
را تغییر نداد بجز آنکه ۵۶ ساعت کار

در هفته " به تصویب رسید. در نتیجه در این دوره نرخ ارزش افزایی به عدد افزایس بافته و از ۱۷۲٪ در سال ۱۹۳۲ به ۲۱۸٪ در سال ۱۹۳۹ رسید.

بالاخره در فصل چهارم برابر با وگلو تضادهای سرمایه داری دولتی (State Capitalism) را در ترکیه توضیح میدهد. وی تضاد بین دولت و زمینداران بزرگ (ESRAF) را روشن کرده و همینطور شرایط دهقانان را زیر سلطه زمینداران مورد بررسی قرار میدهد. نظر او بر این است که - دهقانان از هم پراکنده بودند ولی از آنجا - شبکه آنها خلقتا وابسته به زمین بسوه و از طرف دیگر تحت تاثیر مفاید و اعمال مذهبی بودند. هیچگونه حرکت نوده‌ای که قدرت زمینداران را به مخاطره اندازد در روستاها شکل نگرفت.

بربر اوغلو در فصل پنجم توضیح میدهد که در سالهای ۶۰-۱۹۵۰ هنگامیکه کشورهای متروپول (Metropolitan Forces) سرکردگی آمریکا نقش حاکم را در ترکیه بازی می - کردند. چگونه رهبری سیاسی حزب آزادیخواه (Democratic Party) ترکیه، ترکیه را در اقتصاد جهانی اقدام نمود و همینطور چگونه رژیم " سرمایه داری دولتی ملی را به يك نظام نیمه مستعمره تبدیل نمود.

در فصل ششم بربر اوغلو در تحلیل از اقتصاد سیاسی کشور ترکیه، آنرا يك نظام سرمایه داری وابسته ارزیابی میکند. وی - اشاره میکند که آنچه که در این دوره در ترکیه بوقوع پیوست چیزی جز اجرای روشهای کلاسیک بازاری و آماده کردن اقتصاد ترکیه برای بازار جهانی سرمایه داری نبود. سرمایه گذاری خارجی، بخصوص متمرکز در صنعت نفت که نقش کلیدی در پروسه توسعه اخیر را بازی میکرده نه تنها به سرمایه

خارجی، بلکه به گسترش سرمایه داخلی در تجارت، صنعت و کشاورزی نیز نفع میرساند. البته این تکامل و پیشرفت "بر چهار چوب اقتصاد سرمایه داری وابسته" بوقوع پیوست. در حالیکه کمپرادورهاى ترك درگیر ایجاد شركتهاى مشترك (Joint Ventures) با غرب بودند. زمینداران بزرگ برای بالا بردن ثروتمندان به مکانیزه شدن بخش کشاورزی - تمایل نشان میدادند.

ولی رژیم جدید تضادهای خودش را نیز باعث - کاهش تجارت و وجود بهره و ام های خارجی مشکلات عدیده‌ای برای ترکیه ایجاد کرد که منجر به درخواست وام بیشتر شد. در - سالهای ۶۰-۱۹۵۰ ترکیه ۲۰۴ میلیون دلار از آمریکا بعنوان "کمک" (Aid) وام دریافت کرد که از آن ۱۰۶ میلیون دلار برای امور نظامی در نظر گرفته شده بود. ترکیه به پیمان نظامی Nato و Cento پیوست. بزودی بحرانی

جریان پیدا کرده و تاثیر خود را بر روی بیخ از ۷۳۲۰۰۰ کارگر صنعتی گذاشت. بحرانیهای اقتصادی و فساد پنهانی اجتماعی به دنبال خود سرکوب سیاسی حشمتا تیکی را به همراه باعث که بعدها موجب کودتای ماه مه سال ۱۹۶۰ توسط ۳۶ افسر شد. رئیس جمهور بایر (Bayer) و نخست وزیر مندرس (Menderes) و تعداد بی شمار دیگری دستگیر شدند. یکسال بعد مندرس اعدام شد. در حالیکه بایر و ۱۱ نفر دیگر به حبس ابد محکوم شدند. فصل ششم کتاب را بربر - اوغلو با تشریح کودتای ۱۹۶۰ شروع و با تشریح کودتای ۱۹۷۱ خاتمه میدهد. او آخر ۱۹۷۰ -

اقتصاد درگیر بحران عمیقی بود. " حزب عدالت ترکیه" (Justice party) سیاست سرکوب را برگزیده و در مقابل آن طبقه کارگر و نیروهای مترقی با نیروی فزاینده - ای پاسخگوی سیاستهای سرکوبگرانه شدند.

اوضاع هر لحظه در حال انفجار بود. اشغال گران نظامی و دولت حزب عدالت که بوسیله دمیرل (Demirel) هدایت میشد، وادار به استعفا شده و نیروی نظامی قدرت را در - دست گرفت. بربر اوغلو بطور جامعی دلایل اقتصادی قبل از این کودتا را که در ۱۲ مارس ۱۹۷۱ بوقوع پیوست، ذکر میکند.

در فصل هفتم، بربر اوغلو بحران ادامه داری را که ترکیه در نتیجه سیستم نیمه مستعمره تجربه میکند، مورد بررسی قرار میدهد. وی ابتدا سیاست دولت و بدنبال آن کنترل دولت توسط ژنرالها را توضیح میدهد. حاکمیت نظامی تمایل به از بین بردن تمام نیروهای مخالف برای استحکام کامل قدرت خود داشتند. تحت یکی از عملیات نظامی آنان ۸۰۰۰۰ سرباز به بیشتر از يك میلیون خانه دفاتر و مراکز کار را تفتیش کردند. در این دوره هزاران عضو مترقی اتحادیه‌های کارگری دانشجویان و معلمین و وکلا و خبرنگاران دستگیر زندانی و شکنجه شدند.

به دنبال این عملیات، محنه دیگری برای دولت انقلابی ترتیب داده شد. بربر - اوغلو میگوید بین سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۳ ۱۳ دولت مختلف سرکار آمده که هیچکدام قادر نبودند به بحران اقتصادی پاسخ گویند. در سال ۱۹۷۲ کاهش تجارت ترکیه بیش از ۷۱ میلیون لیره ترکیه و در اواخر سال ۱۹۷۲ مجموع بدهی ترکیه به خارج بیش از ۱۵ میلیارد دلار بود.

بربر اوغلو در بررسی‌های از بحران و رابطه آن با موقعیت طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی در ترکیه ادعا میکند که از سال ۱۹۷۴ در ترکیه موقعیت انقلابی پدید آمده و کودتای ۱۹۸۰ را هم پاسخ بورژوازی به بقعه در صفحه ۲۷

گزارش

سازمان عفو بین الملل از زندانهای ایران

سازمان عفو بین المللی در خبرنامه مورخه فوریه ۱۹۸۲ خود که در لندن منتشر میشود، طی مقاله‌ای بنام "شکجه در زندانهای ایران" گزارشی در مورد شکنجه‌های وحشیانه و اقدامهای بدوی محاکمه در پنج زندان ایران منتشر کرده است. به موجب این گزارش، سه زندان تهران (اوین، قصر و کمیته) چنان از زندانیان ایستاده شده است که اخیراً رژیم بخش‌های جدیدی را به آنها اضافه نموده است. تنها در اوین بیش از ۱۵۰۰۰ زندانی سیاسی محبوس هستند. زندان اوین چنان ایستاده شده است که دیگر به غیر از افرادی که کار اداری دارند هیچ کنساجاره نمیدهند در تمام ۲ کیلومتری زندان ظاهر شود. در این زندان زندانیان برای مدت طولانی با چشمان بسته باقی میمانند. در یک مورد چشم زندانی مردی را برای مدت ۲۷ روز بسته بودند. سازمان عفو بین المللی اضافه میکند که شب‌ها و روزها صدای تیر در اوین شنیده میشود. صدای تیراندازی مداوم به معنای ایجاد محنتهای اعدام مصنوعی برای تضعیف روحیه زندانیان است. در حالیکه صدای تیراندازی متقطع به معنی اعدام واقعی است. این گزارش حاکی است که بطور متوسط در روز بین ۳۰ تا ۶۰ نفر اعدام میشوند. بعد از بست‌گذاری بنام مهر ۱۹۸۲ در طول ۲۴ ساعت بیش از ۱۰۰ نفر اعدام شده‌اند. بند ۲ بدترین بخش زندان اوین است. به حکم حاکم شرع آنجا، زندانیانی که همکاری نکنند شدیداً شکنجه میشوند. اغلب زندانیان را می‌بندند و با شلاق آنها را می‌زنند. خلاصه‌ای از تشریح تلافی‌تلافی و ارد

میشود. در بخش زندان زنانه، زنان را در مقابل فرزندانشان شکنجه میکنند. سازمان عفو بین المللی همچنین میگوید: وضعیت در زندان کمیته و زندان قصر تقریباً به همین سواست. در زندان کمیته در طول شب پاسداران زندانیان را می‌زنند و بعضی از آنها هرگز برنمیگردند. به موجب این گزارش در این زندان خیلی ها با اطو و شوک الکتریکی شکنجه شده‌اند. در زندان وکیل آباد مشهد، یک زندانی را که به بیماری کلیه مبتلا بود برای مدت سه روز از پا آویزان کرده بودند. وی نتوانست این شکنجه را تحمل کند و در همان حال درگذشت. وابستگان وی از تیراقت چشمد او منصرف شدند چون مجبور بودند ۵۰ هزار ریال بپردازند.

سازمان عفو بین المللی در این مورد میگوید: "وی گفت، بعد از حدود سه هفته او را برای شوال و جواب به دادگاهی که بوسیله حاکم شرع اداره میشد، ببردند." او گفت... که من (زندانی) اشخاصی به عنوان عضو فدائیان (یک سازمان چپ) بآنها برده شده بودم... او (حاکم شرع) هشدار داد که اگر من در مورد آنچه که اتفاق افتاده بود حرفی بزنم، اعدام خواهم شد... وقتی من به صالح آباد رفتم ۸۰ کیلو وزن داشتم، وقتی به منزل برگشتم وزنم کسی بیشتر از ۵۰ کیلو بود."

گزارش سازمان عفو بین المللی، جنبه‌ای بخشی از جنایاتی را که رژیم جمهوری اسلامی در مورد فرزندان انقلابی خلق مرتکب میشود، ممکن میکند با این حال همین گزارش باقی برده از گوشه‌ای از جنایات هولناکی که مأموران رژیم جمهوری اسلامی هر روز مرتکب میشوند، بر میدارد.

هم وطنان مبارز، با انتهای جنایات رژیم در افکار جهانیان به دفاع از فرزندانی سیاسی در بند بختانیم. بهر طریق که میتوانیم این گزارش را به دست ایرانیان دیگر برسانیم تا چهره دهنشور و خونخوار جمهوری اسلامی بهتر برای همگان مریان شود. دیر نیست روزی که بار دیگر درهای زندانهای رژیم بدست مردم قهرمان ایران گشوده شود و زندانیان سیاسی همای همزمان دیگر خود رژیم جمهوری اسلامی را به مزبله ای بفرستند که رژیم شاهنشاهی را فرستادند.



آبپلوه وسیله‌ای برای شکنجه

به دنبال نفوذ بیشترگان خلق کرد به شهر مهاباد و اعدام یک‌جائی که در سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد سهم بسزایی داشت، پاسداران رژیم به مردم بی دفاع این شهر حمله جنون آمیزی نموده و ۴ نفر را بقتل میرسانند. به دنبال این کشتار، مردم

به دنبال نفوذ بیشترگان خلق کرد به شهر مهاباد و اعدام یک‌جائی که در سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد سهم بسزایی داشت، پاسداران رژیم به مردم بی دفاع این شهر حمله جنون آمیزی نموده و ۴ نفر را بقتل میرسانند. به دنبال این کشتار، مردم

ایران
تظاهرات در تهران
در هفته آخر اسفند ماه ۶۱، در سه مورد تظاهرات موضعی در خیابانهای تهران انجام گرفت. تظاهراتندگان بعد از دادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و درگیری با پاسداران پراکنده شدند.

جنگلها

قلب بزرگ ما

پرنده‌ی خبیثی است
بفشسته بر درخت کنار خیابان
در زیر هر درخت
مخفا هزار برهنه‌ی بیداد -
از تیر

جنگل!

ایکاش قلب ما
می‌خفت بی‌هراس
برگه‌بان درهم نمناک
ایکاش تمام خیابان شهر
جنگل بود!

جنگل!

گسترده در مه و باران
بر جاده‌های برگ‌پوش و سیمت
برجاده‌های پر از بوی و تاب تو
هر روز مردی با انتظار نشسته
مردی بقامت یک‌سرو
با چشم‌های میخی روشن
مردی که از زمان تولد عاشقانه می‌خوانده
ترانه‌ی سبز جنگل را
برای مردم شهر
مردی که زاده‌ی تجمیع نیست
و همه‌های بی‌دریغ تو او را
در قطب‌های سرد افتاده
خورشید بوده است -
ای سبز به اندیشه‌های روز

در سایه روشن نمناک تو

که بوی طبر رفاقت می‌پراکند
گلگون شده است

چه قلبهای نه‌پور
که سبزترین جنگل بود
عکسته است

چه نسبتها

که فشفشه می‌ساخت
در سکوت شبها پیت -

بر شاخه‌های بلندت
که از رفاقت انبوه شاخه‌هاست
برجای استوار

خاکستری نشسته

که جاری است

در قلب مشتعل ما

مگذار باد برپایان کند

مگذار باد به میثاق برود

از خانه‌های تو

خاکستری که از عماره‌ی خون است

جنگل!

ای کتاب‌شمار درختی

با آن حروف سبز سحرآمیز است بنویس

- برجسته‌های ایبر

- بر فراز مزارع متروک:

باران

باران!

خسرو گل‌سرخ

پیوستن

آه

چه ملاکم

گوی می در کویری نمکزار

بدن‌سال قطره‌ای

سراب را دنبال میکنم

اما میدوم

میدوم تادر سحرگاہی سرعین

در جشن شقایق‌های وحشی -

برگونه‌ی سرزمینم بوسه زدم

و دیگر لغت وزغی کویر را

میزبان دریا کنم -

آه - ایلامی

به آسمان می‌خندم

و با اگر شکسته شوم

اگر از صحنه نبرد رفته بیرون آیم -

هرچند که بگذاشت و پا و چشم را از دست

داده باشم

به آسمان می‌نگرم و می‌خندم

چرا که صرخت شنیدن یک‌آخ را بر دلش

باقی گذاشته‌ام

اگر پدرم را به اوین ببرم

اگر برادرم را در

گردستان شهید کنند

به آسمان خواهم خندید

و اگر در غلامان تلافی بزنند

و پشتم را بهشتی داغ بنویسند و تمام کنند

به آسمان خندیده‌ام

چرا که صوت شنیدن آهم را داشت

بهرام - دریا

"نمیدانم عهد را تبریک بگویم یا نه؟"

به آهن و آتش و جنگ سلام بفرست -
آنوقت است که بجای گل سرخ که از شاخه
بیرون می‌آید از این گل بی‌آرام خون بیرون
می‌دهد - من این بهار را تبریک خواهم گفت -
در ایام بدبختی بهار نوع دیگر را باید
بالموم بگفتی تبریک گفت که شکم بزرگ و
صدای عشق دارند و درحالی که در قمرهاشان
مطمئن نشده‌اند ...
نیمای یونجه

"نمیدانم عهد را تبریک بگویم یا نه؟ کوه‌ها
تازه و گرم میشوند، ولی نمیدانم بقیه‌ی کرد
قلب توهم تازه و گرم میشود، در این صورت -
ممکن است عهد برای تو وجود داشته باشد -
دور عهد یعنی دور نقاط و نقاط را قلب
انسان تعیین میکند نه تقویم و احکام نجومی -
چرا من مثل این شکوفه نمی‌خندم؟ برای
اینگونه با دهانی که نمیتواند بمن روح بدهد

اطلاق زندانیان سرد سم و شید و دشنام آغاز گردید. میگفتند اگر همکاری نکنید و حقیقتا جواب سئوالها را بدهید جرئت سبک میشود و آزار هم نخواهید شد. ولی اگر همکاری نکنید تا گفتن همه چیز شکنجه خواهد شد و منتظر نمانندند با مشت به دهان کوبیدند. بعد از شوال وقتی که دیدند لبها به نفع آنها گشوده نخواهد شد، یک کابل (که از پنج کابل کلفت به هم پیچیده شده و از سرگرم خورده بودند) برای شلاق زدن به میدان آمد. به پشت هوا باندیم و پاهایم را بالا نگه داشتیم و با آن کابل به زیر (کف) پاهایم زدند یک نفر هم جلوی دهان و گلویم را گرفته بود تا مدام در نیاید و گلویم را چنان فشار میداد که گاه چهار غشگی میشدم. چهار نفری شلاق میزدند با تمام توان و نیرو برمه را فرود میآوردند. وقتی که مقاومت را میدیدند غشگی و مصانی میگفتند، دشنام نثار میکردند و میکوشیدند که شدت عمل بیشتری بخرج دهند. اولی که خسته میشد دومی و همینطور تا آخرین نفر. وقتی که پاهایم سر شده و ورم کرده بود نوبت دستهایم رسید و لحظه ای که دیر دستهایم بالا میآمد و یا آنها را زیر بغل میبردیم بر سر و صورت میزدند. با کابل با لگد یا مشت به سر و صورت، پشت سینه میکوبیدند که نفسم قطع میشد. مدت بیشتر از سه ساعت شکنجه ام کردند به این شیوه شایعه درگیری و ورود بهیمرگان به شهر (چون یک هفته پیش نیز روز به شهر آمده بودند) باعث شد به شکنجه عاتمه داده، مرا به سلول خود برگردانده و بحال آماده باش درآیند. همین محله باعث شد که پاهایم دستها، سر و صورت ورم کرده و زخم شده ام یکی دو ساعت آرام بگیرد. از

شدت تشنگی و ندادن آب از تکه های پنبه که به در آویزان بود برای رفع تشنگی استفاده می نمودم. صدای تیراندازی تا ساعت ۸ شب ادامه داشت. در این فاصله آنها از ترس بهیمرگان نمیگذاشتند. در این زمان چند نفر بهیمرمرد را که در جلوی در حیاط و با در حیاط منزل خود بودند گرفته و به زندان آوردند. شکنجه شان میکردند تا بقول خودشان قتل انقلاب معرفی نمایند. پاسداری به میان ما انداختند تا با هم صحبت نکنیم. پاسدار گفت اینها مردم این شهر هستند از زن و بچه گرفته تا بهیمرمرد به طرف مادراندازی میکنند. اینها در خانه هایشان تیربار کار میگذارند، زن و بچه ها از آنها و مردها خودشان در کوچه و خیابانها شکر میگیرند و پاسداران را میکشند. با این دید بود که ۶۰۰ مردان ۸۰-۶۰ ساله را هم زندانی و شکنجه میکردند. نوع شکنجه هایشان چنین بود که دست و پای زندانی را لغت کرده و در میان برقه ها فرو میکردند و بگنفر پاسدار روی پختن طناب بازی میکرد تا به حرف آید و با زندانی را لغت کرده با یک شورت جلوی سرما سرپا نگه میداشتند. گاهی روی بدنش آب میریختند و با کابل بدنش را شلاق میزدند زندانی پایش را در برف می گذاشت و بعد با شلاق کف پایش را میزدند. سرزنشانی با کترو برای شام دادند اثر شکنجه چنان بود که گرسنگی ... بهیمر

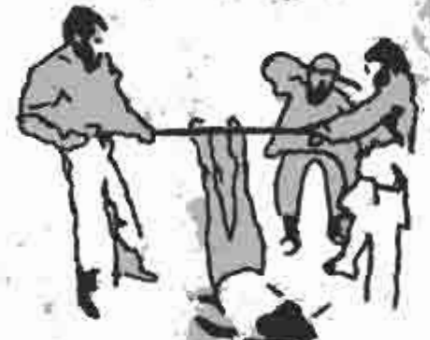
از تشنگی احساس نمیشد. برای جلوگیری از ضعف گرسنگی موقع شکنجه چند تکه ای نان خوردم. ایسان به مبارزه مقاومت را صد چندان کرده بود، چنانکه تیرهای درد احساس داشت. در این فاصله آنها از ترس بهیمرگان نمیگذاشتند. در این زمان چند نفر بهیمرمرد را که در جلوی در حیاط و با در حیاط منزل خود بودند گرفته و به زندان آوردند. شکنجه شان میکردند تا بقول خودشان قتل انقلاب معرفی نمایند. پاسداری به میان ما انداختند تا با هم صحبت نکنیم. پاسدار گفت اینها مردم این شهر هستند از زن و بچه گرفته تا بهیمرمرد به طرف مادراندازی میکنند. اینها در خانه هایشان تیربار کار میگذارند، زن و بچه ها از آنها و مردها خودشان در کوچه و خیابانها شکر میگیرند و پاسداران را میکشند. با این دید بود که ۶۰۰ مردان ۸۰-۶۰ ساله را هم زندانی و شکنجه میکردند. نوع شکنجه هایشان چنین بود که دست و پای زندانی را لغت کرده و در میان برقه ها فرو میکردند و بگنفر پاسدار روی پختن طناب بازی میکرد تا به حرف آید و با زندانی را لغت کرده با یک شورت جلوی سرما سرپا نگه میداشتند. گاهی روی بدنش آب میریختند و با کابل بدنش را شلاق میزدند زندانی پایش را در برف می گذاشت و بعد با شلاق کف پایش را میزدند.

درگیری سزا میباید و به زیر پتو رفتم ولی دیری نگذشت که دربار شد و دو نفر مرا با خود بردند. اسم رفقایم را پرسیدند وقتی که جوابی نشنیدند چشام را بستند و با خود به محلی دیگر بردند. از چند پله بالا بردند و از سه در گذشتم. در گوشه دیوار رو به دیوار سرپایم نگه داشتند، با چشمان بسته دو تنگیان بالای سرم بوده. تشنه ام بود ولی قطره ای آب نمیدادند. دهان و گلویم چنان خشک شده بود که لبهایم از هم جدا نمیشد. نمیگذاشتند حتی یک

فرار

بقیه از صفحه ۴۸

خانه بنشینم. گاهی برای رفع خستگی خود را بر زمین می‌انداختم ولی مجال ندادند و فوری سرپا بلند میکردند.



گاهی سرم را به دیوار و گاهی یک قدم با فاصله از دیوار نگه میدادند تا خوابم نبرد و میخواستند به این طریق خوابم را بگیرند. تا ساعت ۱۰ با ماداد در همین حالت بودم. به مدت ۱۲ ساعت، و چون زندان و شکنجه گاهم را عوض میکردند چشمانم را بار کردند تا به زندانی دیگر در محله ای بنام فرجی آباد ببرند سوار یک ماشین سوپوتا که از راننده‌ای به زور گرفته بودند (و بعد از اوراق کردنش تحویلش میدادند) کردند با مشت میزدند و داخل ماشین رگهای شانه‌ام را می‌گرفتند ولی به خاطر ورم و کلفت شدن رگها بی‌حس نمی‌آمدم. مرتب می‌گفتند که همکاری کن افراد گروه‌ها را معرفی کن و آنچه میدانی بگو زیرا به نفعت است در این صورت جرئت سک میشود و اگر حرف درستی شکنجه خواهی شد، امداد هم حتمی است البته کاری خواهیم کرد که همه چیز را بگوئی

ولی دیگر آنوقت فایده ندارد چند دور مرا در شهر گرداندند مرتباً سؤال میکردند: اینجا را تمیشتی (منظورشان عابری بود) وقتی که نه می‌نشیندم مصائبی میشدند و دشنام میدادند. میگفتند حتی تعریف شکنجه‌های زندان فرجی آباد را شنیده‌اید الان سرا می‌بریم و به رودخانه‌ات می‌اندازیم و در جلو سرما نکبت میداریم و اینقدر شلاکت میزنیم که به حرف آئی و بگوئی فلان کردم (رودخانه از جلوی این محله می‌گذرد و رود محله را از شهر جدا میکند). قبل از رسیدن به محله به جلوی خانه‌ای رفتم. مشغول همراهان گفتم که آن خانه را با زورسی و افراد آتسرا تسکیر کنید و دیگر ماشین خاموش شد. - میگفتار آن خانه به طرف آنها تیراندازی شده است.

تعداد چهار نفر از پیرو جوان حسی حاجی ریش‌خند و از آن خانه بیرون آوردند وقتی که زن و بچه‌ها به دنبال افراد خانواده بیرون آمدند با تعدادی چنگ - پاسداران به محبت می‌راندند. وقتی که ماشین را روشن کردند برای عقب و جلو کردن جلو رفت و از آنها فاصله گرفت و دوباره خاموش شد. در آن لحظه که از قبل آماده‌گی فرار داشتم به عنوان صدا کردن بقیه برای هول دادن و دوباره روشن کردن ماشین از ماشین پیاده‌شدم تا آن لحظه من و راننده در - ماشین مانده بودیم با پاهای ورم کرده که از بر روی زمین گذاشتن آن عاجز بودم

شروع به دویدن نمودم. زنهای محله که برای تماشا ای اعمال شکنجه پاسداران بیرون آمده و ایستاده بودند در موقع فرار و عبور من راه را خالی کردند مزدوران سرکوبگر بطرفم شروع به تیراندازی نمودند در اولین گوهه رسیدم و توانستم با کمک مردم از دست آنها جان سالم بدر ببرم، اگرچه آنها بدنالم بودند و تیراندازی میکردند. دیگر مزدوران مستقر در پایگاهها همه از هر نقطه شروع به ضربه اندازی نمودند و می‌دویدند زیرا گمان می‌بردند که پیشرگان وارد شهر شده‌اند. همین باعث زخمی شدن چند نفر از اهالی شهر شد. مردمی که مرا میدیدند به هر شیوه کمک می‌نمودند تا از دید پاسداران پنهان شوم. جمالی مرا در انباری جا داد. وقتی که مزدوران رفتم چند نفر گفتند: نموده‌ای از محل دور شوم. در محله‌ای به خانه‌ای رفتم. لباسهایم را عوض و بعد از پذیرایی - و درمان زخمها وقتی که قصد رفتن داشتم زن صاحبخانه اصرار داشت که تا هر کجا که میخواهم همراهم کند که با اصرار زیاد مانع شدم ولی یک نفر دیگر مرا تا محل مطمئن و مناسبی همراهی کرد و ۵۰۰ تومان بعنوان خرجی راه بهم داد. بعد از یک روز اشراعت و بهبود نسبی زخمها شهر را ترک نمودم.

با ایمان به پیروزی پرولتاریا



"اعدام"

بقیه از صفحه ۴۹

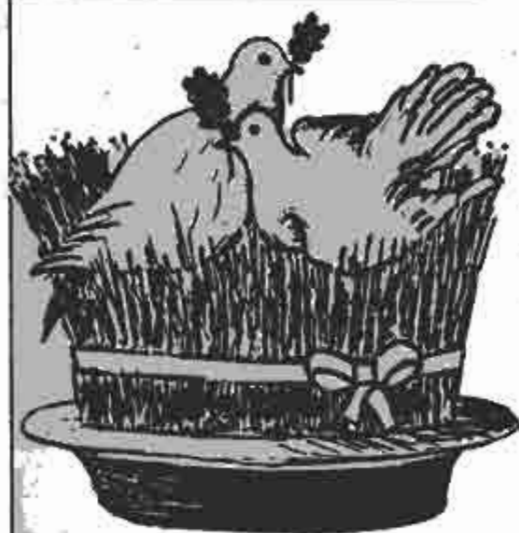
نمودند تا زمان آکسیون را به درازا بکشند این حرکت در حاشیای ترین منطقه حدود ۲۰ دقیقه بطول کشید. سپس رفقا را به ایستگاه پلیس و در اندک زمانی به زندان مرکزی شهر منتقل نمودند. این آکسیون از سر برد نسبتاً وسیعی برخوردار گشت و ابعاد جهانی یافت.

به دنبال تلاش رفقای دیگر، رفقای دستگیر شده روز ۱۲ مارس با قید ضمانت - مالی آزاد شدند و در تاریخ ۱۵ مارس در ضمن لغو ضمانت‌ها، پرونده برای همیشه بسته شد. روز ۹ مارس صحنه‌ای نمایی از "اعدام و تیرباران در ایران"، در مقابل روزنامه‌های سراسری هند به اجرا گذاشته شد. صحنه چنان طبیعی می‌نمود که صدها تن در محوطه

جمع نموده و درامیک‌ها با آن که یکی از پر رفت و آمدترین نقاط دهلی است دچار اشکال شد. از آنجایی که محل مذکور به خانه بی فرهنگ رژیم جمهوری اسلامی نزدیک بود. جهت پیشگیری از هرگونه اتفاقی، محوطه بطور کامل زیر پوشش رفقا بود. همزمان نیز اعلامیه بطور وسیعی پخش میشد.

این آکسیون نیم ساعت بطول انجامید و

بقیه از صفحه ۵۰



تورنتو - کانادا

به مناسبت فرا رسیدن سال نو دانشجویان شرقی ایرانی در تورنتو - کانادا - برنامه ای با همکاری نیروهای مختلف در این شهر برگزار کردند. در این برنامه که با استقبال دانشجویان ایرانی روبرو گردید، قریب ۱۸۰ نفر شرکت نمودند. این برنامه یکی از تجارب موفقیت آمیز اتحاد عمل بین نیروهای مختلف بود.

کاربندل - آمریکا

در تاریخ دوم آوریل ۱۹۸۲، برنامه جشن نوروز با همکاری مشترک سازمان دانشجویان ایرانی، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، هواداران "پلاتفرم چپ" و - هواداران چریکهای فدائی خلق با موفقیت در شهر کاربندل برگزار گردید. همچنین تظاهرات مشترکی علیه مزدوران حرب الیسی در این شهر انجام گرفت. چاسوسان رژیم جمهوری اسلامی که تلاش داشتند زیر چتر حمایت پلیس از دانشجویان شرقی مکتب بردارند، موفق به این کار نشده و دوربینهایشان به نفع خلق معادله گردید.

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی (هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) در شهر های زیر مراسم نوروزی را برگزار نمود:

دارمشتات

عید نوروز به پشتیبانی نیروهای شرقی از جمله دورمچی پل - ترکیه، نیروهای شرقی یونانی، آمریکای لاتین و آلمانی برگزار شد. برنامه ها شامل موسیقی شرقی ایرانی و موسیقی از کشورهای یونان، ترکیه، آمریکای لاتین، رقص های محلی یونان و - ترکیه بود. شرکت کنندگان در این مراسم بدینوسیله همبستگی بین المللی خود را با مبارزات مردم ایران نشان داده، جنایات رژیم را محکوم کردند. مراسم عید نوروز در واقع به شب همبستگی بین المللی تبدیل شده بود. در این برنامه تئاتر حاجی فیروز

که بهانگر سیاهی ارتجاع حاکم بر جامعه ایران و شرایط اختناق و بدی وضع مردم - بوده به نمایش گذاشته شد. همچنین تئاتری از طرف رفقای هوادار در رابطه با شرایط زندانیان سیاسی به نمایش درآمد. حدود ۴۰۰ نفر در این مراسم شرکت کردند.

گوتینگن

در این مراسم مقاله هایی به زبانهای آلمانی و فارسی در رابطه با شرایط اقتصادی و سیاسی در ایران ارائه گردید. همچنین یک تئاتر به نمایش گذاشته شد که در آن همکاری جمهوری اسلامی با رژیم - آلمان نشان داده شد. یک گروه کارگری از رفقای کارگر کردستان ترکیه (PKK) موسیقی شرقی کردی اجرا نمود که مورد استقبال شدید حاضران واقع شد. گروهی دیگر از رفقای کردستان رقص های محلی کردی اجرا کردند. در این جشن ۱۵۰ نفر شرکت داشتند.

کارسروهه

در این برنامه یک اسلاید شو (بمدت ۳۵ دقیقه) از ۲۸ مراد تا به امروز با متنی از رفیق سعید سلطانپور به زبان آلمانی نمایش داده شد. نمایشنامه افغان آفرینش نوشته صادق هدایت توسط رفقای هوادار و رفقای آلمانی ترجمه و تنظیم شده بود که به زبان آلمانی بروی صحنه آمد. این نمایشنامه نشانگر خرافات مذهبی و نمایانگر آن بود که خرافات و کهنه پرستی امروزه غریباری ندارد. رفقای دورمچی پل از ترکیه رقص و موسیقی اجرا کردند. رقص ارمنی نیز توسط هواداران و موسیقی کردی توسط رفقای کرد ارائه گردید. در این برنامه ۴۰۰ نفر شرکت داشتند.

"اعدام"

بقیه از صفحه ۴۹

چند لحظه قبل از ورود پلیس به محبذ، رفقا سیما متفرق و از ناحیه دور شدند. ۱۰ مارس در تداوم حرکت های قبلی، ۲۰ تن از رفقا خود را در مقابل دو هتل که تعداد زیادی از شرکت کنندگان و خبرنگاران خارجی سکونت داشتند، خود را به مدت ۲۰ دقیقه زنجیر نمودند. در این حرکت بیش از ۲۰۰۰ اعلامیه به زبانهای هندی و انگلیسی پخش گردید. پلیس توانست که زنجیرها را پاره کند و رفقا را بازداشت نماید، اما عصر همانروز، رفقا آزاد شدند. هواداران با کنفرانس نیز بهمانیه ای که از طرف هواداران راه کارگر - سازمان چریک های فدائی خلق ایران و وحدت کمونیستی خطاب به شرکت کنندگان در هفتمین "کنفرانس عدم تعصب" شبیه شده بود، پختن گردید و برای مران و نمایندگان نیز ارسال شد. علیرغم سانسور شدیدی که پروگرام های دولتی اعمال میشود، آکسیونها هر یک در سطوح مختلف و حتی در ابعاد جهانی انعکاس یافت و چهار رژیم غارتگر جمهوری اسلامی بیش از پیش افشا گردید.



اطلاعیه

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان به ضاسبت دوازدهمین سالگرد رستاخیزسیاهنگ، هشت نفر از اسرای خود را از زندان آزاد نمود. این افراد که از غریزندان خلقهای ایران بوده و بهالاجبار به جنگ با خلق زمختگر کرد کشیده شده بودند، پس از آنکه به حمایات رژیم جمهوری اسلامی واگذار شدند و پس از یک دوره آموزش از زندان سازمان آزاد شدند. اساسی این افراد به قرار زیر می باشد:

۱ - نور محمد فخری	نام پدر محمد	اهل کرمانشاه	سپاه	۲۱ ساله
۲ - محمود سیمینی	احسان	آباد	.	۲۰
۳ - غضبان حدادی	فلامعلی	ماهشهر	.	۲۰
۴ - اسیر مستوری	بنی	تهران	.	۲۰
۵ - منوچهر بقائی	فتح اله	.	.	۲۲
۶ - حمید رضا سبیل نخعی	محمد حسن	سنجیل	.	۲۰
۷ - علی صفر کوروند	ایمان	نهبند	.	۲۲
۸ - محمد هادی نیچیه	نوراله	سمنان	.	۲۰

ضمناً بهرواطلامیه قبلی مورخ ۱۰/۱۲/۶۱ پیرامون عملیات قهرمانانه رفقای پیشمرگه به ضاسبت ۱۰ بهمن که منجر به شهادت ۱۰ نفر از پیشمرگان سازمان شد اساسی رفقای شهید را به شرح زیر اعلام می نمایم:

- ۱ - محمود رحمتی از اعضای سازمان، فرمانده عملیات اهل سقر
- ۲ - علی نوری اهل سقر
- ۳ - حسن حسن پدر
- ۴ - فریدون پانه ای
- ۵ - مراد میرزائی (حیدر) - ایلام
- ۶ - بهنام قاسمی زاده رضوی (شهرام) اهل مازندران
- ۷ - حسر رضائی (جعفر) اهل خلخال (دائی این رفیق، شیخ صادق خلخالی جلال است)
- ۸ - احمد
- ۹ - امجدیل اهل دهکده قروچا
- ۱۰ - ابراهیم

هموطنان مبارز! هواداران سازمان! خلق کرد هم اکنون مورد هجوم و حمله بیگانه بهاران جدید جنایتکاران جمهوری اسلامی قرار گرفته است. افشای جنایات رژیم و انگیزه آنها در میان هموطنان خارج از کشور و بهویژه افکار عمومی جهان، بخشی از وظایف انقلابی شما محسوب می شود. به هر شیوه ممکن با افشای جنایات رژیم در سراسر ایران، بهویژه بهارانها و قتل غای که هم اکنون در کردستان جهان دارند، به مقاومت دلیرانه انقلابی و مردم مهربان باری رسانید.

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور

۸۳/۱/۳ برابر با ۸۳/۱/۳

تصحیح

گردیده که بدین وسیله اصلاح میگردد. همچنین در مقاله "شوروی، آمریکا و..." - صفحه ۲۲، عنوان بالای ستون ۳ اشتهاً بهمان درگشت استالین، صفحه ۳۸، ستون یکم، سطر ۹ و در جواب شده است که صحیح آن "پیمان ناخو" عبارت بود و زوارده اشتهاً زوار و زاده جاب میباشد.

پتک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست بزرگر

گرامی باد خاطره رفیق شهید حمید رضا سعادت

رفیق حمید رضا از خانواده ای فقیر بود و در شهر همدان متولد شد. تحصیلاتش را سر در این شهر میگذارد. با اوج گیری قیام تکویند ۲۲ بهمن، رفیق که ۱۳ سال پیشتر بداشت، مانند ما می کوچکی به دریای خروشان خلق و صف مبارزان پیوست.

رفیق با اعتقاد به راه و رسالت خونین فدائیان خلق در جهت تبلیغ مواضع سازمان معالیه شرکت داشت. با اشتعال سازمان، او آگاهانه و مصراحت اکثریتی ها را خائن به طبقه کارگر شاحت و خط انقلابی سازمان را سرگرمید. از این پس بهرغروشتتر، لحظه ای در جهت تبلیغ اهداف و مواضع سازمان از تلاش نمی ایستاد. ملائمت و اسرزی سرشار رفیق را سازد سایر رفقا بود.

او توسط مزدوران رژیم شناسائی و دستگیر گردید و بعد از چند ماه تحمل قهرمانانه شکنجه و فشارهای فراوان، در سن ۱۶ سالگی توسط دادگاه جنایتکاران خمینی در همدان محکوم به اعدام گردید. رفیق حمید رضا سعادت هوادار پرشوری بود که به حرم هواداری و تبلیغ مواضع سازمان در مکی از روزهای آبان ماه ۶۰ به اعدام محکوم شد. او فدائی وار در حالیکه ایما و استوار، با فلسی آکنده از کین ستینه دشمنان و با ایمان به پیروزی کارگران و رنجکشان بسوی قتلگاه رژیم جمهوری اسلامی راه می برد، با شعار زنده باد سوسیالیسم، مرگ سر امپریالیسم، مرگ سر رژیم جمهوری اسلامی توسط موخه آتش باعداری مزدور خمینی بطور قبیعی به شهادت رسید، و بار دیگر لگنه سگی بر پیشانی رژیم جمهوری اسلامی حده و اوراق نفیوم سرخ فدائیان خلق را درخشانتر نمود.

رژیم بهترمانه بعد از به شهادت رسانیدن رفیق، او را ۱۸ ساله معرفی کرد. باین گرامی و راهش جاودان باد.

A PUBLIC 'HANGING'

A man hung by a tree right on New Delhi's Newspaper Street, Bahadur Shah Zafar Marg. The body swung in the breeze. Next to him were two men tied to a tree with eyes blindfolded and bloodstains on their shirts. They had apparently been shot.

A large crowd collected to see this sight and the initial shock was

like a punch in the guts. But the shock lifted when one realised that this was a demonstration by Iranian students to highlight public hangings and executions in Iran. A press release being handed out appealed to the non-aligned movement to support the cause of restoring democratic rights in Iran.

Pic by Nareesh Suri.



THE SUN Page 4



شرح لمر ساحة ۲۹

INDIAN EXPRESS

Published Daily Except on Sundays and Public Holidays. Price 10 paise. Subscription: 10 paise per copy. 10 paise per copy. 10 paise per copy.



Demonstration by Iranian students

Twenty Iranian students of Delhi on Thursday managed to hoodwink advertisement men and drivers, secured in front of a hotel where some non-aligned summit delegates are staying, reports UNI.

THE STATESMAN, 11 MARCH 1983

Iranian students court arrest

Iranian students protest

By A Staff Reporter
NEW DELHI, March 11.—The Iranian students held up for some time yesterday in a protest against the execution of political prisoners in Iran.

The method of protest was a mock execution of hanging by a tree. The students were seen with a rope and a special hook. A large number of people collected and the atmosphere was tense.

11 Iranian girls held

Uttam News Service
NEW DELHI, March 8.—Eleven Iranian women students in Delhi were taken into custody by Delhi police in connection with a demonstration against the execution of political prisoners in Iran.



Protest by Iranian girls

NEW DELHI, March 8.—A group of 11 Iranian women students in Delhi were taken into custody by Delhi police in connection with a demonstration against the execution of political prisoners in Iran.



THE STATESMAN, 11 MARCH 1983

प्रस क्षेत्र में फाली का वृक्ष

नयी दिल्ली, ८ मार्च (एन) — एक ग़्रुप ऑफ़ इरानी स्त्रियों ने दिल्ली में एक प्रदर्शन किया जिसमें वे एक फाली का वृक्ष काटने के लिए एक प्रयास किया।

Anti-Khomeini rally

By Our Staff Reporter
NEW DELHI, March 8.—As a protest against the Islamic regime of Iran, several anti-Khomeini students held a demonstration in which a mock hanging sequence was enacted at Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Another group of students arrested the killing of citizens by being seized.

In a press release, the anti-Khomeini organisations declared the participation of the Islamic regime of Iran in the 1983 non-aligned summit.